

ستبران ۱۲

(۱۳۳۳)

نشریه سراسری سندیکای صنعت برق ایران
بهار ۱۴۰۲، دوره جدید، شماره دوازدهم (۱۳۳۳ از سری متوالی)
قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

- پیشنهادات سندیکا برای اصلاح لایحه برنامه هفتم توسعه
- درخشش سندیکایی‌ها در انتخابات اتاق‌های بازرگانی
- زخم کاری تورم بر پیکره اقتصاد
- گره کار تولیدکنندگان کجاست؟
- الزامات تحقق شعار سال

www.arya-transfo.com

«تولید در کلاس جهانی افتخار ماست»

گروه صنعتی آریا ترانسفو
ARYA TRANSFO INDUSTRIAL GROUP

کفه‌های ؟ زیاده برق



شلیک به صنایع

تراژدی خاموشی‌ها

بایستگی‌های قراردادهای تیپ

اصلاح حکمرانی، علاج ناترازی‌ها

صنایع کوپله رعد

RAAD COUPLING INDUSTRIES



علمی خرید کنید
مهندسی اجرا کنید

RCIPOWER



www.rcipower.com



- تامین و تجهیز دستگاههای دیزل ژنراتور کوپله
- فابریک کارخانه سازنده، کوپلههای اروپایی از
- رنج قدرتی ۱۰۰ الی ۳۷۵۰ کیلو ولت آمپر
- طراحی و ساخت انواع تابلو کنترل
- تحلیل و برآورد توان مورد نیاز پروژه
- تامین لوازم مصرفی و جانبی دیزل ژنراتور
- پشتیبانی و نگهداری دستگاههای دیزل ژنراتور
- طراحی و ساخت انواع کاناپیهای سوپرسایلنت
- آموزش نحوه بهره برداری از دیزل ژنراتور

تلفکس: ۰۲۱ ۸۸۸۷۷۰۸۳ - ۴
واتساپ فروش: ۹۸ ۹۱۲۱۷۲۱۳۰۰
۹۸ ۹۱۲۱۳۵۰۸۵۴

دفتر مرکزی: تهران، میدان آرژانتین، خیابان
زاگرس، ساختمان شرق، پلاک ۹ واحد ۱۰۴

✉ INFO@RCIPOWER.COM

صنایع کوپله رعد

RAAD COUPLING INDUSTRIES



POWER GENERATION



www.rcipower.com





شرکت نوآوران علمی و صنعتی آکو
تولید کننده انواع باتری های صنعتی وست استار



www.ako-energy.com



تهران - بلوار اندرزگو - بین علوی و زمانی - مجتمع اداری تجاری سانا ستر - طبقه ۳ اداری - واحد ۳۰۳
فروش ۰۲۱-۷۹۴۰۳۰۰۰ کدپستی: ۱۹۳۷۷۳۵۶۰۹



گروه صنعتی
ایران ترانسفو



صادر کننده ممتاز ملی



www.iran-transfo.com



www.ltc-co.com

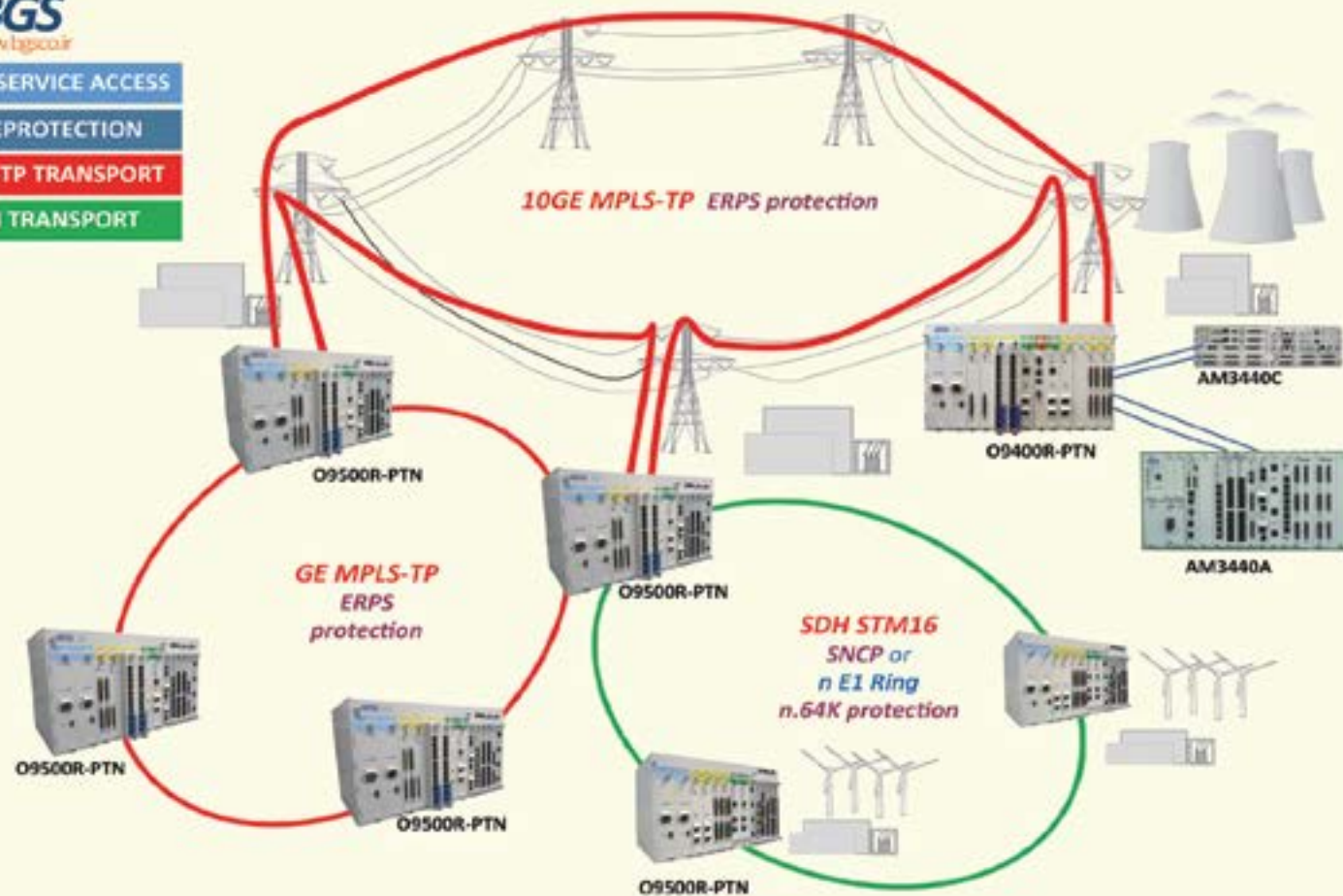
تهران خیابان سد جمال الدین اسدآبادی، خیابان سوم (شهید امیر جهانیش)، پلاک ۲۳، شرکت بازرگانی ایران ترانسفو تلفن: ۰۲۱-۴۲۸۷۸

- انواع ترانسفورماتورهای فوق توزیع و قدرت
- انواع ترانسفورماتورهای توزیع روغنی (کنسرواتوری و هرمتیک) و خشک رزینی
- انواع پست های پیش ساخته و تابلوهای برق

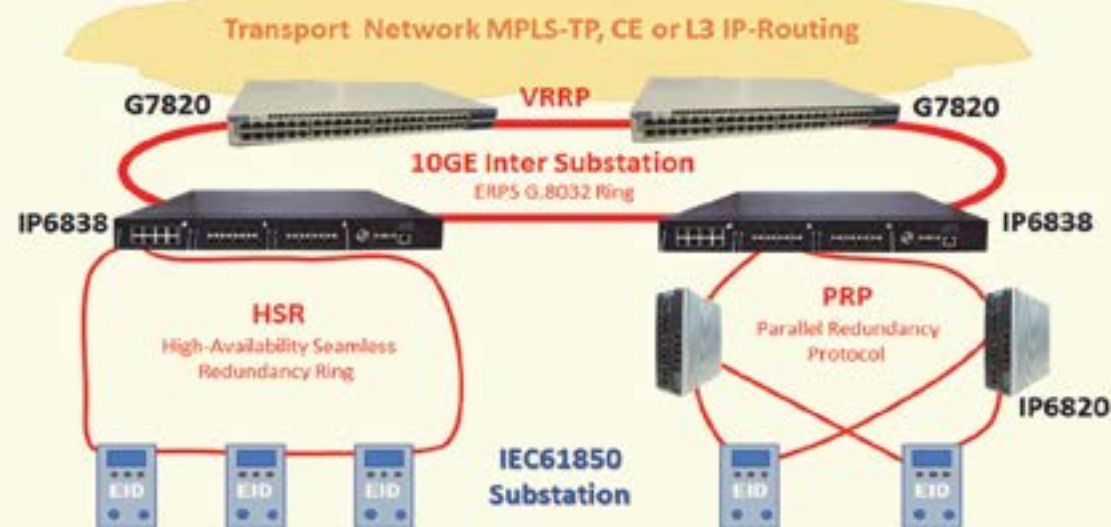


ارائه راهکارهای مخابراتی و ارتباطی در حوزه شبکه نیرو

MULTISERVICE ACCESS
TELEPROTECTION
MPLS-TP TRANSPORT
SDH TRANSPORT



IEC-61850 SUB-STATION
ETHERNET FE/GE/10GE
SWITCH L2, L2.5, L3
TELEPROTECTION



Loop
Telecom
www.looptelecom.com

www.bgsco.ir

شماره تماس : ۰۲۱ ۴۶۱۱۸۰۰۶
شماره فکس : ۰۲۱ ۴۶۱۱۸۰۰۷
آدرس ایمیل : info@bgsco.ir

شرکت اندیشه های فرانگر برسام
نماینده شرکت Loop Telecom در ایران

E.P.I.L.✓

شرکت آزمایشگاه های صنایع انرژی



شرکت دانش بنیان اپیل

✓ آزمایشگاه آکرو دیته دارای گواهینامه ISO IEC 17025 ملی و بین المللی (قابل ردیابی از ILAC)
✓ نهاد صدور گواهینامه محصول دارای گواهینامه ISO IEC 17065 بین المللی (قابل ردیابی از IAF)
✓ نهاد بازرسی فنی (مورد تأیید توانیر)



حمایت صندوق نوآوری و شکوفایی از مشتریان اپیل

مشتریان دانش بنیان اپیل:

- کمک بلاعوض بطور سالیانه تا سقف ۳ میلیارد ریال "بابت هزینه انجام آزمون در اپیل"
- کمک بلاعوض تا سقف ۲ میلیارد ریال "بابت هزینه اخذ گواهینامه های صادراتی CE/ATEX/SIL/CoC از طریق اپیل"

سایر مشتریان اپیل:

- تسهیلات کم بهره بابت هزینه های "انجام آزمون در اپیل" و "اخذ گواهینامه های صادراتی CE/ATEX/SIL/CoC از طریق اپیل"



021-61971



Info@eepil.com



@epil_co



www.epil.ir



09109104342
09109105352
09109104636



epil-ir

- 7" TFT - Touch Screen
- Resolution: 1024 x 600
- Refresh Rate: 60 Hz
- LCD Size: 4.8" x 6.5" (H x W)
- 1 x Ethernet Port

HMI



- 8 Digital Input
- Up to 4 Digital Output
- 4 Current Input
- 3 Voltage Input
- MODBUS, DNP3
- 3.5" TFT Color RGB 65k
- 96 x 96 x 89 mm (W x H x D)
- 1 x RS485
- 1 x RS232
- 1 x USB
- 1 x SD

IED



دفتر مرکزی: تهران، خیابان شهید مطهری، خیابان میرعماد
کوچه یازدهم (پیمانی)، پلاک ۱۱، واحد ۷-۱
تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۱۷۵۵۰۳ - ۸۸۵۴۰۲۰۸
فکس: ۰۲۱ - ۸۸۱۷۵۴۹۳

Head Office: Unit 107, No. 11, Paymari Alley, Mirasad St.,
Moshari Ave., TEHRAN 1587747818 IRAN
Tel: +98 21 88540208 - 88175503
Fax: +98 21 88175493

Rack Mount RTU

- Up to 90 Digital and Analogue I/O
- MODBUS, DNP3, IEC60870-5-101, 103, 104
- Security: AES-128 / HMAC-256
- Optional User Friendly HMI
- Wide Range of Power Measurement
- User Friendly Softwares: Config, Test, Monitoring



Compact RTU

- Up to 34 Digital and Analogue I/O
- MODBUS, DNP3, IEC60870-5-101, 103, 104
- Security: AES-128 / HMAC-256
- Optional User Friendly HMI
- Wide Range of Power Measurement
- User Friendly Softwares: Config, Test, Monitoring

mini RTU



- 8 Digital Input
- 8 Digital Output
- MODBUS, DNP3
- Security: AES - 128 / HMAC - 256
- 1 RS232, 1 RS485
- 96 x 96 x 89 mm (W x H x D)



www.azarkelid.com
contact@azarkelid.com

تسهیلات مالی

نمونه سازی / فعالیت های قبل از تولید و تولید صنعتی / سرمایه در گردش / لیزینگ و استصناع / تست و آزمون

ضمانت نامه

شرکت در مناقصه و مزایده / حسن انجام کار / پیش پرداخت / حسن انجام تعهدات

سرمایه گذاری

سرمایه گذاری جسورانه در استارتاپ ها / مشارکت در طرح های فناورانه / هم سرمایه گذاری (سه جانبه با سایر نهادهای مالی)

☎ ۰۲۱ ۸۸۵۷۵۹۷۳ | ۸۸۳۶۶۵۸۱ | ۸۸۵۷۴۸۳۷

☎ ۰۲۱ ۸۸۳۶۶۵۷۴

@ info@energyfund.ir

in energy-power-fund

powerandenergy.fund

ویژه‌ی شرکت های فناور
ودانش بنیان
صنعت برق و انرژی کشور

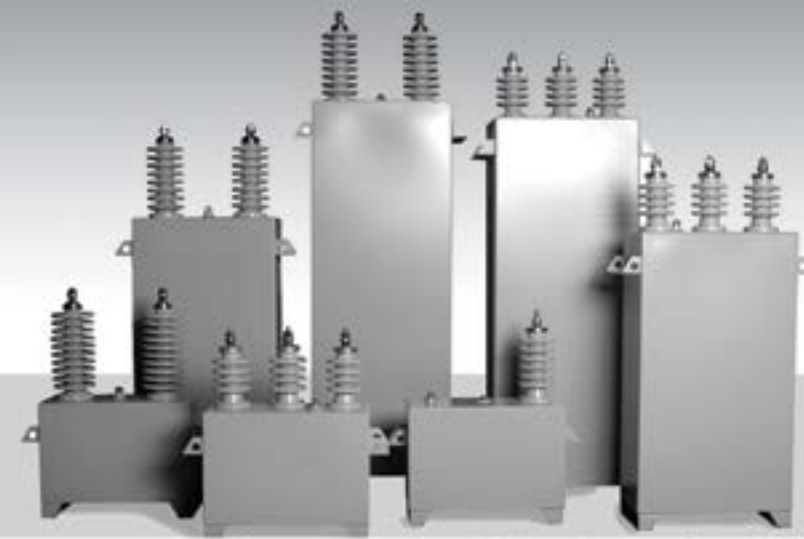
www.energyfund.ir

تهران، شهرک قدس (غرب)
انتهای بلوار شهید دادمان، پژوهشگاه نیرو
ساختمان فناوری، طبقه ۳

صندوق فروش و فناوری صنعت برق و انرژی



شرکت پرتو خازن PKC



اطلاعات فنی یونیت خازنی فشار متوسط (MV)
بر اساس استاندارد IEC 60871

توان خروجی : 50Kvar ... 500 Kvar

ولتاژ نامی : 1 ... 19.05KV

فرکانس نامی : 50 هرتز

دی الکتریک : فیلم پلی پروپیلن

روغن : Jarylec و بدون PCB

تلفات : در درجه حرارت 40 °C مقدار ضریب تلفات 0.15W/Kvar=>

فیوز داخلی : خازنها با و بدون فیوز داخلی می باشند

مقاومت تخلیه : زمان تخلیه کمتر از ۵ دقیقه



بانک خازنی و تجهیزات تابلویی

بانکهای خازنی از قدرت 0.1 تا 4.8 مگاوار و سطح ولتاژ 0.4 تا 33 کیلوولت و با یونیت های خازنی در ظرفیت های مختلف از 1Kvar - 500Kvar

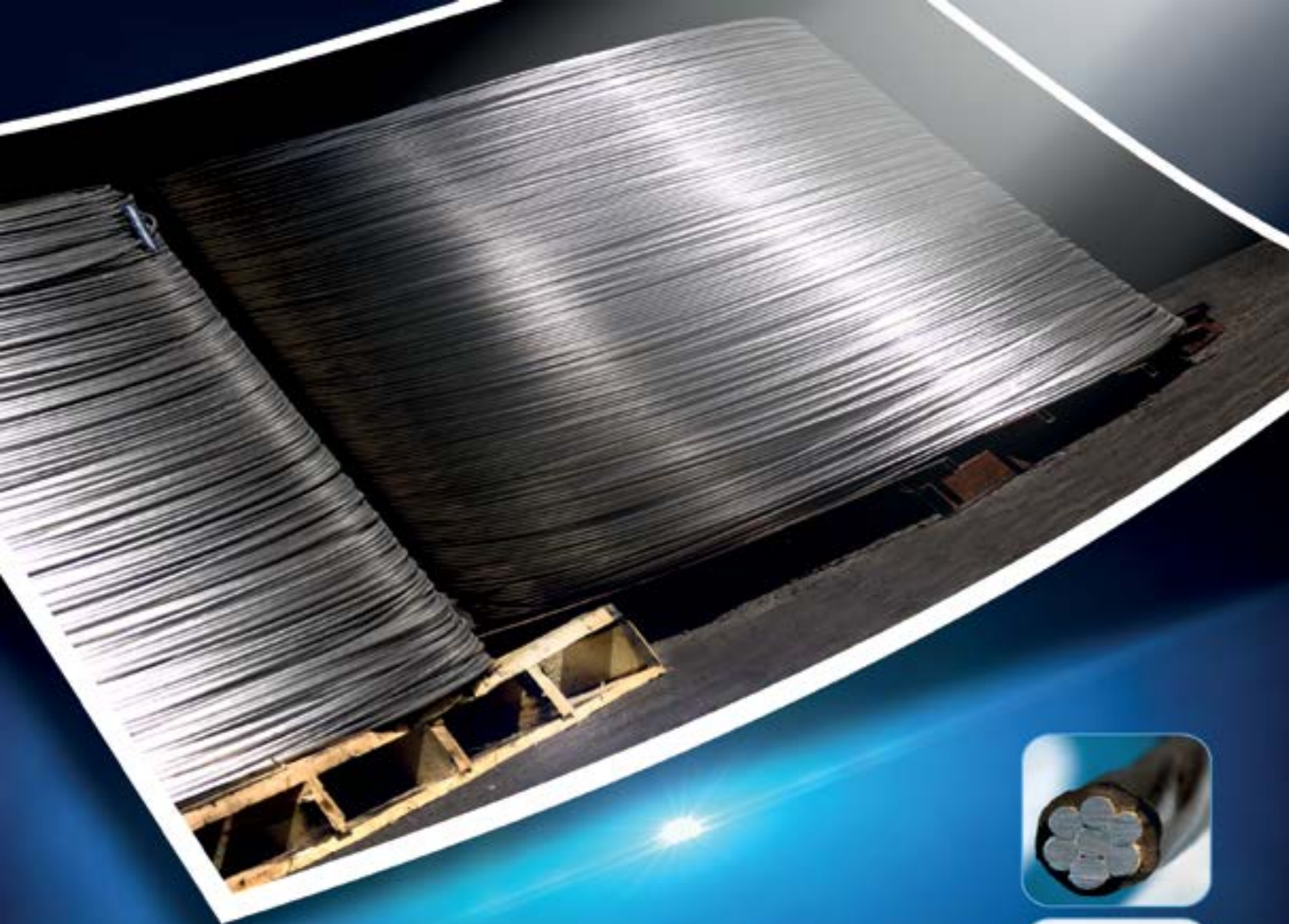
بصورت حفاظت ستاره دابل روی سازه استراکچر بیرونی در فضای باز و یا تابلویی داخل سالن



export@pkc-capacitor.com
sales@pkc-capacitor.com

TEL: +98-21-88882956-8
+98-21-88882929





قم آلیاژ | Qom Alliage

تولید کننده آلیاژ فلزات غیر آهنی
Non-Ferrous Alloys Manufacturing

- ♦ مفتول آلومینیوم خالص EC و مفتول آلومینیوم آلیاژی ۱۰۱ و هادی های آلیاژی AAAC
- ♦ سیم آلومینیوم و هادی های هوایی بدون روکش و کابل
- ♦ آلیاژ های آلومینیوم ، آلیاژ های سرب ، آلیاژ های روی (زاماک) و سرب خالص
- ♦ نیمکره آلومینیومی بمنظور مصرف در صنایع فولاد
- ♦ انجام خدمات آزمایشگاهی



دفتر تهران: خ. آفریقا، بالاتر از خ. دستجردی، ک. پایک مرکزی، پلاک ۶
تلفن: ۸۸۷۷۰۹۶۷-۷۰ و ۸۸۲۰۰۴۱۲-۱۳ نمابر: ۸۸۷۹۸۲۹۰
سامانه ارتباط پیامکی با مشتریان: ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۰۸۸۷۷



Mashad
Wire &
Cable Group

Tower of HV Cables 10.63 kv

مشهد کابل
گروه سیم و کابل
SINCE 1990
Mashad
Wire & Cable Co.



مجهز به آزمایشگاه های متعدد تخصصی صنعت برق

تنها آزمایشگاه در کشور که دارای گواهینامه تایید صلاحیت **ISO/IEC 17025**

جهت آزمون های کامل (Type-Test) (الکتریکال و مکانیکال)

کابل های فشار قوی و کابل های فشار متوسط و فشار ضعیف

کابل های دیتا و کابلهای مقاوم در برابر آتش از سازمان مرکز ملی تایید صلاحیت ایران
تولید کننده انواع سیم و کابل فشار ضعیف، متوسط و فشار قوی (10-63kv)



SCAN ME

شرکت صنایع سیم و کابل
مشهد با ثبت (۷۰۳۵) بدون
هیچگونه پسوند و پیشوندی
میشود لطفاً برای اصالت کالا
کد رهبر را اسکن نمایید.

آدرس دفاتر فروش و نمایندگی های تهران:

نمایندگی شماره ۱: تهران - لاله زار نو - بعد از تقاطع منوچهری - نیش پاساژ البرز ۳۰ - واحد ۱۰۱
۰۲۱-۶۶۳ ۴۱۸۰۶-۸
نمایندگی شماره ۲: تهران - لاله زار جنوبی - بعد از کوچه علیپور - روبروی پارکینگ البرز - پلاک ۲۲۹
۰۲۱-۳۶۴۱۷۱۱۵
دفتر فروش: تهران - میدان امام خمینی (ره) - خیابان فردوسی - پلاک ۵۳ - طبقه همکف
۰۲۱-۳۶۴۸۳۵۷۱ ۰۲۱-۳۶۴۸۳۵۵۲

www.mashadcable.ir mashadcable.ir (051) 31 56

دارای تأییدیه توانیر دارای تأییدیه از وزارت نفت



شرکت توانیر



شرکت نفت ایران

سکسیونر و سگشنالایزر گازی و خلا، هوايي
Overhead Load Breaker Switch



اتوریکلوزر خلا، با عایق گاز یا جامد
Recloser

آشکار ساز خلا هوايي با قابلیت ارسال SMS
Overhead Fault Indicator With SMS



RTU
Remote Terminal Unit (RTU)

تلفن تماس : ۴۷۱۵۸۰۰۰ - ۰۲۱

دفتر مرکزی: تهران - بلوار اشرافی امپراتی - برج تکین رنسا - طبقه ۲۳ شمالی واحد ۲۳۰۱
کسارخانه: تهران - شهرک صنعتی شمس آباد - بلوار نارنجستان - گسبرگ ۸ پلاک ۱۸

www.ariankelid.ir

محصولات زمینی



تولید کننده کلیدهای فشار متوسط برق و RTU

درنگتور خلا، فیکس اتصال از پشت
Frontal Fixed Vacuum Circuit Breaker



سکسیونر گازی زمینی SF6
SF6 Load Breaker Switch



درنگتور خلا، فیکس اتصال از بغل
Lateral Fixed Vacuum Circuit Breaker



درنگتور خلا، کشویی
Withdrawable Vacuum Circuit Breaker



محصولات زمینی

دانستنیان

**POWER
IS IN
CURRENT**

شرکت سیم راد سما

⚡ تولید کننده مفتول، سیم و کابل آلومینیوم

⚡ انواع اکسیژن زدا

⚡ وایرهای مغزدار (Cored Wire) مورد مصرف صنایع فولادسازی

⚡ تامین کننده کک نفتی کلسینه (CPC)

+98 21 66 76 0000

www.simrodsama.com

PARS SWITCH CO.

Manufacturer of Medium & High Voltage
Circuit Breakers and Disconnecting Switches

سازنده کلید و سکسیونر فشار متوسط و قوی



VP4E 36kV



VP4E 24kV

رنج کامل کلیدهای خلاء

7.2 - 36 kV



VP4E 24kV

فرمان از پهلوی



سکسیونر گازی تابلویی مدل LBS-P
24kV موتوری/دستی



PGL 24kV
سکسیونر هوایی گازی



FP 24kV
رنج کامل کلیدهای گازی
FP 7.2-36kV



اتوریکلوز خلاء
مدل PVR 24

تلفن فروش: ۰۲۴-۳۳۷۹۰۷۱۲-۱۶

فکس: ۰۲۴-۳۳۷۹۰۷۱۱

sales@parsswitch.com

www.parsswitch.com



عضو سازندگان داخلی در فهرست بلند

منابع وزارت نفت (AVL)



www.zanganpars.com

info@zanganpars.com

تلفن: ۰۲۴-۳۲۲۲۱۹۵۴-۵

فکس: ۰۲۴-۳۲۲۲۱۹۹۰



صنایع برق زنگان پارس

سازنده تابلهای فشار متوسط کشویی و فیکس

و تابلهای حفاظت و کنترل

قدرت ما بر پایه دانش ماست
تماس با ما: ۰۲۱۸۱۹۳۱۱۴۰
آدرس: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۶۴

آبیاری قطره ای



پوشش لوله‌های فولادی



لوله‌های پنج لایه
ساختمانی PEX, PERT



سیم و کابل



انواع کامپاند پایه پلی اتیلن (PE):

- قابل شبکه‌ای شدن برای عایق کابل‌های ولتاژ پایین و کابل‌های خودنگهدار (TIX5)
- پوشش لوله‌های فولادی خطوط انتقال نفت، گاز و آب
- لوله‌های آبیاری قطره‌ای
- روکش کابل‌های قدرت و عایق کابل‌های مخابراتی
- مقاوم در برابر آتش (HFFR) جهت عایق، روکش و بدینگ کابل‌های قدرت، کنترل و فیبر نوری



شرکت تولیدی گرانول قزوین
Ghazvin Granules Producing Co.
www.ggp.ir

قابل اعتماد و مسئولیت پذیر
تماس با ما: ۰۲۱۸۱۹۳۱۴۶۰
آدرس: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۶۴

مستریج و فیلر



در و پنجره و لوازم خانگی



صنایع خودرو سازی



سیم و کابل



تولید کننده:

دکل های انتقال نیروی فولادی (مشبك و تلسكوپي) | دكل های فولادی مخابراتی |
اسكلت فلزی تجهیزات و صنایع نفت و گاز و پتروشیمی | اسكلت فلزی ساختمان های فولادی |
سینی و نردبان فلزی کابل |



ترانسفورماتور کوره آریا

- ترانسفورماتورهای صنعتی شیفیت فاز با گروههای برداری متنوع
- ترانسفورماتورهای تغذیه سیکلکانورترهای چند فاز به چند فاز
- برای کنترل موتورهای AC
- راکتورهای سری مورد استفاده در کورههای قوس الکتریکی

- ترانسفورماتورهای کوره قوس الکتریکی
- تا توان 360 MVA و جریان فشار ضعیف 140 kA
- ترانسفورماتورهای کوره پائیلی
- تا توان 50 MVA و جریان فشار ضعیف 140 kA
- ترانسفورماتورهای یکسوساز
- تا توان 140 MVA و جریان فشار ضعیف 150 kA
- انواع ترانسفورماتورهای تغذیه کورههای القایی



خدمات پس از فروش آریا ترانسفو

- تعمیرات جزئی و اساسی
- مشاوره فنی
- تصفیه شیمیایی و فیزیکی روغن
- تامین قطعات یدکی و تجهیزات
- آموزش

- نصب و راهاندازی ترانسفورماتور
- سرویس و نگهداری دوره‌ای
- خدمات تست و عیب‌یابی
- بازسازی و اعمال تغییرات
- پایش سلامت ترانسفورماتور
- نظارت بر حمل و نقل



بازرگانی آریا ترانسفو

- تامین مواد اولیه و تجهیزات ترانسفورماتور و
- صنعت برق
- بازاریابی و فروش ترانسفورماتور و تجهیزات برقی

آریا ترانسفو شرق

- ترانسفورماتورهای هرمتیک:
- به صورت دیواره کنگره‌ای تا ولتاژ 36 kV و توان 4000 kVA
- به صورت بالشتک‌گازی تا ولتاژ 36 kV و توان 4000 kVA

- ترانسفورماتورهای توزیع کنسرواتوری:
- به صورت دیواره کنگره‌ای تا ولتاژ 36 kV و توان 4000 kVA
- به صورت رادیاتوری تا ولتاژ 36 kV و توان 4000 kVA
- ترانسفورماتورهای خشک رزینی:
- تا ولتاژ 36 kV و توان 10000 kVA



ترانسفورماتور خشک با اینتگراتور
توان 4000 kVA، ولتاژ 36 kV



ترانسفورماتور کنسرواتوری و دیواره
توان 4000 kVA، ولتاژ 36 kV



ترانسفورماتور رادیاتور و دیواره
توان 4000 kVA، ولتاژ 36 kV

آریا ترانسفو قدرت

- راکتورهای موازی:
- تا ولتاژ 420 kV و توان 100 MVA
- ترانسفورماتورهای دو و چند ولتاژ
- ترانسفورماتورهای پست موبایل

- ترانسفورماتورهای افزایشده نیروگاهی:
- تا ولتاژ 420 kV و توان 550 MVA
- ترانسفورماتورهای فوق توزیع و قدرت شبکه انتقال:
- تا ولتاژ 420 kV و توان 550 MVA



ترانسفورماتور نیروگاه سیکل ترکیبی دو گواه
توان 300 MVA، ولتاژ 20/245 kV



ترانسفورماتور قدرت مجتمع صنعتی و معدنی اراک سیرجان
توان 270 MVA، ولتاژ 400/33 kV



ترانسفورماتور سد سدر
توان 300 MVA، ولتاژ 13.8/230 kV





نواندیشان
کلید گستر
پویا (دانش بنیان)

KGP



مدل
KV1

دارای تایپ تست از آزمایشگاه ICMET رومانی
۱۲ الی ۴۰٫۵ کیلوولت | ۱۲۵۰ الی ۴۰۰۰ آمپر
با قدرت قطع ۴۰ کیلوآمپر در ۳ ثانیه

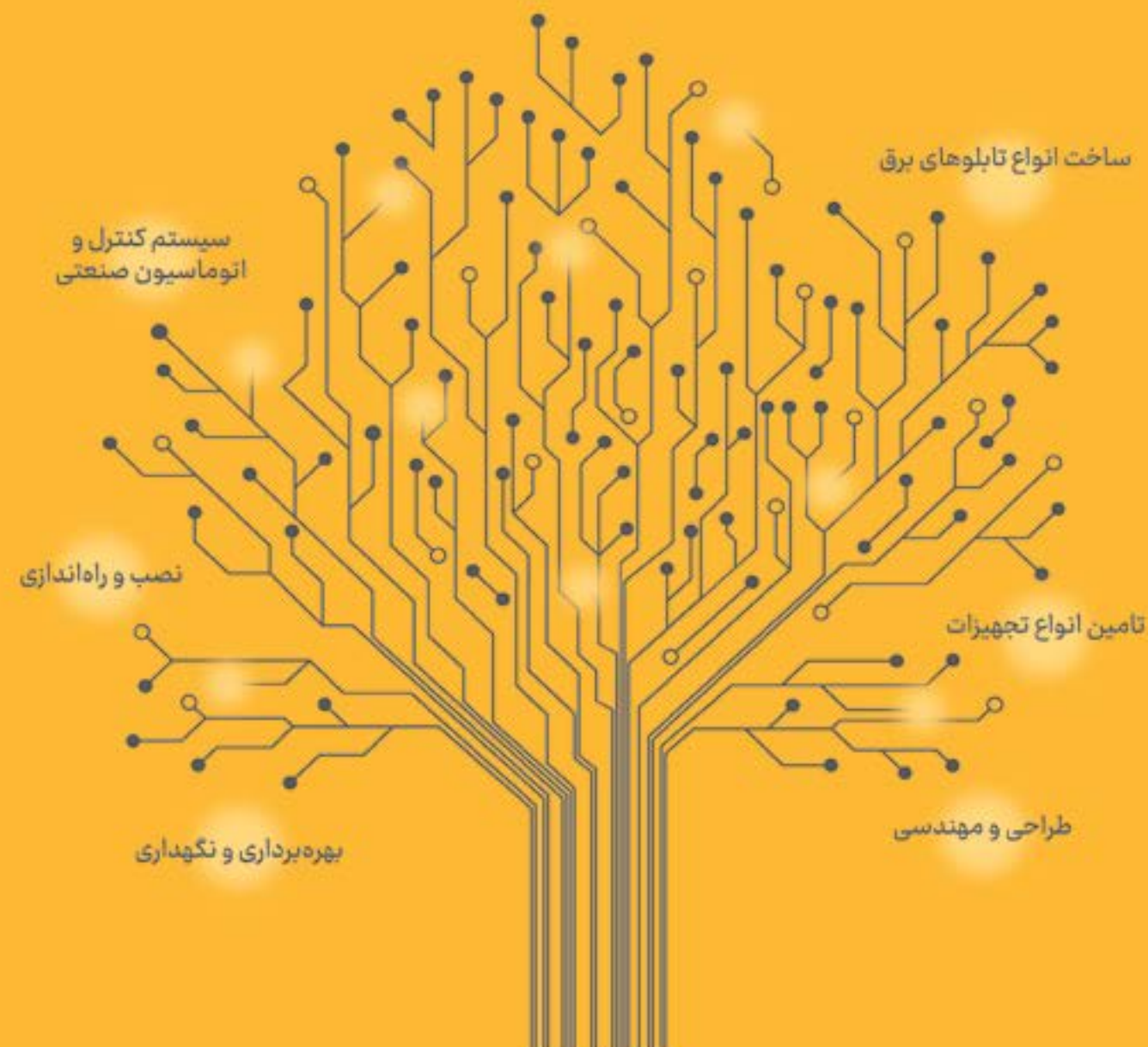
کلید فشار متوسط خلاء
مهندسی، طراحی و ساخت بومی

شرکت زیرمجموعه
BLUE&P
group

www.nkgrp-kb.com
info@nkgrp-kb.com

KGP
NOANDISHAN
KELIDGOSTAR
POUYA (KNOWLEDGE
ENTERPRISE)

کارخانه
ساوه، شهرک صنعتی کاوه، خیابان پنجم، پلاک 32 | تلفن: 08642342582
دفتر مرکزی
تهران، خیابان معنی شمالی، خیابان نقدی، پلاک 22، طبقه 4 | تلفن: 02191072222



دانش بنیان



فرزان فن اندیش فردا
FARZANFANANDISH

زنجیره یکپارچه خدمات برق پروژه های صنعتی

۰۲۱-۸۷۷۰۰۶۱۰۲ | farzanfanandish.com | info@ffaf.ir
دفتر مرکزی: تهران، بلوار کریمخان زند، خیابان سنایی، نبش کوچه یازدهم، پلاک ۲



شرکت نیرو افشان برق فارس

۱. طراحی و اجرای شبکه های توزیع، برق رسانی و روش های معابر
۲. طراحی و اجرای فونداسیون، نصب تاور و سیم کشی خطوط انتقال نیرو در سطح ولتاژ ۶۳، ۱۳۲، ۲۳۰، ۴۰۰ کیلو ولت با برج های مشبک و پایه تلسکوپی
۳. طراحی و اجرای عملیات ساختمانی و نصب و راه اندازی تجهیزات پست های ۶۳، ۱۳۲، ۲۳۰، ۴۰۰ کیلو ولت
۴. طراحی و اجرای عملیات کابل کشی شبکه های توزیع، فوق توزیع
۵. تعمیرات و نگهداری شبکه های توزیع، فوق توزیع و روش های معابر
۶. تأمین کلیه لوازم و پیرایه های شبکه های توزیع و روش های معابر

✉ niroo_afshan@yahoo.com
🌐 www.nirooafshan.com

دفتر مرکزی شیراز: خیابان قصردشت، بعد از خیابان مهر، رو به روی کوچه ۸۰، پلاک ۱۸۲
دفتر تهران: بلوار کشاورز، خیابان عبدالله زاده، کوچه شهید رستمی (شقایق)، پلاک ۲۵، طبقه ۵
دفتر بندرعباس: هرمزگان، بندرعباس، شهرک توحید، جنب انبار مخابرات، بن بست ۱، پلاک ۳، شمالی
تلفن: ۰۷۱-۳۶۲۸۰۰۵۲-۳ فکس: ۰۷۱-۳۶۲۷۹۰۳۷



www.ptsc03.com



پارسیان توانیر سپهر

PARSIAN TAVANIR SEPEHR

SIEMENS

Schneider
Electric

ABB

HOPPECKE
POWER FROM INNOVATION

GENERAL



☎ +98 21 86051471-2

☎ +98 912 2452 753

✉ ptsco3@yahoo.com

خدمات و محصولات:

تأمین کلیه تجهیزات و لوازم برقی

طراحی، مشاوره و اجرای کلیه تاسیسات برقی،
اداری، تجاری، صنعتی، مسکونی و اجرای پست های برق

طراحی، مشاوره، ساخت، نصب و راه اندازی کلیه تابلوهای برق
MCC – MDP – CB – BMS – PLC – CONTROL

ستبران ۱۲

برق بدون تردید یکی از مهمترین زیرساخت‌های توسعه است، از این رو برای هر برنامه‌ای که به منظور توسعه بخشی به حوزه‌های مختلف اقتصادی و صنعتی پیش‌بینی و تدوین می‌شود، باید برای توسعه متناسب بخش برق جهت تامین برق پایدار مورد نیاز این حوزه‌ها هم چاره‌اندیشی کرد.

حال سوال این است که وقتی رشد سالانه اقتصادی کشور برای پنج سال آینده در قالب برنامه هفتم توسعه، ۸ درصد پیش‌بینی شده، آیا صنعت برق مهيای تامین برق مورد نیاز برای این درصد از رشد است؟ فارغ از میزان تحقق‌پذیری برنامه‌های توسعه که به طور معمول همواره کمتر از ۴۰ درصد بوده، اما باید پذیرفت همین عدم توجه به زیرساخت‌های مورد نیاز برای رشد اقتصادی، خود به خوبی موید آن است که برنامه‌ها صرفاً برای نوشتن و نه عملیاتی شدن، تدوین می‌شوند.

این عارضه به شکلی غیرقابل کنترل در سایر حوزه‌ها به ویژه قوانین بالادستی نظیر قانون بودجه توزیع و تکثیر شده و عملاً علیرغم دسترسی به متون قانونی موثر به ویژه در صنعت برق، شاهدیم که در اجرا کارنامه موفق برای هیچ یک از دستگاه‌های دولتی ثبت نشده است.

این ناترازی گسترده در تولید و مصرف برق که این روزها بین ۱۰ تا ۱۵ هزار مگاوات تخمین زده می‌شود، حاصل همین بی توجهی‌های گسترده به نص صریح قوانین متعددی است که برای حمایت، توسعه بخشی و مانع زدایی از صنعت برق تدوین شده است. افول جدی سرمایه‌گذاری‌ها و همچنین تضعیف ظرفیت‌های موجود، تنها بخشی از پیامدهای چالش‌های گسترده‌ای مانند اقتصاد بیمار برق، ناکارآمدی نظام حقوقی و قراردادی و همچنین عدم اجرای دقیق قوانین موجود است.

این شماره از نشریه ستبران علاوه بر بررسی دلایل، آثار و هزینه‌های ناترازی برق در حوزه‌های متعدد اقتصادی و صنعتی، مروری بر الزامات تحقق شعار سال دارد و دلایل عدم تحقق شعارهای سال طی ادوار گذشته را بررسی و تحلیل کرده است.



توان پژوه بهراد
Smart Solutions for Best...

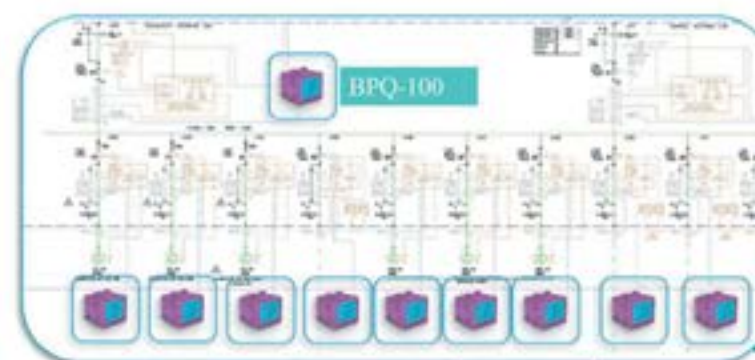
ثبات کیفیت توان



مشخصات فنی:

دستگاه نه‌ایشگر و ثبات کیفیت توان بهراد یک دستگاه اندازه‌گیری و ثبت داده پیشرفته است که امکان پایش دقیق، گسترده و دائمی پارامترهای شبکه برق و تجهیزات الکتریکی را در سه حوزه انرژی الکتریکی، کیفیت توان الکتریکی و آنالیز وضعیت موتورهای الکتریکی فراهم می‌آورد. اپلیکیشن موبایل، سامانه‌های تحت وب و ویندوز متنوع بهراد که از طریق پلتفرم میکروسرویسی بهراد یکپارچه شده اند بهره‌برداری موثر از این راهکار را چندین برابر کرده‌اند.

پلتفرم یکپارچه مبتنی بر معماری میکروسرویس و زیرساخت داده‌کاوی و هوش مصنوعی



نصب دستگاه‌های تحلیلگر توان بر روی نقاط مختلف شبکه برق



اپ موبایل BPQView

(...)



سامانه تحت وب گزارش سازی و تهیه گزارش: BPQMS

نرم افزارهای توان پژوه بهراد:

توان پژوه بهراد نرم افزارهای مخصوص خود را دارد که به صورت رایگان، اشتراکی، فروش لایسنس در اختیار مشترکین محصولات با توجه به نیازسنجی آنان قرار می‌گیرد. کلیه نرم افزارها بر روی پلتفرم جامع اختصاصی توان پژوه بهراد توسعه یافته و قابلیت ارائه خدمات به نرم افزارهای Third-Party را داراست.

ستبران، ارگان سندیکای صنعت برق ایران، تلاش می کند به منظور معرفی پتانسیل های حقیقی بخش خصوصی صنعت برق، به ویژه در حوزه سازندگان، پیمانکاران، مشاوران و شرکت های مهندسی بازرگانی، تصویر روشنی از توانمندی های این بخش نشان دهد. به علاوه شناسایی و بررسی چالش ها و گلوگاه های صنعت با هدف طرح دیدگاه های مختلف و روشن کردن زوایای مختلف اقتصاد کلان و خرد کشور هم از جمله دیگر سیاست های این نشریه است. مسئولیت کلیه مقالات و مطالب منتشر شده در این نشریه بر عهده نگارنده است و نشریه ستبران هیچ مسئولیتی در مقابل این محتوا نداشته و تنها منتشرکننده آن است.

صاحب امتیاز:	سندیکای صنعت برق ایران
مدیر مسئول:	غلامرضا ناصح
سردبیر:	مهدی مسائلی
شورای سیاست گذاری:	پیام باقری، محمد صادق جنان صفت، مازیار جوانی، جعفر جولا، مسعود حجت، رضا راجی کرمانی، منصور سعیدی، سید علیرضا سیاسی راد، سعید مهذب ترابی، علیرضا هاشمی
دبیر تحریریه:	طیبا میرحسینی
تحریریه:	سمیه کاظم زاده، سمیه مسرور
مدیر هنری:	علی چاشنی گیر
مدیر اجرایی:	بهارک باقرپور
توزیع:	سپیده گرجی
امور آگهی ها:	سمیرا کریمی
امور اداری:	طیبه علی آبادی فراهانی
لیتوگرافی، چاپ و صحافی:	آیین چاپ تابان (شیرپاستوریزه، خیابان فتح پانزده، پلاک ۱۷ - تلفن: ۶۶۸۰۸۸۲۰)

نشانی:	تهران، خیابان فاطمی غربی، خیابان سین دخت شمالی، پلاک ۱۵
تلفن:	۶۶۵۷۰۹۳۰-۶
فکس:	۶۶۹۴۴۹۶۷
سایت:	www.ieis.ir
ایمیل:	setabran@ieis.ir

در این شماره می خوانید:

-
-
-
-
-
-

۴	وزارتخانه منفعل و راهبردهای مغفول	سرمقاله
		دستاوردهای سندیکا
۶	در سندیکای ۱۴۰۱ چه گذشت؟	
۸	فرصت های رو به اتمام	
۱۰	درخشش سندیکایی ها در انتخابات اتاق های بازرگانی	
		کفه های ناتراز برق
۱۴	شلیک به صنایع	
۱۵	صنعت برق از خرگوش تا خرگوش	
۱۸	رشد ظرفیت تولید با عبور کم حاشیه از موانع	
۲۱	توپ تولید برق در زمین صنایع	
۲۳	تراژدی خاموشی ها و جفای وزارت نیرو به صنایع	
۲۹	نقش دوگانه وزارت نیرو، مجری یا متولی؟!	
۳۵	مشوق های سرمایه گذاری در تولید برق	
۳۷	اصلاح حکمرانی، علاج ناترازی ها	
۴۳	بایستگی های قراردادهای تیپ	
		سرعت گیر تورم در مسیر تولید
۴۶	پیشنهادهای سندیکا برای اصلاح لایحه برنامه هفتم توسعه	
۴۸	قفل ناکارآمدی ها بر چرخ سرمایه گذاری	
۵۰	پیمانکاران را حمایت کنید	
۵۴	زخم کاری تورم بر پیکره اقتصاد	
۵۶	الزامات تحقق شعار سال	
	گره کار تولیدکنندگان کجاست؟	
۶۰	چهار عامل افول اقتصاد ایران	
۶۴	رپورتاژ شرکت صانیر	
		تریبون آزاد
۶۸	قراردادهای مدت دار در دام عدم پرداخت مطالبات	
۶۹	کنترل ناپذیری قیمت مواد اولیه در سایه افزایش نرخ ارز	
۷۰	پارادوکس نرخ ارز دولتی و مهار تورم	
۷۲	ضرورت سخت گیری در اجرای سیاست های حمایت از ساخت داخل	
۷۴	فقدان تعدیل و پروژه های زیان ده!	
۷۵	ضرورت مشارکت بخش خصوصی در تدوین نقشه های راهبردی اقتصاد	



مغفول و راهبردهای وزارتخانه منفعل

نامگذاری سال ۱۴۰۲ با عنوان «مهار تورم، رشد تولید» در یکی از سخت‌ترین برهه‌های اقتصاد کشور و در شرایطی که بخش عمده‌ای از تولیدکنندگان تحت فضای نامساعد کسب و کار، دچار روزمرگی‌های معمولی شده‌اند که امکان رشد و توسعه را از آن‌ها می‌گیرد، پیام‌ها و اهداف زیادی دارد. با این حال حتی با یک بررسی ساده و سطحی هم می‌توان دریافت که میزان تحقق شعارهای سالانه که در طول یک دهه اخیر عمدتاً بر توسعه اقتصادی و صنعتی متمرکز بوده، آنقدر اندک است که شاید این روزها کمتر بتوان به مهار تورم یا رشد تولید امید بست.

در واقع تجربه ثابت کرده که تدوین برنامه‌ها، ابلاغ دستورالعمل‌ها و اظهارنظرهای شعارگونه متعدد مسئولین در نهایت نتیجه‌ای جز انباشت وعده‌های عملی نشده و امیدهای بی ثمر و البته آمار غیرقابل اتکا نداشته است؛ بنابراین پیش از هر چیز باید تحقق شعارهای سال را مستلزم تغییر پارادایم‌های سیاستگذاری و قواعد تعاملات بازیگران کلیدی اقتصاد کشور دانست.

سوال این است که امروز که قریب به چهار ماه از ابتدای سال ۱۴۰۲ می‌گذرد، چه اقدامات مثمرثمر و موثری برای تحقق شعار سال صورت گرفته است؟ آیا دولت در مهار تورم یا زمینه‌سازی برای رشد تولید توفیق قابل اتکایی داشته است؟ آیا فضای کسب و کار فارغ از بخشی‌نگری وزارتخانه‌ها، نهادها و دستگاه‌های اجرایی متعدد، مهبای توسعه بخش صنعت و تولید شده است؟ آیا رشد قیمت‌ها در سال ۱۴۰۲ با سیاست‌های جدید دولت مهار می‌شود؟

به نظر می‌رسد می‌توان به تمام این سوالات پاسخ منفی داد. در همین ماه‌های ابتدایی سال با نگاهی به شرایط تامین برق

صنایع، عدم چاره اندیشی برای ناترازی جدی در صنعت برق و بی‌توجهی به لزوم جذب سرمایه‌ها در این صنعت، درمی یابیم که امیدواری نسبت به نتایج این نامگذاری، نوعی خوش‌بینی غیرمعقول است.

مساله اینجاست که ما در تدوین الگوها و راهبردهایمان برای عملیاتی شدن اهداف مترقی و متعالی مانند رشد تولید هم نتوانسته‌ایم به درستی از تجارب سایر کشورهای دنیا بهره بگیریم و شاید حتی در نگاه به گذشته و مرور دوره‌های موفق و پررونق اقتصاد کشورمان هم سر باز می‌زنیم.

در حقیقت بی توجهی به این تجارب سبب شده که به جای برنامه‌ریزی دقیق و واقع گرایانه، با نگاهی ایده‌آل‌گرا، در مسیری قرار بگیریم که مقصد آن نامعلوم و شکست در آن محتوم است. این رویکرد در صنعت برق کشور هم کاملاً حاکم است، به بیان ساده‌تر وزارت نیرو هنوز هم نتوانسته با اتکا به سال‌های درخشان و تجارب موفق این صنعت در سنوات گذشته، به یک الگوی موثر و کارآمد برای رونق بخشی به حوزه‌های متعدد آن در تولید برق، ساخت و پیمانکاری برسد. نبود این الگو و عدم بازنگری روابط حاکم بین وزارت نیرو در جایگاه سیاستگذار و شرکت توانیر به عنوان مجری سیاست‌ها و سایر بازیگران این صنعت به ویژه در بخش خصوصی، عملاً آهنبرای جذب سرمایه را در این صنعت از میان برده و رویکرد حل مساله را دچار انحراف و ناکارآمدی کرده است.

بدون تردید در یک صنعت زیرساختی، حیاتی و استراتژیک مانند برق، عدم جذب سرمایه‌های جدید به معنای توقف روند رشد تولید بوده و به سادگی می‌تواند ظرفیت‌های موجود را هم دچار مخاطرات جدی کند. در این راستا ضروری است که دولت ضمن تلاش برای کاهش نرخ تورم و ایجاد یک امنیت و اطمینان نسبی در فضای

کلان کسب و کار کشور، رفتار پاسخگومحور و مبتنی بر حل مساله را در بین مدیران و کارشناسان خود تکثیر کند. در شرایط فعلی با وجود انفعال حاکم بر دستگاه‌های دولتی و در شرایطی که انجام ندادن یک کار عواقب و پیامدهای کمتری نسبت به انجام دادن آن دارد، قطعاً نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که تغییر قابل توجهی در شرایط اقتصادی کشور رخ دهد.

نکته اینجاست که این انفعال حتی در اجرای قوانین موجود هم به چشم می‌خورد. مروری بر میزان تحقق شش برنامه توسعه گذشته، نشان می‌دهد که حتی حاصل جمع درصد تحقق همه این برنامه‌ها هم به ۱۰۰ درصد نمی‌رسد و این امر ثابت می‌کند که مساله ما تدوین قانون یا ابلاغ دستورالعمل‌های جدید نیست. ما در اجرا با یک بی‌انضباطی جدی مالی مواجهیم که نتیجه پیش‌بینی‌ناپذیر شدن اقتصاد و فضای پرریسک کسب و کار و در نتیجه خروج سرمایه‌گذاران از این حوزه بوده است.

اهداف پیش بینی شده در برنامه ششم توسعه که دوره اجرایی آن تا هفت سال به طول انجامید، تنها ۳۰ درصد محقق شده، این در حالیست که هیچ یک از نهادهای نظارتی برای رصد و بررسی عملکرد دستگاه‌های دولتی در پیاده‌سازی و اجرای این قانون، وارد میدان نشده‌اند. از این رو شاید به جرات بتوان گفت ورود نهادهایی مانند دیوان عدالت اداری و یا سازمان بازرسی کل کشور به حوزه عملکردی دستگاه‌های اجرایی و میزان تعهد آن‌ها به تکالیف قانونی‌شان در قانون بودجه و یا برنامه‌های پنج ساله جزو اقداماتی است که می‌تواند در بهبود شرایط موجود کاملاً موثر واقع شود.

به‌علاوه در کنار آن وزارت نیرو باید تلاش کند نوعی عدالت قراردادی را در ساختارهای

مبادلاتی شرکت‌های زیرمجموعه‌اش با بخش خصوصی حاکم کند. تدوین قراردادهای منصفانه، دوسویه و هوشمندی که انعطاف لازم را در مقابل ریسک‌های متعدد فضای کسب و کار دارند و می‌توانند هزینه‌های ناشی از این ریسک‌ها را به شکلی عادلانه بین طرفین قرارداد توزیع کنند، یکی از مهمترین نیازمندی‌های صنعت برق برای عبور از بحران است. این صنعت نیازمند ساختارهای قانونی برای محاسبه و پرداخت خسارت در تادیه مطالبات، تعدیل، گشایش اعتبار اسنادی – ریالی و مواردی از این دست است. البته در کنار آن تعهد کارفرمایان به این چارچوب‌های قانونی و ورود دستگاه‌های نظارتی به این حوزه، می‌تواند از تکرار بحران‌های هزینه‌ساز مانند قراردادهای متوقف و یا ورشکستگی شرکت‌های فعال این صنعت جلوگیری کند.

دولت همچنین باید تلاش کند برای جبران آسیب‌های وارد شده به تولیدکنندگان در طی سال‌های اخیر هم چاره اندیشی و اقدام کند. به عنوان مثال صنعت برق هنوز درگیر مساله قراردادهای متوقف ناشی از جهش‌های چندین باره ارزی و عدم پوشش قراردادی ریسک‌های ناشی از افزایش نرخ ارز است. بدون تردید بهبود شرایط صنعت برق پیش از تعیین تکلیف و رسیدگی به وضعیت این قراردادها ناممکن است.

هر چند قطعاً در گام بعد از آن باید با تدوین یک قرارداد تیپ منصفانه، دوسویه و عقلایی، ساختار حقوقی و قراردادی صنعت برق را تا حدی اصلاح و از بروز یک بحران قراردادی دیگر در این صنعت جلوگیری کرد. بدون تردید بخش خصوصی صنعت برق در قالب یک نظام قراردادی عادلانه

و هوشمند، علاوه بر اینکه نگرانی کمتری نسبت به عدم پرداخت مطالباتش دارد، می‌تواند در فضای کسب و کار امن‌تر و باثبات تری فعالیت کرده و این امر به تدریج او را به انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید ترغیب می‌کند و از همین مسیر زمینه برای رشد تولید در این صنعت فراهم خواهد شد.

از این رو بازنگری ساختارهای حقوقی و قراردادی، ابلاغ زود هنگام قرارداد تیپ مورد تایید دو طرف کارفرما و پیمانکار/ سازنده و در نهایت غربالگری قراردادی متوقف فعلی و تعیین تکلیف آن‌ها با پیش شرط ایجاد کمترین آسیب برای دو طرف قرارداد اقدامات عملیاتی است که راهبردهای آن طی سال‌های گذشته در تعاملات گسترده وزارت نیرو با سندیکای صنعت برق ایران به نمایندگی از بخش خصوصی ساخت، پیمانکاری، مهندسی مشاور و مهندسی بازرگانی این صنعت تدوین شده و پیاده سازی آن نیازمند ایجاد یک عزم جدی در این وزارتخانه برای حل مسائل فعلی صنعت برق کشور است.

اصلاح روند قراردادی و شیوه‌های تامین مالی پروژه‌های زیرساختی صنعت برق، شاهراه دستیابی به رشد تولید در صنعت برق و تحقق شعار سال در این حوزه است. این نسخه سال‌هاست برای صنعت برق کشور پیچیده شده و متاسفانه در بطن انفعال، ساختار بوروکراتیک و ناکارآمدی سیاست‌های حاکم، دست نخورده و اجرا نشده باقی مانده است. امید آن می‌رود که این رویکرد و نگرش در سال سختی که قرار است برق علیرغم ناترازی ۱۵ هزار مگاواتی، زیرساخت رشد تولیدش را فراهم کند، تغییر کرده و اولین خشت را برای بازسازی بنای رونق صنعت برق بگذارد ■

در سندیکای ۱۴۰۱ چه گذشت؟

تشکل‌های اقتصادی، بخش مهمی از جامعه مدنی کنشگری هستند که می‌توانند زمینه را برای احقاق حقوق بخش خصوصی فراهم کنند که نمایندگی آن‌ها را بر عهده دارند. هر چند به نظر می‌رسد کار این نهادها در ساختارهای دولتی و بوروکراتیک اقتصاد ایران، به مراتب دشوارتر از سایر تشکل‌هاست. اثربخشی بر سیاستگذاری‌های عمومی کشور، پیگیری حقوق اعضا و فراهم کردن بسترهای لازم جهت توسعه کسب و کار آنها، تنها بخشی از ماموریتی است که تشکل‌های اقتصادی بر عهده دارند. اما به نظر می‌رسد به دلیل تصدی‌گری دولت در بسیاری از عرصه‌های اقتصادی، دستیابی به این اهداف به سادگی امکان‌پذیر نیست. این پیچیدگی در برق به دلیل ساختارهای دولتی حاکم بر حوزه‌های قیمت‌گذاری، مبادلات و سیاستگذاری به مراتب بیشتر هم هست. به همین دلیل تشکل‌های اقتصادی صنعت برق کاری برای بهبود فضای کسب و کار اعضای خود، کاری به مراتب دشوارتر در پیش دارند. به همین دلیل سندیکای صنعت برق ایران به عنوان تنها تشکل اقتصادی دارای رتبه A+ در کشور، همواره تلاش کرده، علاوه بر مکاتبات و مذاکرات مرسوم، ساختاری موثر و کارآمد برای پیگیری مسائل و چالش‌های اعضا ایجاد کرده و در کنار آن همواره ارائه‌دهنده عملیاتی‌ترین راهکارها نیز باشد.

سندیکا در طول سال ۱۴۰۱ چهار دستاورد کلیدی داشته که در چهار محور کلیدی ایفای نقش نمایندگی اعضا و تاثیرگذاری بر سیاست‌های مرتبط با صنعت برق، تنظیم‌گری صنعت برق، توسعه شبکه ارتباطی

با اعضا و ذینفعان کلیدی و ارائه خدمات به اعضا به دست آمده است.

یکی از مهمترین دستاوردهای این تشکل در طول سال گذشته، کسب رتبه A+ در ارزیابی اتاق بازرگانی ایران برای دومین سال متوالی بود. همچنین انجام پیگیری و به نتیجه رساندن موضوع ابلاغ ۲۰ هزار میلیارد تومان هم جزو این دستاوردها بوده که بر اساس آن قانون اصلاح تبصره (۵) قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور در بهمن ماه سال ۱۴۰۱ برای اجرا به وزارت نیرو و سازمان برنامه و بودجه ابلاغ شد.

در طول سال گذشته علاوه بر فعال شدن پروژه تدوین مشخصات فنی و روش‌های اجرایی سیستم‌های اتوماسیون پست‌های فشار قوی اتوماسیون با پژوهشگاه نیرو، واحد آموزش سندیکا هم با برگزاری ۳۲ وبینار و دوره آموزشی نسبت به گذشته عملکرد موفق‌تری برای خود ثبت کرد.

موافقت اصولی با ثبت و تاسیس فدراسیون برق در اتاق بازرگانی با هدف ایجاد یک صدای واحد و تعامل سیستماتیک نهادها و تشکل‌های صنفی در این حوزه، الزام درج خرید تجهیزات از تولیدکننده اصلی و مسئولیت پیمانکار در صورت مجعول بودن تجهیزات در قراردادهای منعقد با پیگیری سندیکا توسط شرکت توانیر به کلیه شرکت‌های توزیع نیروی برق و نیز ابلاغ سه اصلاحیه بخشنامه تلخیص و تنقیح سازمان برنامه برای سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ با موضوع افزایش ۲۵ درصدی و ضریب مقطوع ۴ درصد و عدم عطف به ماسبق شدن این ضریب ثابت هم جزو دیگر دستاوردهای سندیکا

بوده است.

سندیکا در طول سال ۱۴۰۱ برای اولین بار با هدف توسعه بازار شرکت‌های عضو در نمایشگاه‌های نفت و اکسپو حضور یافت و نمایشگاه جانبی کنفرانس توزیع در دانشگاه امیرکبیر تهران برگزار کرد. در طول این مدت با تلاش‌ها و تعاملات صورت گرفته ضمن تداوم فرایند ارزیابی و تشخیص صلاحیت شرکت‌های سازنده تجهیزات صنعت برق از سوی توانیر، اسناد ارزیابی و تشخیص صلاحیت تامین‌کنندگان چراغ‌های ال‌ای دی خیابانی توانیر هم با مشارکت سندیکا تدوین شده است.

سندیکای صنعت برق ایران همچنین ضمن تهیه پیشنهاد اصلاح و انجام قیمت‌گیری کلیه فهارس بهای (فصول و ردیف‌ها) مرتبط با صنعت برق، فرآیند ارزیابی و تشخیص صلاحیت وندور لیست شرکت‌های تامین‌کننده مپنا را آغاز کرده است. به علاوه این تشکل علاوه بر عضویت در شورای ارزیابی شرکت ساتبا، با وزیر نیرو یک شورای مشورتی تشکیل داده که نمایندگان سندیکا در این شورا و کمیته‌های ذیل آن حضور دارند.

تشکیل میز صنعت برق در کمیسیون صنایع مجلس شورای اسلامی با هدف پیگیری مسائل صنعت برق، تشکیل کارگروه مشترک صادرات وزارت نیرو و سندیکا، تداوم مرجعیت سندیکا در صدور مجوز واردات از طرف وزارت صمت و ادارات صنایع معادن کل کشور و تداوم فرایند استعلام سازمان برنامه از سندیکا برای فهارس بهای صنعت برق به عنوان یکی از مراجع قیمت‌گیری از جمله دیگر اقدامات سندیکا در طول سال ۱۴۰۱ بوده است.

این تشکل علاوه بر امضای تفاهم‌نامه با اتاق تعاون، صندوق ضمانت صادرات ایران، صندوق نانو، معاونت فناوری و شکوفایی ریاست جمهوری، دانشگاه شهید بهشتی و سندیکای شرکت‌های ساختمانی، با سازمان مدیریت صنعتی هم با هدف تعریف و برگزاری دوره‌های IMBA و IDBA مخصوص صنعت برق در کشور همکاری گسترده‌ای داشته است.

یکی دیگر از مهمترین دستاوردهای سندیکا کسب ۱۳ کرسی هیات نمایندگان اتاق‌های بازرگانی سراسر کشور (تهران، اصفهان، خراسان رضوی، زنجان، قم، یزد،

سمنان، کرمان، کسب کرسی نایب رئیس اتاق ایران، کسب کرسی ریاست اتاق بازرگانی سمنان و نیز کسب کرسی در هیات رئیسه‌های اتاق‌های بازرگانی کرمان، اصفهان، یزد و خراسان بوده است.

در طول سال گذشته این سندیکا تعداد اعضای خود را به ۶۴۲ شرکت رسانده که از این تعداد ۶۱ شرکت در سال ۱۴۰۱ به خانواده سندیکای صنعت برق ایران پیوسته‌اند. به علاوه به واسطه همکاری و مشارکت مثال زدنی شرکت‌های عضو، در طول سال ۱۴۰۱، هیات مدیره ۲۶ جلسه و کمیسیون‌ها و کمیته‌های سندیکا بیش از ۱۶۰ جلسه برگزار کردند که نشان از مشارکت فعال اعضا دارد. طی همین مدت بیش از ۴ هزار نامه به سندیکا ارسال شده و قریب به ۲ هزار مکاتبه از سوی این تشکل با اعضا، نهادها و سازمان‌های مختلف انجام شده است.

یکی دیگر از اقدامات موثر سندیکا تهیه ۱۷ گزارش کارشناسی در مورد موضوعات مختلفی نظیر چالش‌ها و راهکارهای بخش برق، پیشنهادات سندیکا در خصوص پیش‌نویس طرح توسعه و مانع زدایی از صنعت برق، لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ و نیز بخش برق برنامه هفتم توسعه، تحلیل فضای مالی صنعت و پیش بینی سناریوهای آینده و بررسی قوانین محل کسب و کار در صنعت برق بوده است.

همچنین گزارش‌هایی درباره چالش‌های حکمرانی و رگولاتوری در بهینه سازی انرژی، تحلیل فرصت‌ها و مخاطرات قانون مانع‌زدایی، کالبد شکافی هسته برق، بررسی وضعیت تولید و ساخت تجهیزات مورد نیاز صنعت برق کشور، تجاری‌سازی و توسعه کسب و کار دانش‌بنیان و مشارکت بخش خصوصی در توسعه صنعت برق (چالش‌ها و راهکارها) از جمله دیگر اقدامات سندیکا در حوزه پژوهش بوده که به مراجع تصمیم‌گیری و نهادهای بالادستی ارائه شده است.

سندیکای صنعت برق ایران در طول سال ۱۴۰۱ هم تلاش کرد مانند ۲۳ سالی که از ابتدای فعالیتش می‌گذرد، احقاق حقوق مشروع اعضای خود و همچنین بهبود فضای کسب و کار آن‌ها را به شکلی منسجم و موثر دنبال کند و همچنان برای ادامه این مسیر به همراهی و همدلی شرکت‌های عضو خود به عنوان شریان‌های حیاتی یک تشکل نیاز دارد. ■

مروری بر مصوبات ده‌گانه نشست سازمان بازرسی، توانیر و سندیکا

فرصت‌های رو به اتمام

مطالبات معوق سال‌هاست مهمترین و کلیدی‌ترین مساله شرکت‌های فعال صنعت برق کشور است. اقتصاد بیمار و نامتوازن برق طی سال‌های اخیر بیشترین خسارت را به شرکت‌های سازنده، پیمانکار، مهندسی مشاور و مهندسی بازرگانی وارد کرده است. خساراتی که از بسیاری جهات، پیامدها و عوارض آن غیرقابل جبران به نظر می‌رسند.

به همین دلیل در طول بیش از ۱۵ سال گذشته که مساله کمبود منابع مالی و کسری بودجه نهادینه شده، به یک ابرچالش در برق تبدیل شده است. سندیکا پیگیری برای تامین منابع مالی برای پرداخت بدهی‌های معوق وزارت نیرو به شرکت‌های عضو خود را به عنوان یکی از اصلی‌ترین دستورکارهای خود مد نظر قرار داده است.

سندیکا علاوه بر پیگیری موضوع مطالبات، همواره تلاش کرده با دنبال کردن راهکارهایی مانند قرارداد تیپ، از استمرار این چالش جلوگیری کند. با وجود همه این تلاش‌ها، اما وزارت نیرو و توانیر در تمام این سال‌ها عملکرد موثر و موفقی در تسویه بدهی‌های انباشته شده به فعالان صنعت برق نداشتند و همین امر سندیکا را ناگزیر کرد که موضوع مطالبات را از سایر مراجع و نهادهای بالادستی از جمله قوه قضاییه و سازمان بازرسی کل کشور دنبال کند. در نهایت این پیگیری‌ها و مکاتبات، به برگزاری جلسه‌ای سه جانبه بین سازمان بازرسی، توانیر و سندیکا منجر شد که ده مصوبه کلیدی و موثر داشت. صورتجلسه این نشست، با امضای همایون حائری، معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی برای آقای امیری، بازرس نیرو و ارتباطات سازمان بازرسی کل کشور ارسال شد و

قرار است سازمان بازرسی، اجرای این مصوبات را پیگیری و دنبال کند. در این جلسه سه جانبه که در روزهای پایانی فروردین ماه سال جاری برگزار شد، علاوه بر نمایندگان هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران، مدیرعامل توانیر و نمایندگان سازمان بازرسی کل کشور هم حضور داشتند، ارتقای تعاملات بخش خصوصی و دولتی در صنعت برق، بررسی مشکلات و چالش‌های اعضای سندیکا، ارائه راهکار جهت رفع مشکلات بخش خصوصی فعال در این صنعت و ارائه راهکار جهت تقویت منابع مالی صنعت برق به عنوان اصلی‌ترین محورها مورد بحث و بررسی قرار گرفتند.

پس از بحث و بررسی این موضوعات و همچنین ارزیابی پیامدها و عوارض ناشی از انباشت مطالبات برای بخش خصوصی صنعت برق، قرار بر این گذاشته شد که اقدامات لازم به منظور توزیع متوازن منابع و پرداخت بدهی‌های سازندگان و پیمانکاران با در نظر گرفتن اولویت پروژه‌های مربوط به گذر از پیک و پایداری شبکه برق کشور به صورت مستمر توسط شرکت توانیر و شرکت‌های زیرمجموعه انجام شود. همچنین بر اساس دومین مصوبه کلیدی این نشست شرکت توانیر موظف شد با همکاری و پیگیری‌های سندیکا ظرف مدت سه ماه راهکارهایی جهت تقویت منابع مالی و ایجاد منابع جدید مالی ارائه دهد.

به علاوه برای توانیر یک ضرب الاجل دو ماهه برای اولویت بندی و غربالگری قراردادهای طرح‌های نیمه تمام تعیین و مقرر شد که در این مدت قراردادهایی را که امکان تامین منابع مالی آن‌ها ضعیف بوده یا به هر دلیلی از اولویت بالایی برخوردار نیستند، تعیین تکلیف

شوند.

یکی دیگر از مصوبات این جلسه تعیین تکلیف قراردادهای تجمیع شده یا قراردادهایی بود که به صورت منطقه‌ای از طریق یک شرکت برای چند شرکت زیر مجموعه منعقد شده است. قرار است این اقدام با همکاری سازمان بازرسی کشور و طی دو ماه آینده صورت گیرد.

در این جلسه همچنین انجام پیگیری‌های لازم به منظور حصول مطالبات صنعت برق از دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و نیروهای نظامی و انتظامی و همچنین پیگیری برای اصلاح شاخص‌های قراردادی و فهرست بها از طریق مراجع ذیصلاح، با مهلت اجرای سه ماهه بر عهده شرکت توانیر گذاشته شد.

انتظامی و همچنین پیگیری برای اصلاح شاخص‌های قراردادی و فهرست بها از طریق مراجع ذیصلاح، با مهلت اجرای سه ماهه بر عهده شرکت توانیر گذاشته شد.

به علاوه مقرر شد ظرف یک ماه کمیته‌های مختلف کاری بین شرکت توانیر و سندیکا جهت بررسی مشکلات و ارائه راهکار تشکیل شود و جلسات منظم و مستمر برگزار کرده و جلسات منظم حداقل هر فصل یکبار بین سندیکای

صنعت برق ایران و مدیرعامل شرکت توانیر با حضور نماینده سازمان بازرسی کل کشور برگزار شود.

با توجه به اینکه مشکلات تعداد زیادی از شرکت‌های کوچک و متوسط با پرداخت میزان محدودی نقدینگی حل خواهد شد، مقرر شد شرکت توانیر تا یک ماه آتی نسبت به پرداخت مطالبات محدود این شرکت‌ها جمعاً تا سقف یکصد میلیارد تومان اقدام کند. ضمن اینکه شرکت توانیر مکلف شد در کوتاه‌ترین زمان ممکن، نامه سندیکای صنعت برق ایران مبنی درخواست تنفس حداکثر شش ماه برای قراردادهای را به شرطی که باعث عدم شروع، کند شدن پیشرفت و یا تعطیلی اجرای پروژه‌ها نشود، ابلاغ کند.

در حال حاضر بیش از دو ماه از برگزاری این جلسه می‌گذرد و باید دید که وزارت نیرو و توانیر در زمان‌های تعیین شده برای تعیین تکلیف قراردادهای تامین مالی جهت بازپرداخت مطالبات شرکت‌های عضو سندیکای صنعت برق ایران چه اقداماتی را صورت داده است. البته ذکر این نکته هم ضروری است که سندیکا به تازگی طی نامه‌ای به مدیرعامل توانیر ضمن اشاره به پیگیری‌های صورت گرفته از سوی سندیکا برای اجرایی شدن مصوبات صورتجلسه نشست سه جانبه توانیر، سازمان بازرسی و سندیکا، خواستار اعلام نتایج بررسی‌ها و اقدامات صورت گرفته شده است، اما به نظر می‌رسد وزارت نیرو و توانیر همچنان اقدام موثری در راستای تکالیف تعیین شده در جلسه مذکور صورت نداده‌اند، در حالی که بدون تردید این بی‌توجهی و انفعال، پیامدها و عوارض گسترده‌ای در سطح ملی خواهد داشت ■

پیام باقری نایب رئیس اتاق ایران شد؛ درخشش سندیکایی‌ها در انتخابات

سندیکای صنعت برق ایران به نمایندگی از این صنعت به اتاق راه یافت، نه تنها ایده راه‌اندازی کمیسیون انرژی را در اتاق بازرگانی تهران پیاده‌سازی و اجرا کرد، بلکه به عنوان سخنگوی صنعت انرژی در اولین شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی هم به ایفای نقش پرداخت. در سال‌های پس از آن به تدریج پای نمایندگان برق به اتاق بازرگانی باز شد و این صنعت مسیر هموارتری را برای طرح مسائل، چالش‌ها و راهبردهای خود در سطح سیاستگذاری‌های کلان کشور در پیش گرفت. نمایندگان سندیکا طی این سال‌ها در کمیسیون‌های متعددی نظیر انرژی و صنایع و معادن، تلاش کردند علاوه بر دنبال کردن مأموریت‌های اصلی خود در این کمیسیون‌ها، تریبونی فعال و موثر برای صاحبان صنعت برق کشور باشند. واقعیت این است که انتخابات امسال اتاق‌های بازرگانی، نقطه عطفی بر حضور برقی‌ها بود. نمایندگان صنعت

می‌دهد که فعالان بخش خصوصی صنعت برق مسیر درستی را در افزایش سطح اثربخشی صنعت برق در حوزه تشکیلی در پیش گرفته‌اند. هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی سمنان در دوره دهم ضمن انتخاب هیئت رئیسه جدید این اتاق، **فرج الله معماری عضو سندیکای صنعت برق و مدیرعامل شرکت آریا ترانسفو** را به عنوان رئیس اتاق بازرگانی سمنان در چهار سال آینده برگزیدند. بر اساس انتخابات صورت گرفته در مشهد **محمدعلی چمنیان، عضو سندیکای صنعت برق و مدیرعامل شرکت نیان الکترونیک** در جمع پنج نفره هیات رئیسه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی مشهد به عنوان نایب رئیس اول برگزیده شد. در کرمان هم **عباس جبالبارزی عضو سندیکای صنعت برق ایران و مدیرعامل شرکت جبال الکتریک کویر** در هیات رئیسه اتاق بازرگانی کرمان برگزیده و مسئولیت خزانه‌دار را عهده دار شد. **علی صفرنوراله از اعضای سندیکا و رئیس**

هیات مدیره شرکت صفانیکو سپاهان هم جزو افرادی است که به هیات ریسه اتاق اصفهان راه یافته و به عنوان خزانه‌دار انتخاب شد. در یزد هم **علی اصغر بیگی‌یزدی عضو سندیکای صنعت برق ایران و مدیرعامل شرکت سیم و کابل یزد** در هیات رئیسه اتاق بازرگانی یزد به عنوان نایب رئیس دوم انتخاب شد. در هیات‌های نمایندگان اتاق‌ها هم برقی‌ها حضور موثر و موفقی داشتند. در واقع در انتخابات امسال ۱۳ نماینده صنعت برق و کاندیدای سندیکا به اتاق‌های بازرگانی هشت استان راه یافتند. به این ترتیب از این پس صنعت برق در هیات نمایندگان اتاق‌های بازرگانی استان‌های تهران، اصفهان، سمنان، خراسان، زنجان، قم، کرمان و یزد نمایندگانی موثر خواهد داشت. در تهران علاوه بر پیام باقری که در حال حاضر در کسوت نایب رئیس اتاق ایران قرار گرفته است، علیرضا کلاهی، حمیدرضا صالحی و محمد مهدی فنایی هم به هیات نمایندگان راه یافتند. در

اصفهان هم علاوه بر علی صفرنوراله، فرشته امینی و مژگان ایزدی دهکردی در جمع هیات نمایندگان قرار گرفته‌اند. سهندعلی فلاحی چهاربرج، نماینده سندیکا در اتاق زنجان، فرج‌اله معماری در اتاق سمنان و آریا صادق‌نیت حقیقی در اتاق بازرگانی قم عهده‌دار نمایندگی از بخش خصوصی صنعت برق کشور هستند. درخشش سندیکایی‌ها در انتخابات اتاق بازرگانی و ایجاد یک جریان موثر در سراسر کشور، نشانگر تلاشی تشکیلی برای افزایش سطح پیگیری‌ها جهت دستیابی به اهداف کلان و توسعه‌ای بخش خصوصی صنعت برق کشور است. سندیکا مفتخر به حضور و مشارکت اعضای کنشگری است که احقاق حقوق مشروع فعالان صنعت برق را هدف غایی و متعالی خود برمی‌شمرد و برای دستیابی به آن، علاوه بر مشارکت جدی در حرکت‌های جمعی و تشکیلی، در سطح پارلمان بخش خصوصی هم حضوری فعال و اثربخش دارند ■

کفه‌های ناتراز برق



بدون تردید صنعت برق در طول دهه‌های پس از انقلاب، یکی از موفق‌ترین صنایع کشور بوده است. خودکفایی، تولید کالا و خدمات باکیفیت مورد نیاز کشور و تامین بازارهای داخلی، صادرات گسترده تجهیزات و خدمات فنی و مهندسی و توفیق در اجرای پروژه‌های کلیدی و زیرساختی این حوزه، تنها بخش کوچکی از دستاوردهایی است که فعالان صنعت برق در سایه همکاری و همدلی دولت‌ها به ویژه در دو دهه ابتدایی پس از انقلاب به دست آوردند.

این روزها، اما صنعت برق حال و روز خوبی ندارد، کمبود منابع مالی و انباشت مطالبات عملاً تمام توان مالی این صنعت را بلعیده، ناکارآمدی ساختار حقوقی و قراردادی، به توقف صدها پروژه جاری در حوزه‌های توزیع و انتقال منجر شده و ظرفیت‌های ساخت و پیمانکاری بخش خصوصی هم تحت فشار ناشی از عوامل مذکور، به شدت تضعیف شده است. این مصائب که در حوزه تولید برق هم با شکل و ابعاد دیگری در حال تکرار است، فرار سرمایه از صنعت برق را به دنبال داشته و همین امر توازن بین رشد تولید و افزایش تقاضا را از بین برده به نحوی که طی سه سال اخیر، خاموشی‌ها به صدر اخبار تابستان تبدیل شده‌اند. با توجه به ابعاد گسترده این ناترازی‌ها و پیامدهای ناشی از آن، بخشی از نشریه ستبران به بررسی ریشه‌ها، آثار، عوارض و هزینه‌های ناشی از خاموشی‌ها و ناترازی‌های فعلی اختصاص داده شده است.

شلیک به صنایع

ناترازی تولید و مصرف برق طی سال‌های اخیر چالش‌های فراوانی را در کشور ایجاد کرده است که بیشترین آثار آن در دوره پیک مصرف آشکار می‌شود. در مواجهه با این مشکل، تمرکز اصلی وزارت نیرو با توجه به سیاست‌های کلان آن وزارتخانه در کنترل تبعات اجتماعی این ناترازی، معطوف به تأمین برق مشترکین خانگی بوده و مدیریت مصرف یا به عبارت بهتر کاهش بار را ابتدا در بخش صنایع اعمال می‌کند. بنابراین می‌توان چنین ادعا کرد که صنایع بیشترین خسارت یا عدم نفع را از قطعی برق ناشی از ناترازی تولید و مصرف متحمل می‌شوند.

همانگونه که مکرراً بیان شده، علت اصلی بروز و تعمیق ناترازی، عدم سرمایه‌گذاری کافی در بخش توسعه ظرفیت نیروگاهی بوده است. به عبارت دیگر میزان تولید برق کشور همزمان و همسو با افزایش میزان مصرف ارتقاء نیافته است و تا زمانی که افزایش توان تولید محقق نشود، سیاست مدیریت مصرف برق که بیشتر در قالب مدیریت تقاضا مورد استفاده وزارت نیرو قرار می‌گیرد، از اثربخشی لازم برخوردار نخواهد بود.

در سال‌های اخیر بیشترین تأثیر واگرایی تولید و مصرف و در نتیجه خاموشی برق در صنایع، مربوط به حوزه فلزات اساسی از جمله فولاد و علی‌الخصوص آلومینیوم بوده است. واحدهای تولیدی صنعت آلومینیوم دارای کوره‌های مذاب هستند که قطعی پیوسته برق منجر به توقف فعالیت این کوره‌ها و کاهش تولید شرکت‌ها می‌شود و راندمان واحدهای تولیدی را با افت مواجه می‌سازد. به منظور بررسی دقیق‌تر میزان تأثیرگذاری این موضوع کافی است روند تولید محصول شمش خالص شرکت آلومینیوم ایران که بیشترین سهم را در سبد محصولات آن دارد، طی یک دوره سه ساله (از ۱۳۹۹ الی ۱۴۰۱) در دو مقطع سه ماهه تابستان (پیک مصرف برق) و زمستان مورد بررسی قرار گیرد تا تبعات خاموشی برق بر یکی از مهم‌ترین تولیدکنندگان آلومینیوم کشور به صورت کمی نمایان شود.



جعفر جولا؛ نایب رئیس هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران

طی سه سال مورد اشاره و بر اساس گزارشات عملکرد ماهانه، تولید این محصول در زمان اعمال خاموشی برق جمعا با افت ۳۷،۳۱۷ تنی مواجه بوده است. هر چند شرکت‌ها در مواجهه با چنین بحران‌هایی ناگزیر به استفاده از افزایش نرخ محصولات یا تغییر در استراتژی‌های تولید و فروش هستند اما با این وجود کاهش معنادار تولید محصول اصلی شرکت در دوره خاموشی برق قابل تأمل است. برای تعیین میزان دقیق عدم نفع ناشی از افت تولید اطلاعات کامل‌تری مورد نیاز است لیکن به طور برآوردی، این مهم از حاصل‌ضرب متوسط نرخ فروش شمش خالص تابستان هر سال در میزان کاهش تولید همان سال قابل محاسبه خواهد بود. بر این اساس شرکت آلومینیوم ایران در مجموع تابستان سه سال مذکور جمعا مبلغ ۲/۴۴۸ میلیارد تومان عدم نفع داشته است. مضافاً اینکه روند تغییرات این شاخص نیز افزایشی بوده به نحوی که بیشترین عدم نفع مربوط به سال ۱۴۰۱ و برابر با ۱/۹۵۶ میلیارد تومان بوده است.

اگرچه برای رفع این چالش وزارت نیرو اقداماتی همچون صدور مجوز احداث نیروگاه توسط صنایع را در اولویت قرار داده است لیکن به دلیل مخارج سرمایه‌ای بالا و همچنین دوره زمان نسبتاً طولانی ساخت نیروگاه، همچنان با رسیدن فصل تابستان، فعالان صنایع باید در انتظار قطعی برق باشند. کما اینکه طی سال جاری نیز ابلاغیه وزارت نیرو مبنی بر اجرای برنامه‌های مدیریت بار و اعمال محدودیت در تأمین برق به برخی صنایع طی دوره ۲۰ خرداد ماه الی ۱۶ شهریورماه سال جاری ارسال شده است.

پرواضح است که تنها راه فائق آمده بر این ناترازی در کنار پرداختن به مؤلفه‌های مدیریت مصرف، تقویت ظرفیت عرضه و افزایش توان نیروگاهی کشور است و این امر محقق نخواهد شد مگر با اصلاح اقتصاد برق و عبور از قیمت‌گذاری دستوری آن، تا از این رهگذر جذابیت لازم برای حضور سرمایه‌گذاران فراهم شود ■

صنعت برق از

خرگوش تا خرگوش



سعید مهذب ترابی؛ مدیرعامل شرکت مهندسی قدس نیرو

سال ۱۴۰۲ سال خرگوش است و براساس تعالیم فنگ‌شویی پیش‌بینی می‌شود سال امید باشد و ثروت‌های زیادی به ارمغان آورد، در چنین سالی مردم می‌توانند انتظار رفاه، امید و آرامش داشته باشند. از آنجاکه در چند سال اخیر هیچ کدام از پیشگویی‌های مبنی بر نام حیوانات درست از آب درنیامده است، به‌نظر می‌رسد تغییرات اقلیمی حتی در مدل پیشگویی این حیوانات نیز تأثیر زیادی داشته و به‌طور عمده آنچه اتفاق می‌افتد دقیقاً برعکس پیش‌بینی نیاکان است. از آنجاکه یکی از مشخصه‌های این سال امید است باز هم امیدواریم سال ۱۴۰۲ سال خوبی برای مردم و صنعت برق باشد.

صنعت برق طی سه سال گذشته شرایط خاصی را گذرانده است. افزایش حدود ۱۰ هزار مگاوات پیک بار فقط در یک سال یعنی سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹، تجربه قطعی‌های برق بویژه برای صنایع و جو ملتهب نیروگاه‌سازی توسط بخش خصوصی، وعده احداث

۳۰۰۰۰ مگاوات ظرفیت نیروگاهی جدید، تدوین و تنظیم قوانین و ضوابط مختلف و متنوعی برای مدیریت مصرف، برنامه‌ریزی برای ورود به بازار بهینه‌سازی و افزایش مطالبات بخش خصوصی و ...، خلاصه‌ای از فعل و انفعالات گسترده این بخش بوده است.

در این یادداشت به‌منظور امکان آینده‌پژوهی در صنعت برق بویژه هدف‌گذاری‌های مطرح‌شده برای رشد اقتصادی در برنامه هفتم و هشتم توسعه، نسبت به تحلیل مقایسه‌ای از روند رشد صنعت برق طی ۱۲ سال گذشته یعنی از سال ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۴۰۱ (سال خرگوش تا خرگوش) پرداخته شده است.

بررسی روند رشد ظرفیت نامی نیروگاه‌های کشور نشان می‌دهد که از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۴۰۱ به‌ترتیب؛ ظرفیت منصوبه نیروگاهی کشور با رشد سالانه ۶/۸-۵/۷-۱/۹-۴/۱-۲/۹-۱/۳-۳/۱-۲/۱-۳/۸-۲/۲-۴/۶ روبه‌رو بوده است که با سرجمع رشد حدود ۱/۴۷۰ برابری جمع ظرفیت منصوبه از حدود ۶۱۶۰۰ مگاوات به ۹۰۹۰۷ مگاوات

رسیده است.

با توجه به عواملی از قبیل رشد اقتصادی، پیک بار، رشد مصرف، ضریب بهره‌برداری از نیروگاه‌ها و قدمت آن‌ها و ...، رشد ظرفیت منصوبه در حالت حداقلی می‌باید ۱/۶ باشد که در این حالت ظرفیت منصوبه به ۹۹۰۰۰ مگاوات بالغ می‌گردید، و در حالت واقعی و با توجه به نیاز مصرف، این رشد باید حداقل ۱/۸ می‌بود که در این حالت ظرفیت منصوبه می‌باید به ۱۱۰۰۰۰ مگاوات می‌رسید.

برای سناریوی خوش‌بینانه حدود ۹۰۰۰ مگاوات و برای سناریوی سخت‌گیرانه نزدیک به ۲۰۰۰۰ مگاوات کسری سرمایه‌گذاری در بخش تولید برق وجود دارد.

پیک مصرف برق کشور طی ۱۲ سال گذشته حدود ۱/۷۲ برابر شده است، که به صورت خطی سالانه ۶ درصد رشد پیک مصرف برق کشور بوده است. این رشد سالانه در حالی اتفاق افتاده که پدیده‌هایی از قبیل تحریم‌ها، کرونا و شرایط اجتماعی و سیاسی باعث شده است که رشد اقتصادی کشور فقط حدود ۲ درصد متوسط سالانه گردد.

مصرف برق نیز طی ۱۲ سال اخیر، شاهد رشد حدود ۱/۷ برابر بوده که متوسط رشد حدود سالانه ۶ درصد را نشان می‌دهد. این رشد مصرف نشان می‌دهد که غول شدت مصرف برق فارغ از تحریم، کرونا و...، همچنان یک‌ه تازی می‌کند و چنانچه محدودیت‌های فوق وجود نداشته باشند، الگوریتم مصرف برق بیانگر رشد بالای ۱۰ درصدی خواهد بود.

تعداد مشترکین برق کشور، شاهد رشد ۱/۵۴ برابری و یا متوسط سالانه ۴/۵ درصدی بوده‌اند. این رشد تقریباً پس از انقلاب از یک الگوریتم یکسان پیروی می‌کرده است.

با توجه به اهمیت متوازن‌سازی بخش‌های مختلف، متأسفانه طی ۱۲ سال اخیر سرمایه‌گذاری در تأسیسات توزیع حدود ۱/۳ برابر و در بخش شبکه‌های انتقال و فوق‌توزیع کمتر از ۱/۱۷ برابر بوده است، رشد سرمایه‌گذاری در بخش‌های فوق؛ به‌هیچ‌عنوان پاسخگوی نیاز مصرف و پایداری و استمرار تأمین برق نیست و چنانچه قرار باشد در دهه آتی نیز شرایط فوق ادامه داشته باشد، به‌طور قطع صنعت برق کشور با پدیده حبس در حبس روبه‌رو می‌شود. **به‌عبارتی امکان**

انتقال و توزیع تولید برق با چالش مواجه خواهد شد.

علی‌رغم تأکید و علاقه‌مندی عمومی صنعت برق برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، برای تحلیل و رشد این بخش تأثیرگذار باید گفت که روند صادرات برق طی ۱۲ سال گذشته نشان می‌دهد که محدودیت‌های تأمین برق در داخل کشور، باعث شد که پدیده صادرات برق را که قرار بود در قالب آن کشور ما هاب منطقه باشد، دچار چالش نموده و میزان صادرات برق کاهش معناداری پیدا کرده است.

در کل سرمایه‌گذاری در صنعت برق طی ۱۲ سال گذشته علی‌رغم رشد اقتصادی متوسط ۲ درصدی، متناسب نیاز مصرف نبوده و برآوردها نشان می‌دهد که کسری حدود ۲۰۰۰۰ مگاوات معادل تأسیسات برق در کشور وجود دارد. **بررسی‌ها نشان می‌دهد که میزان سرمایه‌گذاری در صنعت برق در ۱۰سال اخیر، کاهش معناداری داشته است. براساس اطلاعات ارائه شده، میزان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنعت برق از ۶/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به ۶۰۰ میلیون دلار در سال ۱۴۰۰ رسیده است.**

در مجموع، صنعت برق طی دهه اخیر با پدیده‌های زیر روبه‌رو بوده است:

- ناترازی تولید - مصرف**
- ناترازی تأمین سوخت**
- ناترازی درآمد - هزینه**

در پایان سال ۱۴۰۱ این بی‌ثباتی و ناترازی نه تنها کاهش نداشته است بلکه به نوعی افزایش و به شدت این صنعت را دچار چالش کرده است. این ناترازی به‌دلیل عدم سرمایه‌گذاری، رشد مصرف، عدم سرمایه‌گذاری در بخش‌های تأمین سوخت، غیرمنطقی بودن تعرفه‌های برق، تحریم و به‌ویژه تورم، بهره‌وری پایین و عدم ثبات اقتصادی و نرخ ارز، ایجاد شده است. شنیده‌ها حاکی است که هدف‌گذاری رشد اقتصادی برای برنامه هفتم، حدود ۸ درصد است. برای تحقق رشد فوق، رشد متناسب توسعه تأسیسات در صنعت برق الزامی است، لذا باید این صنعت برای نیل کشور به هدف توسعه‌ای برنامه هفتم، سالانه حداقل معادل ۸۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ مگاوات ظرفیت تأمین برق و به عبارتی حدود ۸ تا ۱۰ میلیارد دلار برنامه‌ریزی کند.

تأمین این اعتبار و نقدینگی می‌تواند از روش‌های زیر باشد:

اعتبارات دولتی:

همه بررسی‌ها نشان‌دهنده غیرقابل اتکا بودن این اعتبارت است.

پتانسیل و ظرفیت بخش خصوصی:

درصورت ایجاد اعتماد برای این بخش، پیش‌بینی تأمین تا ۳۰ درصد اعتبار موردنیاز برای سرمایه‌گذاری توسط این بخش، امکان‌پذیر است. در این مبحث توجه و باز مهندسی به پتانسیل‌های سرمایه‌گذاری قانونی مشابه ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید توصیه می‌شود.

سرمایه‌گذاری خارجی:

درصورت رفع تحریم و ایجاد شرایط عادی سیاسی، امکان ورود سرمایه‌گذاران خارجی وجود دارد که نیازمند زمان و اعتمادسازی است.

خصوصی‌سازی صنعت برق و منطقی نمودن تعرفه‌ها:

شرایط موجود ساختاری و اقتصادی صنعت برق چنانچه پاسخگو بود، مشکلات فعلی حداقل در این سطح بروز نمی‌کرد، لذا به‌طور قطع نیاز به بررسی مجدد و به‌روزآوری ساختار و اقتصاد صنعت برق با توجه به نیازها و ضروریات است.

مدیریت تقاضا:

قابل اتکاترین مدل برای مدیریت تأمین در صنعت برق، مدیریت تقاضا است که نتیجه آن می‌تواند به کاهش رشد مصرف برق و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری در صنعت برق و افزایش بهره‌وری نیز منجر شود. برآوردها نشان می‌دهند که پتانسیل آزادسازی ظرفیت از این روش تا ۲۰ درصد مصرف فعلی است. درضمن، پیش‌بینی می‌شود سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای مدیریت منطقی تقاضا به‌ازای هر کیلووات‌ساعت صرفه‌جویی حدود ۴ تا ۶ سنت باشد. درضمن، برای تحقق این مهم، توسعه استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی به‌عنوان مؤثرترین روش توصیه می‌شود.

سال ۱۴۰۲، سال پیچیده‌ای برای صنعت برق پیش‌بینی می‌شود. در ترکیب سه قلوهای ناترازی، قُل ناترازی تولید و مصرف به‌دلیل عدم‌تحقق کامل به مدار آمدن نیروگاه‌های جدید، گرمی بیشتر هوا نسبت به سال گذشته، مباحث کم‌آبی در برخی از استان‌ها بویژه تهران و مشکلات نقدینگی برای توسعه فعالیت پروژه‌های منتهی به برق‌رسانی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

برآورد مسئولین صنعت برق نشان از کسری تراز حدود ۱۰ هزار مگاواتی با تحقق پیک بار ۷۳ هزار مگاواتی در سال ۱۴۰۲ است. افزایش تعداد مشترک با توجه به رکورد نسبی در بخش مسکن، معادل درصد میانگین ده ساله اخیر یعنی حدود ۱/۲ میلیون مشترک خواهد بود. در بخش مصرف برق، پیش‌بینی افزایش ۵ درصدی مصرف برق دور از انتظار نیست.

کاهش توسعه تأسیسات صنعت برق به‌ویژه در بخش شبکه‌ها و تأسیسات توزیع و انتقال با توجه به عدم رشد متناسب آن‌ها طی چند سال اخیر، در آینده نزدیک صنعت برق را با پدیده حبس در حبس مواجه خواهد کرد و پیش بینی می‌شود روند کاهش سرمایه‌گذاری در توسعه تأسیسات انتقال و توزیع در سال ۱۴۰۲ نیز ادامه داشته باشد.

با توجه به شرایط خاص و لزوم تأمین نیاز داخلی برق، به‌نظر می‌رسد حداقل در سال ۱۴۰۲، نرخ رشد صادرات منفی شود.

در سال ۱۴۰۲، صنعت برق متأثر از شرایط اقتصادی و اجتماعی خواهد بود. به نظر یکی از سال‌های پُر پیچ و خم و غیرقابل‌پیش‌بینی‌تری برای این صنعت است. یکی از کلیدی‌ترین استراتژی‌های مورد نیاز امسال؛ برنامه‌ریزی برای جلوگیری از فروپاشی بیشتر بخش خصوصی فعال در صنعت برق است.

باتوجه‌به نماد این سال که سال «خرگوش» نام گرفته است، امید حرف اول را می‌زند؛ لذا امیدواریم امسال نیز بگذرد و شرایط مناسب‌تری برای توسعه این بخش تأثیرگذار در صنعت برق کشور ایجاد شود ■

کاهش سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف صنعت برق و افول روند رشد زیرساخت‌های تولید، انتقال و توزیع به ایجاد نوعی عدم توازن در تولید و مصرف برق منجر شده که ظرف چند سال اخیر خود را در قالب خاموشی‌ها نشان داده است. البته مدیریت مصرف به عنوان محوری‌ترین برنامه وزارت نیرو طی دو سال اخیر، ابعاد خاموشی‌ها را به ویژه در بخش خانگی به شدت کاهش داده است. با این وجود مساله رشد نامتناسب تولید و مصرف همچنان حل نشده باقی مانده است. در همین راستا بخشی از برنامه‌های وزارت نیرو بر افزایش ظرفیت تولید متمرکز بوده است. در همین راستا در خصوص برنامه‌ها و اقدامات صورت گرفته توسط این وزارتخانه و شرکت‌های تابعه‌اش در این حوزه گفتگویی با «هادی مدقق»، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی کلان شرکت برق حرارتی داشته‌ایم که حاصل آن را می‌خوانید:

از ابتدای شروع به کار دولت سیزدهم تاکنون به منظور کمک به کاهش خاموشی‌ها و ایجاد برق پایدار در شبکه سراسری بالغ بر ۶ هزار و ۵۹۸ مگاوات به ظرفیت نیروگاه‌های حرارتی کشور افزوده شده است که این اقدام از طریق سنکرون ۳۴ واحد جدید نیروگاهی به ظرفیت پنج هزار و ۱۹۸ مگاوات و همچنین رفع محدودیت نیروگاه‌های بخاری و افزایش توان عملی نیروگاه‌های گازی موجود به ظرفیت ۱۴۰۰ مگاوات محقق شده است.

واحدهای سنکرون شده جدید شامل بخش گاز نیروگاه‌های هنگام، ایران ال ان جی(سه واحد)، قشم پاسارگارد، آریان زنجان(دو واحد)، مهتاب کویر(دو واحد)، شهید باکری(دو واحد)، تربت‌حیدریه، فولاد بوتیا، دوکوهه و واحدهای گازی کوچک زاهدان(سه واحد)، صبای دهلران(چهار واحد) و میانرود بوده است.

همچنین در این مدت واحدهای بخار نیروگاه‌های سیکل‌ترکیبی جهرم، هریس، ارومیه(دو واحد)، چابهار، بعثت پارس جنوبی(دو واحد)، غرب کارون، عسلویه، فردوسی، خرم‌آباد و سبلان نیز به شبکه سراسری برق کشور متصل شده است. این واحدهای بخار جدید بدون مصرف سوخت اضافی و از طریق حرارت اگروز واحد گاز قبلی در حال فعالیت هستند و احداث این واحدها منجر به صرفه‌جویی سه میلیارد مترمکعبی مصرف سوخت در طول سال شده است.

دولت سیزدهم در زمینه ساخت نیروگاه‌های حرارتی چه اقداماتی انجام داده است؟

در حال حاضر چه میزان برق کشور توسط نیروگاه‌های حرارتی تولید می‌شود؟

ظرفیت نیروگاه‌های حرارتی کشور با افتتاح پروژه‌های جدید در دولت سیزدهم از مرز ۷۴ هزار مگاوات عبور کرده است و نیروگاه‌های حرارتی حدود ۸۲ درصد ظرفیت نیروگاهی کشور را به خود اختصاص داده‌اند. در حاضر ۶۱۶ واحد تولید برق حرارتی در ۱۳۴ نیروگاه کشور وظیفه تولید برق پایدار برای مشترکان سراسر کشور را بر عهده دارند.

مقایسه راندمان نیروگاه‌های حرارتی ایران با سایر کشورها نشان می‌دهد که ایران با راندمان ۳۹/۱ درصد در میان پانزده کشور برتر دنیا قرار دارد. باید توجه داشت که هر یک درصد افزایش راندمان نیروگاه‌های حرارتی نیازمند ساخت ۱۰ واحد بخار ۱۶۰ مگاواتی با هزینه‌ای بالغ بر یک میلیارد و ۳۶۰ میلیون یورو است.

در حال حاضر ۱۵ هزار مگاوات نیروگاه گازی قابل تبدیل به سیکل‌ترکیبی با متوسط راندمان ۳۵ درصد در کشور فعالیت می‌کنند که با احداث ۵۵۴۰ مگاوات بخش بخار این واحدها، راندمان نهایی این نیروگاه‌های سیکل‌ترکیبی به حدود ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت.

وضعیت راندمان نیروگاه‌های حرارتی در ایران چگونه است؟

رشد ظرفیت تولید با عبور کم‌حاشیه از موانع



هادی مدقق؛ مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی کلان شرکت برق حرارتی

شایان ذکر است این واحدها شامل ۲۵۶۰ مگاوات پروژه‌های بخش خصوصی بیع متقابل، ۱۹۲۰ مگاوات دولتی بیع متقابل و همچنین واحدهای بخار نیروگاه‌های زرنند (۱۶۰ مگاوات)، هنگام (۲۹۲ مگاوات)، سهند (۱۴۴ مگاوات)، نکا (۱۶۰ مگاوات) و زاهدان (۱۶۰ مگاوات) است. با توجه به عدم نیاز واحدهای سیکل ترکیبی به مصرف سوخت اضافی، احداث این واحدها سالانه ۱۲ میلیارد مترمکعب صرفه‌جویی در مصرف سوخت را به همراه خواهد داشت.

برای ساخت قطعات راهبردی و تحریمی نیروگاه‌ها با ۱۵۰ شرکت دانش‌بنیان قرارداد امضا شده و تنها در سال گذشته ۱۰۰ هزار قطعه نیروگاهی در داخل کشور توسط این شرکت‌ها ساخته شده است که این قطعات ضمن تامین نیازهای داخلی به کشورهای منطقه نیز صادر می‌شود. هم‌اکنون ۹۵ درصد قطعات نیروگاهی بومی‌سازی شده و در طی پنج سال اخیر بیش از ۷۲۴ هزار قطعه نیروگاهی توسط متخصصان داخلی ساخته و در نیروگاه‌های تولید برق مورد استفاده قرار گرفته است. با تلاش متخصصان ایرانی در حال حاضر ۵۰ درصد از نیروگاه‌های کشور ساخت داخل است.

ایران در حوزه احداث نیروگاه‌های حرارتی در چه سطحی در مقایسه با سایر کشورهای جهان قرار دارد؟

تلاش متخصصان داخلی کشورمان موجب شده است تا ایران در میان پنج کشور برتر سازنده توربین نیروگاهی و ۱۰ کشور برتر دارنده نیروگاه‌های حرارتی جهان قرار بگیرد. پیش از این دانش و فناوری ساخت قطعات نیروگاهی در انحصار کشورهای آمریکا، آلمان، ایتالیا، سوئیس و ژاپن بود که اکنون با همت و تلاش جوانان این مرز و بوم، ایران به جمع پنج کشور دارنده فناوری ساخت قطعات نیروگاهی نیز پیوسته است.

بر اساس برنامه ابلاغی در پیک سال ۱۴۰۲ شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی وظیفه تکمیل و بهره‌برداری از ۳۰۲۶ مگاوات نیروگاه حرارتی جدید را در دستور کار خود قرار داده که از این میزان تا کنون ۱۵۸۲ مگاوات به بهره‌برداری رسیده است و طبق برنامه تا پایان تابستان ۶۶۴ مگاوات دیگر به بهره‌برداری خواهد رسید. مسائلی از قبیل عدم تامین مالی به موقع نقدینگی در زمان مناسب، عدم گشایش به موقع اعتبار اسنادی و عدم تحقق وام‌های صندوق توسعه ملی در سرمایه‌گذاران بخش خصوصی باعث تاخیر در تحقق اهداف بهنگام طرح‌های نیروگاهی شده است.

افزایش ظرفیت تولید برق برای سال جاری چه میزان برآورد شده و با توجه به روند رشد مصرف چه چشم‌اندازی برای افزایش ظرفیت وجود دارد؟

طبق برنامه در سال ۱۴۰۲ احداث و بهره‌برداری از ۳۰۰۰ مگاوات نیروگاه حرارتی در دستور کار این شرکت قرار دارد. در برنامه دولت سیزدهم احداث ۱۵۰۰۰ مگاوات نیروگاه حرارتی توسط شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی در دستور کار قرار دارد که از این میزان تاکنون مگاوات ۵ هزار و ۱۹۸ مگاوات آن به بهره‌برداری رسیده است ■

در حوزه ساخت داخل چه اقداماتی در حوزه نیروگاه‌های حرارتی صورت گرفته است؟

شرکت برق حرارتی برای تامین برق در پیک سال جاری با چه چالش‌هایی مواجه شده است؟ شرایط پیک را چطور ارزیابی می‌کنید؟

استمرار سیاست‌های نادرست در وزارت نیرو؛

توپ تولید برق در زمین صنایع



احمدرضا صافی اصفهانی؛ رئیس شعبه اصفهان سندیکای صنعت برق ایران

خاموشی یا قطعی برق یکی از شاخص‌های کیفیت توان الکتریکی است؛ قطع برق خسارت‌هایی از قبیل توقف تولید، عدم تامین و تعمیرات در موعد مقرر، افزایش ضایعات تولید، آسیب ماشین‌آلات و خط تولید، تبعات روحی و روانی و اجتماعی به همراه دارد و صنعت برق از این موارد مستثنی نبوده و دچار خسران شده است.

در سال گذشته ناترازی برق حدود ۱۲ هزار مگاوات در ساعت پیک بود و این ناترازی به بخش صنعت منتقل شد، به گونه‌ای که صناعی مانند فولاد، سیمان و شهرک‌های صنعتی در اولویت خاموشی‌ها قرار گرفتند. زیرا حاکمیت بین انتقال خاموشی به بخش‌های خانگی و تجاری و صنعت باید یکی را انتخاب می‌کرد؛ و با وجود

اینکه خسارت اقتصادی خاموشی در بخش خانگی به مراتب کم‌تر از خاموشی و قطع برق صنایع است، ولی قطع برق بخش خانگی تبعات اجتماعی بالایی به همراه دارد. بنابراین دولت از تابستان سال گذشته تصمیم گرفت با اعمال خاموشی به صنعت مانع قطعی برق در فصل تابستان و اوج پیک مصرف شود، این تصمیم برای امسال اجرا می‌شود.

برآورد کلی گویای عدم تامین انرژی معادل یک ماه برای صنایع کشور است و مطمئناً بر تولید تاثیر خواهد داشت. البته با توجه به خاموشی برنامه‌ریزی شده برای صنعت، مواردی مثل سرویس‌های سالیانه می‌توانند در زمان خاموشی‌ها انجام شود و بخشی از خسارت ناشی از خاموشی اجباری را جبران کنند.

متأسفانه فعالان صنعت علاوه بر خسارت ناشی از خاموشی برنامه‌ریزی شده مانند کاهش تولید، آسیب دیدن خط تولید و ماشین آلات و ... که در بالا مطرح شده در محاصره مواردی مثل بی‌ثباتی نرخ ارز، مشکل تامین مواد اولیه، تحریم‌ها، مشکلات بانکی، مالیات، بیمه و مطالبات نیز قرار دارند و قطع برق در تابستان و قطع گاز در زمستان نیز مزید بر علت شده است، با این شرایط تحقق شعار تولید و مهار تورم کار آسانی نیست.

می‌توان گفت مهمترین چالش صنعت برق، مشکل اقتصاد برق است که با تعرفه‌گذاری و قیمت‌گذاری دستوری و بدون توجه به هزینه فایده برق تولید شده، آینده مطلوبی نخواهد داشت. سندیکای صنعت برق باید حل مشکل اقتصاد برق را اولویت اول خود قرار دهد و مواردی مثل بدهی‌های وزارت نیرو، قراردادهای حوزه صنعت برق، بدعهدی‌ها در برگزاری مناقصات و اجرای قراردادهای اولویت‌های بعد هستند که سندیکای برق ایران باید به آن ورود کند.

فراموش نکنیم که مصرف انرژی با شاخص شدت انرژی قابل بررسی است و متأسفانه در کشور ما شدت مصرف انرژی با مقادیر معمول در سایر کشورها اختلاف زیادی دارد. این خود معضلی است که با ناترازی برق تولید شده در کشور مشکلات صنعت برق و صنایع مرتبط به برق را دوچندان کرده است.

در حال حاضر نیروگاه‌های مهم در اصفهان مانند شهید منتظری، زواره چهلستون و اصفهان به دلایل مختلف مثل کمبود آب، راندمان پایین تولید، فرسودگی و عدم اجرای

سیکل ترکیبی (در نیروگاه چهلستون) شرایط بهره‌برداری مطلوب را ندارند و در پیک سال گذشته ناترازی حدود هزار و ۲۰۰ مگاوات را در اصفهان تجربه کردیم.

بی‌شک توسعه زیرساخت‌های تولید برق نیازمند سرمایه‌گذاری است که در صورت رفع مشکل اقتصاد برق و پرداخت مطالبات نیروگاه‌ها راه برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی هموار خواهد شد و این سرمایه‌گذار می‌تواند خارجی و یا داخلی باشد؛ ولی در شرایط فعلی سرمایه‌گذاران تمایلی به حضور در حوزه تولید برق ندارند. در واقع دلیل عدم تمایل بخش خصوصی، عدم پرداخت بدهی دولت و وزارت نیرو به بخش خصوصی است. نیروگاه‌های شهید منتظری و زواره اصفهان هر دو متعلق به بخش خصوصی هستند و هر دو از دولت طلب دارند. البته روشی که دولت سیزدهم برای سرمایه‌گذاری در تولید برق مدنظر قرار داده است، اجبار صنایع بزرگ به تامین نیروی برق مورد نیاز خود است که متأسفانه روشی غیرمنطقی است. تولید برق یک کسب و کار تخصصی است و سرمایه‌گذار و فعالان این حوزه توانایی انجام این کار را دارند. سال‌ها صنعت برق را به پای صنایع دیگر ذبح کرده و امروز مطالبه صدقه از سایر صنایع می‌کنیم. از سوی دیگر سرمایه‌گذار خارجی با نرخ گذاری دستوری و وجود تحریم‌ها نمی‌تواند در صنعت برق ورود کند.

در این بین عده‌ای به طرح تولید برق از نیروگاه‌های خورشیدی اشاره دارند. پروژه‌ای که مستلزم واردات تجهیزات است، چراکه تولیدات داخل در این زمینه نمی‌تواند پاسخگو باشد. از سوی دیگر سهم نیروگاه‌های خورشیدی در کل کشور بسیار ناچیز است. توجه فرمایید اگر از نظر ظرفیت نامی، ظرفیت نیروگاه‌های کل کشور را مثلاً حدود ۱۰۰ هزار ولت آمپر در نظر بگیریم، نیروگاه‌های خورشیدی سهم بسیار اندکی در حد دهم درصد دارند. اگر بخواهیم میزان تولید انرژی را مقایسه کنیم نیز این نسبت به مراتب کمتر خواهد شد؛ به دلیل اینکه نیروگاه‌های خورشیدی حدود پنج ساعت در شبانه‌روز می‌تواند معادل ظرفیت نامی خود برق تولید کند. اما نیروگاه‌های فسیلی و آبی فعالیت ۲۴ ساعته برای تولید دارند. با توجه به خشکسالی و کمبود آب برای تولید برق در نیروگاه‌های فسیلی تولیدکننده برق، هدف‌گذاری باید به گونه‌ای باشد که از سوخت‌های فسیلی عبور کنیم و بخش زیادی از انرژی الکتریکی از طریق نیروگاه‌های تجدیدپذیر تامین شود ■

تراژدی خاموشی‌ها و جفای وزارت نیرو به صنایع

اقتصاد برق به عنوان اصلی‌ترین و مهمترین چالش این صنعت، سال‌هاست عامل کلیدی توقف سرمایه‌گذاری در برق شناخته می‌شود. امروز که کمبود بیش از ۱۵ هزار مگاوات برق یک دغدغه جدی برای صنعت برق محسوب می‌شود، عمده کارشناسان و مدیران ارشد افت جدی سرمایه‌گذاری در این حوزه را عامل بروز ناترازی‌ها می‌دانند و معتقدند اگر اقتصاد برق اصلاح می‌شد، سرمایه‌گذاری در حوزه ساخت و احداث نیروگاه‌ها به اندازه مکفی انجام می‌شد و این فاصله قابل توجه بین تولید و مصرف شکل نمی‌گرفت.

با این حال «آریا صادق نیت‌حقیقی»، رئیس کمیته سازندگان سیم و کابل سندیکای صنایع آلومینیوم ایران، ضمن صحه گذاشتن بر موضوع ناکارآمدی‌های اقتصاد برق، بر این باور است که صنعت برق تحت فشار سوء مدیریت‌ها امکان جبران ناترازی‌ها را نداشته است. او معتقد است اگر وزارت نیرو به جای بزرگ کردن بدنه اداری خود، بر بهسازی و نوسازی شبکه‌های توزیع و کاهش تلفات آن‌ها تمرکز می‌کرد، می‌توانست بخشی از این ناترازی‌ها را جبران کرده و از بروز خاموشی‌ها جلوگیری کند. حاصل این گفتگو را ذیلاً می‌خوانید:



آریا صادق نیت‌حقیقی؛ دبیر سندیکای صنایع آلومینیوم ایران

پیش از هر چیز باید این مساله را مد نظر قرار داد که در شرایط فعلی علاوه بر ناترازی جدی در تولید و مصرف برق، با نوعی ناترازی در اقتصاد برق هم مواجهیم که پیامدهای به مراتب گسترده‌تری برای این صنعت داشته است. در واقع باید پذیرفت که اقتصاد این صنعت عملاً ورشکسته است و اتفاقاً همین شرایط نامناسب منجر به بروز ناترازی سال‌های اخیر شده است. کاملاً طبیعی است که وقتی قیمت تمام شده برق به دلیل اقتصاد دستوری این صنعت، بالاتر از قیمت فروش آن است، نمی‌توان انتظار نتیجه دیگری به جز یک اقتصاد یا سازمان ورشکسته را داشت.

نکته اینجاست که حتی در دوره‌هایی که نسبت به اصلاح الگوی مصرف اقدام شده هم به دلیل تخصیص یارانه از طرق مختلف به ویژه پس از اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، درآمد افزایش یافته از محل بهینه‌سازی مصرف یا افزایش قیمت برق برای تامین یارانه‌های نقدی هزینه شده و عملاً به بهبود شرایط مالی صنعت برق کشور کمکی نکرده است. حاصل این سیکل بیمار، ورشکستگی صنعت برق و توقف سرمایه‌گذاری‌ها در آن بوده است.

در شرایطی که سالانه با افزایش ۷ درصدی میزان مصرف مواجهیم، در بهترین حالت تنها توانسته‌ایم ظرفیت‌های تولید برق را حداکثر تا سقف ۵ درصد افزایش دهیم؛ بنابراین عقب ماندگی تولید از مصرف سالانه حداقل ۲ درصد بوده که طی سال‌های اخیر به یک ناترازی بزرگ و بروز خاموشی‌ها منجر شده است. نکته اینجاست که با وجود شرایط مالی حاکم بر صنعت برق و روند نزولی سرمایه‌گذاری‌ها باید انتظار افزایش سطح ناترازی‌ها در طول سال‌های آینده را هم داشت، به ویژه آنکه میزان مصرف در همه حوزه‌ها اعم از مسکونی، صنعتی، تجاری و... در حال رشد است، بنابراین می‌توان انتظار داشت که جبران ناترازی‌های موجود در آینده دشوارتر از امروز باشد.

چرا صنعت برق از یک صنعت پیشرو و پررونق به صنعتی تبدیل شده که هیچ جذابیتی برای سرمایه‌گذاران ندارد؟

ناترازی بین تولید و مصرف برق و خاموشی‌های تحمیل شده به ویژه به صنایع انرژی بر، چه خساراتی را به صنایع بزرگی مانند آلومینیوم وارد کرده است؟

به نظر می‌رسد این مساله بیش از هر چیز ناشی از سیکل معیوب اقتصاد آن است. وقتی نقدینگی و اعتبار لازم در صنعت برق کشور وجود ندارد، قاعدتاً تعریف و اجرای پروژه‌های زیرساختی و یا بهسازی به تعویق می‌افتد و صنعت علاوه بر اینکه از توسعه تاسیسات فعلی باز می‌ماند، امکان اجرای پروژه‌هایی نظیر کاهش تلفات را هم ندارد و استهلاك زیرساخت‌هایی مانند نیروگاه‌ها و شبکه‌های انتقال و توزیع به تدریج به افزایش قیمت تمام شده برق منجر شده و فاصله بین درآمد و هزینه‌های وزارت نیرو را بیشتر می‌کند. به این ترتیب سیکل معیوب اقتصاد برق به شکلی بحران‌زا تکرار شده و مشکلات بیشتری را برای این صنعت ایجاد خواهد کرد.

از دیدگاه من اگر وزارت نیرو در طول سال‌های اخیر بخشی از منابع خود را برای اجرای پروژه‌های نوسازی و بهسازی صرف می‌کرد و بهینه‌سازی تاسیسات زیرساختی نظیر شبکه‌های توزیع و انتقال و حتی نیروگاه‌ها را در دستور کار قرار می‌داد، قطعاً علاوه بر اینکه می‌توانست از اتلاف گسترده منابع ملی جلوگیری کند، امکان عرضه برق با قیمت تمام شده منطقی‌تر و ارزان‌تری را هم فراهم می‌کرد. شبکه‌های فعلی به دلیل ضایعات بسیار ارزشمند مانند مس، آلومینیوم و یراق‌آلات، بخش قابل توجهی از هزینه‌های نوسازی خود را تامین می‌کند و به نظر می‌رسد بخش دیگری از هزینه‌ها را هم می‌توان از محل صرفه‌جویی انجام شده و کاهش تلفات

شبکه‌ها تامین کرد؛ بنابراین نوسازی شبکه را می‌توان به عنوان یک راهبرد جدی برای جبران بخشی از ناترازی‌های موجود مد نظر قرار داد. هر چند متأسفانه تا امروز از این فرصت به دلیل سوء مدیریت‌ها به درستی استفاده نشده است.

رویکردهای وزارت نیرو در حوزه اجرای پروژه زیرساختی و موثری مانند بهسازی و نوسازی شبکه را تا چه حد در این عقب ماندگی موثر می‌دانید؟

قطعاً این شرایط ناشی از سیاست‌های کلان وزارت نیرو است. در واقع به نظر می‌رسد این وزارتخانه در اطراف خود یک گنبد آهنین نفوذناپذیر ایجاد کرده و ترجیح می‌دهد که همه کارها را به صورت مستقل انجام دهد. انحصاری شدن بخشی از اقدامات نظیر فروش، تامین، توزیع و یا صادرات برق کاملاً موید همین رویکرد است. اگرچه قطعاً برخی از حوزه‌ها مانند انتقال برق به دلیل حساسیت‌های امنیتی و حاکمیتی باید در دست دولت باقی بماند، اما باز هم عمده امور اجرایی برق را می‌توان به دست بخش خصوصی سپرد که اتفاقاً در این حوزه توانمندی‌ها و ظرفیت‌های قابل توجهی وجود دارد.

مساله اینجاست که ساختار اداری وزارت نیرو آنقدر فربه شده که همه امور با کندی، بوروکراسی و مانع تراشی‌های بسیار انجام می‌شود. این در حالیست که بسیاری از حوزه‌های صنعت برق به ویژه کاهش تلفات و بهسازی و نوسازی شبکه‌ها آنقدر ظرفیت مالی و سرمایه‌ای دارند که اجرای آن‌ها می‌تواند بخشی از مشکلات این صنعت را در مدت کوتاهی حل کند. با این حال می‌بینیم که وزارت نیرو به دلیل گستردگی ساختار اداری و تعداد بالای پرسنل ناچار است اصل تمرکز خود را بر تامین حقوق و دستمزد پرسنل متمرکز کند نه تامین سرمایه برای اجرای پروژه‌ها و یا پرداخت مطالبات بخش خصوصی.

به نظر می‌رسد ضروری است که عملکرد وزارت نیرو از سوی سایر نهادهای بالادستی و حاکمیتی مانند مجلس شورای اسلامی رصد شود. به عنوان مثال وزیر نیرو سال گذشته اعلام کرده بودند که در سال ۱۴۰۲ خاموشی نخواهیم داشت، اما در همان زمان هم فعالان صنعتی به خوبی آگاه بودند که تامین برق و جبران ناترازی ایجاد شده با قول دادن امکان‌پذیر نیست و قطعاً نیاز به زیرساخت‌هایی دارد که ایجاد آن‌ها مستلزم صرف زمانی به مراتب بیشتر از یک سال است. دقیقاً به همین دلیل هم امسال وزارت نیرو از همان ابتدای پیک مصرف جداول خاموشی را به صنایع بزرگ اعلام کرد، بر این اساس در صنایعی نظیر فولاد و سیمان در خرداد ماه ۳۰ درصد، تیرماه ۶۰ درصد و مرداد ماه ۹۰ درصد اعمال خاموشی خواهیم داشت. این خاموشی ۹۰ درصدی یعنی یک شرکت فقط در حد روشنایی مجموعه می‌تواند برق مصرف کند. بعد از آن وقتی صنایع بزرگ انرژی‌بر میزان خسارات ناشی از خاموشی‌ها را اعلام می‌کنند، وزارت نیرو به جای انجام درست تکالیفش در تامین برق پایدار، به بهانه سود بالای این صنایع، بر زیان وارد شده آن‌ها سرپوش می‌گذارد.

این در حالیست که قطع برق برای یک صنعت بزرگ مثل سیمان، فولاد یا آلومینیوم به معنی خواب سرمایه، دیوی مواد اولیه، انباشت هزینه‌های مالی و بانکی و زیان ناشی از توقف تولید است و به همین دلیل خسارت قطعی برق برای این دست از صنایع معمولاً عدد بسیار بزرگی است. ضمن اینکه تورم ناشی از افزایش محصولات این صنایع که جزو نهادهای تولید صنایع پایین دستی هم محسوب می‌شود، در کل اقتصاد توزیع شده و خسارت ناشی از آن هم عملاً جبران‌ناپذیر است. عدم النفع توقف تولید در شرایطی که هزینه‌های این صنایع متوقف نمی‌شود، کاملاً غیرقابل جبران است. در واقع به نظر می‌رسد ما در تامین انرژی صنایع بزرگ انرژی بر، دچار نوعی بدفهمی یا کج‌فهمی

هستیم. اینکه زبان وارد شده به این صنایع با استدلال سود بالای آنها، ناچیز نشان داده می‌شود، یک مساله جدی است. فراموش نکنیم که در برخی از صنایع که تولید مستمر دارند، حتی یک ساعت خاموشی هم به معنای تعطیلی یک شیفت کاری است، به همین دلیل نمی‌توان فقط هزینه همان یک ساعت خاموشی را برای این دست از صنایع محاسبه کرد.

ناترازی و خاموشی‌ها چطور به صنایع آلومینیوم کشور آسیب وارد کرده است؟

در صنایع مادر آلومینیوم با نیروی برق کار استحصال آلومینیوم از مواد معدنی انجام می‌شود. در واقع حرارت از تقابل کاتد و آند ایجاد و آلومینیوم مذاب تولید می‌شود. از آنجا که انرژی برق سهم زیادی در تبدیل مواد معدنی به فلز آلومینیوم دارد، به آلومینیوم «برق جامد» می‌گویند. عدم تامین انرژی برای این صنعت، عملا تولید این فلز استراتژیک را دچار مخاطره می‌کند. در واقع خروج هر کدام از سلول‌های تولیدی صنعت آلومینیوم از مدار به دلیل قطعی برق، هزینه بسیار هنگفتی را به این صنعت وارد می‌کند، چرا که بازگشت هر کدام از این سلول‌ها به مدار ممکن است ماه‌ها به طول بینجامد. مشکل اینجاست که ما علاوه بر اینکه در تابستان با قطعی برق مواجهیم، در زمستان هم باید فکری به حال کمبود سوخت بکنیم، به این معنا که صنایع بزرگ به شکل مستمر باید دغدغه تامین پایدار انرژی مورد نیاز را داشته باشند. چرا که این ناپایداری عملا در دو مقطع زمانی مختلف به کوره‌ها شوک وارد می‌کند، آن هم در شرایطی که دوام و بقای این کوره‌ها وابستگی مستقیمی به یکنواختی حرارت آن‌ها دارد. به عنوان مثال مجموعه ما به دلیل همین شوک‌های حرارتی تا دو ماه تولید خود را متوقف کرد و ناگزیر شد سه میلیارد تومان برای بازسازی کوره آسیب دیده هزینه کند.

تاکید من بر این است که هزینه خاموشی‌ها به ویژه در صنایع بزرگ بسیار بالاتر از برآوردهایی است که در صنعت برق انجام شده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد باید پیش از هر چیز این مساله را روشن کنیم که رویکرد دولت در تحمیل این ناترازی به بخش صنعت به منظور تامین برق مشتریان خانگی از اساس نادرست است. چرا که این امر با ایجاد آسیب‌های جدی برای صنایع، عملا اشتغال و امنیت شغلی افرادی که در این صنایع مشغول به کار هستند را تهدید می‌کند. ضمن اینکه افزایش سطح خسارات ناشی از خاموشی‌ها، عملا توان اقتصادی صنایع را کاهش داده و در نهایت آن‌ها را حتی در تامین هزینه‌های پرسنلی و حقوق و دستمزد کارکنان خود دچار مساله می‌کند.

این ایده اولین بار در زمان وزارت آقای رزم حسینی در وزارت صمت در نشستی با حضور آقای چیت‌چیان مشاور وزیر نیرو و صاحبان صنایع بزرگ مانند فولاد، مس، ذوب آهن و آلومینیوم مطرح شد. در آن زمان قرار بر این گذاشته شد که هر کدام از صنایع ظرفیت تولید ۳۵۰ تا هزار مگاوات را ایجاد کرده و در مجموع ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه خودتامین برای صنایع بزرگ احداث شود. من به خوبی به خاطر دارم که در همان زمان هم وزیر وقت نیرو تاکید کردند که پیش از هر اقدامی برای احداث نیروگاه، این مساله را روشن کنیم که آیا وزارت نفت امکان تامین سوخت مورد نیاز این نیروگاه‌ها را دارد؟ در آن زمان ابعاد این موضوع به درستی مشخص نبود، به ویژه آنکه مدعی بودیم که دومین مخازن گازی جهان را داریم، اما امروز که علیرغم دسترسی به این منابع با ناترازی

یکی از وعده‌های وزیر نیرو در ابتدای دولت سیزدهم، افزایش ۴۰ هزار مگاواتی ظرفیت تولید بوده که قرار است بخشی از آن از طریق احداث نیروگاه‌های خودتامین صنایع تامین شود. آیا در صنعت آلومینیوم اقدامی برای راه اندازی نیروگاه‌های جدید صورت گرفته است؟

اعمال این خاموشی‌ها در سالی که با شعار «مهار تورم و رشد تولید» نامگذاری شده، به شدت تعارض دارد؟

کاملا درست است؛ قطعاً وقتی عنوانی برای هر سال برگزیده می‌شود، یک هدف متعالی را دنبال می‌کند که توسط بالاترین مقام کشور تدوین و تعیین شده است. با این حال می‌بینیم که هر ساله بسیاری از دستگاه‌های دولتی سیاست‌ها و اقداماتی دارند که کاملاً خلاف این شعارهاست. هر چند متأسفانه هیچ یک از دستگاه‌های نظارتی با سازمان‌های خاطی برخورد نمی‌کنند و به همین دلیل است که ما کمتر شاهد تحقق شعار سال بوده‌ایم.

همانطور که پیشتر هم گفتم بخش بزرگی از ناترازی موجود ناشی از سوء مدیریت در صنعت برق است، چرا که تامین پایدار برق یک تکلیف قانونی برای وزارت نیرو است و قاعدتاً باید برای آن هدفگذاری می‌شد. اما به نظر می‌رسد این مجموعه درهم‌تنیده فریه و خسته، توان خلق ایده و مدیریت امور را ندارد لذا برای اجرای پروژه‌ها باید ساختار کارآمدی تعریف و کار به دست بخش خصوصی توانمند سپرده شود.

امسال رشد تولید است، اما در واقعیت سیاست‌های تدوین شده در حوزه مدیریت مصرف صنایع بزرگ، قطعاً زمینه‌ساز نابودی تولید و صنعت کشور خواهد بود. فراموش نکنیم که سطح ناکارآمدی‌ها در وزارت نیرو تنها محدود به عدم توانایی در تامین پایدار برق نیست، چرا که این وزارتخانه یکی از بزرگترین بدهکاران به بخش خصوصی است و دقیقاً همین عامل بخش بزرگی از ظرفیت‌های ساخت و پیمانکاری صنعت برق کشور را تهدید می‌کند. مساله کلیدی این است که اجازه ندهیم این روند ادامه پیدا کند، چراکه جبران این ناترازی و ضعف‌های ایجاد شده هر سال دشوارتر و پرهزینه‌تر خواهد شد.

جدی مواجهیم به درستی درک می‌کنیم که نگرانی آن زمان وزیر نیرو چه بود. امروز این مساله به شکل جدی مطرح می‌شود که توسعه خطوط انتقال گاز در سراسر کشور مانند رگ‌های خونی، کار درستی نبود، چرا که امروز فقط برای تامین فشار داخل لوله‌ها، به میزان قابل توجهی گاز نیاز داریم و همین مساله به ناترازی‌ها دامن می‌زند. اما در پاسخ به سوال شما باید بگویم که در حال حاضر عمده صنایع بزرگ آلومینیوم مانند المهدی، سالکو و ایرالکو در حال احداث نیروگاه هستند، اما در این مسیر با مشکلاتی هم مواجهند. به عنوان مثال آن‌ها ناگزیرند علاوه بر نیروگاه، برای احداث پست و خط و سایر زیرساخت‌ها هزینه کنند، اما در نهایت همه این تاسیسات پس از برق دار شدن متعلق به وزارت نیرو خواهد بود. این سیاست عملاً هزینه بسیار بالایی را به صنایع مادر تحمیل می‌کند، با این وجود باز هم ریسک عدم دسترسی به گاز برای تولید برق در زمستان وجود دارد. به این معنا که احداث این نیروگاه‌ها عملاً پایداری برق را تضمین نمی‌کند و باز هم بخشی از کار در گرو تصمیمات و توانایی وزارت نفت در عرضه مکفی گاز مورد نیاز این نیروگاه‌ها باقی می‌ماند. به این ترتیب وزارت نیرو بار تولید برق را از دوش خود برداشته و صنایع را درگیر این موضوع کرده، بدون آنکه برای تامین سوخت آن‌ها برنامه مدونی داشته باشد.

عملیاتی‌ترین راهکار پیش
روی وزارت نیرو از نگاه شما
چیست؟

همانطور که پیشتر هم اشاره کردم، بهتر است وزارت نیرو کار را از اجرای پروژه‌های بازسازی و همچنین کاهش تلفات شبکه‌های توزیع آغاز کند و این امر را به بخش خصوصی بسپارد. این اقدام که قطعا تحت نظر وزارت نیرو، توانیر و شرکت‌های توزیع انجام شده و استانداردهای مد نظر آن‌ها را هم دارد، می‌تواند از هدررفت سرمایه در این حوزه جلوگیری کرده و بخشی از ناترازی را از محل افزایش راندمان و کاهش تلفات شبکه با هزینه‌ای به مراتب کمتر از ایجاد ظرفیت‌های جدید تولید، جبران کند.

سوال این است که وقتی در خطوط فرسوده توزیع به سادگی برق دزدی و سرقت تجهیزات انجام می‌شود و عمده این تاسیسات راندمان پایین و تلفات بالا دارند، چرا تا امروز اقدامی برای نوسازی صورت نگرفته است؟ در واقع به نظر می‌رسد حتی در بخش‌هایی که اقداماتی در این راستا صورت گرفته، سرمایه ذاتی این شبکه‌های فرسوده، تماما صرف هزینه‌های جاری شرکت‌های توزیع شده و عملا تامین سرمایه مجدد برای نوسازی این شبکه‌ها به دلیل عدم توانایی وزارت نیرو در بازپرداخت مطالبات سازندگان و پیمانکاران، بر دوش آن‌ها گذاشته شده است. ضمن اینکه امروز صنعت برق به دلیل همین رویکردها و سیاست‌های نادرست با تعداد قابل توجهی از قراردادهای نیمه تمام و متوقف مواجه است که علاوه بر زمینگیر کردن پیمانکار و یا سازنده، عملا هزینه هنگفتی را هم به این صنعت و اقتصاد کشور تحمیل کرده و توسعه زیرساخت‌های انتقال و توزیع را هم متوقف می‌کند. در این شرایط چطور می‌توانیم انتظار تامین پایدار برق را داشته باشیم؟

تاکید من بر این است که اگر زمانی دولت کاهش تلفات و افزایش راندمان شبکه‌های انتقال و توزیع را در دستور کار قرار داد، باید به شکلی جدی بر عملکرد شرکت‌های توزیع نظارت کند تا سرمایه‌ای که در تاسیسات این خطوط انباشته شده، صرفا به تامین سرمایه برای بازسازی و نوسازی آن‌ها تخصیص داده شود. به نظر می‌رسد تا ۷۰ درصد هزینه‌های بازسازی شبکه از این طریق قابل تامین است و قطعا با اتکا به این سرمایه، بخش خصوصی با اطمینان خاطر بیشتری به این نوع پروژه‌ها ورود می‌کند.

پیاده سازی چنین پروژه‌ای نیازمند مدیریت کارآمد، اولویت‌بندی منطقی و عقلانی و حاکم شدن یک نگاه ملی در مجموعه صنعت برق است. در این صورت می‌توان از همین مسیر بهسازی و بازسازی شبکه‌ها و افزایش راندمان و کاهش تلفات آنها، وضعیت بحرانی ناترازی و ناپایداری برق را تا اندازه‌ای حل کرد.

البته در این میان نقش نهادهای نظارتی هم بسیار کلیدی است. در واقع با ورود دستگاه‌های نظارتی به حوزه سیاستگذاری‌ها و حتی پروژه‌های صنعت برق، وزارت نیرو ناگزیر به پاسخگویی و عمل به تعهداتش خواهد بود. ضمن اینکه از این طریق از اتلاف بیشتر منابع ملی در حوزه صنعت برق جلوگیری شده و از ظرفیت‌های ساخت و پیمانکاری بخش خصوصی که امروز تحت فشار بدعهدی وزارت نیرو در انجام تعهدات مالی به شدت تضعیف شده‌اند، صیانت می‌شود ■

نقش دوگانه وزارت نیرو؛

ساجری متولی؟!!

مساله ناترازی در تولید و مصرف برق چند سالی است که در ایام پرباری شبکه، نقل محافل مختلف است. نگرانی‌ها از بروز خاموشی به دلیل کمبود میزان تولید نسبت به مصرف مشترکان در زمان پیک مصرف و کمبود برقی که بین ۱۵ تا ۲۰ هزار مگاوات تخمین زده می‌شود، یکی از دغدغه‌های جدی وزارت نیرو در این روزهاست.

«ابراهیم خوش گفتار»، رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق با اشاره به هشدارهای سال‌های گذشته این تشکل در خصوص بروز خاموشی‌ها و افت سرمایه‌گذاری در صنعت برق، خاطرنشان می‌کند که بخش بزرگی از مشکلات این صنعت از عدم تمکین وزارت نیرو به قوانین نشات می‌گیرد، بر همین اساس ضروری است که وزارت نیرو جایگاه کلیدی خود را به عنوان یک وزارتخانه حاکمیتی بازابد و از ایفای نقش به عنوان یک دستگاه متصدی و مجری دست بردارد. او همچنین بر این باور است که به جای تمرکز بر ایجاد ظرفیت‌های جدید تولید، باید کنترل و مدیریت مصرف را از مسیر شرکت‌های توزیع و با نصب کنتورهای هوشمند در دستور کار قرار دهیم. حاصل این گفتگو را می‌خوانید:

ابراهیم خوش گفتار؛ رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق



صنعت برق از نظر مالی، یک صنعت ناتراز است و این ناترازی بیش از هر چیز از تفاوت بین قیمت تمام شده و تکلیفی برق نشات می‌گیرد. به همین دلیل گمان می‌رفت در سال ۱۳۸۹ با اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها که به منظور سازماندهی یارانه حامل‌های انرژی تدوین و تصویب شده بود، تا حدی این ناترازی حل شود، اما در نهایت افزایش تدریجی قیمت برق براساس برنامه سوم توسعه هم متوقف شد. به این ترتیب به تدریج به ناترازی بین هزینه و درآمد صنعت برق دامن زده شد، به طوری که پس از مدتی دخل این صنعت عملا با خرج آن همخوانی نداشت و قطعا تا زمانی که این تناسب بین دخل و خرج صنعت برق ایجاد نشود، چالش‌های آن به صورت ریشه‌ای حل نخواهد شد.

مساله دیگری که به مشکلات صنعت برق کشور دامن زد، افزایش محدودیت‌ها و فشارهای ناشی از تحریم‌ها و به تبع آن، کاهش درآمدهای نفتی و ایجاد چالش‌های جدی در تامین بودجه‌های سالانه بود. به این ترتیب علاوه بر اینکه قیمت تمام شده برق با قیمت فروش آن فاصله معناداری داشت، عملا وزارت نیرو به دلیل کسری بودجه دولت، نقدینگی لازم را برای پرداخت مبالغ مربوط به همان قیمت پایین برق را هم در اختیار نداشت.

این موضوع زمانی برای صنعت برق مشکلات بزرگتری ایجاد کرد که بخش تولید برق به منظور تجدید ساختار این صنعت به بخش خصوصی و غیردولتی واگذار شد و بخش بزرگی از بار کسری بودجه صنعت برق به تولیدکنندگان غیردولتی برق منتقل شد. از این رو شاید به جرات بتوان گفت که ما در خصوصی‌سازی صنعت برق دچار اشتباه شده‌ایم. کاری که باید انجام می‌شد این بود که به جای واگذاری اولین حلقه زنجیره تامین برق، یعنی نیروگاه‌ها، باید خصوصی‌سازی از انتهای این زنجیره آغاز می‌شد و به جای نیروگاه‌ها، شرکت‌های توزیع به عنوان حلقه مصرف‌کنندگان اصلی خصوصی می‌شدند. اما امروز قریب به ۷۰ درصد بخش تولید واگذار شده، در شرایطی که حوزه توزیع برق دولتی باقی مانده و همین مساله بیش از پیش به ناترازی‌ها دامن می‌زند. به طوری که به نظر می‌رسد نمی‌توانیم ظرف چند سال آینده چشم‌انداز روشنی برای صنعت برق، متصور باشیم.

صنعت برق یک مجموعه به‌هم‌پیوسته از تولید، انتقال و توزیع است و ضروری است که در سیاستگذاری‌ها همه این بخش‌ها در کنار هم دیده شوند. تصمیم‌گیری‌های فرابخشی منجر به توسعه غیرهمسان هر یک از این بخش‌ها در نقاط مختلف کشور شده، به نحوی که در برخی از مناطق کشور زیرساخت‌های انتقال و توزیع قوی‌تر از تولید است و در برخی مناطق دیگر دچار مساله حبس برق هستیم.

موضوع دیگری که هیچوقت به صورت جدی و سازمان یافته به آن پرداخته نشده، شیوه‌های مصرف انرژی در کشور است. در واقع در طول این سال‌ها ما به جای یکپارچه‌سازی سبد انرژی، نوعی رقابت بخشی بین حوزه‌های نفت و نیرو به راه انداخته‌ایم که نتیجه آن صرف هزینه‌های هنگفت و گزاف برای ایجاد زیرساخت‌های تولید و انتقال و توزیع برق و گاز حتی در دوردست‌ترین نقاط کشور بوده است. نتیجه روشن چنین رویکردی کمبود برق در تابستان و کمبود گاز در زمستان است، چرا که ما نتوانستیم مساله بهره‌وری را در مصرف این دو کالای استراتژیک حل کنیم. در شرایطی که در تمام دنیا اولین اقدام برای افزایش راندمان، از سمت مدیریت مصرف شروع می‌شود، ما با سطح بالای انتظارات مصرف‌کنندگان، شدت بالای مصرف انرژی و تلفات گسترده در مقصد مواجهیم.

نکته بسیار مهم این است که صنعت برق جزو معدود صنایعی است که کنترل ثانیه‌ای

از دیدگاه شما مهمترین چالش‌های سرمایه‌گذاری در صنعت برق چیست و دلایل کاهش میزان ورود سرمایه به این صنعت چه بوده است؟

آیا این رویکرد ناشی از نگاه عمومی جامعه و حاکمیت به انرژی به عنوان یک خدمت عمومی نیست؟

مصرف‌کننده در آن بسیار ساده است. در واقع به واسطه کنتورهای هوشمند، می‌توان به شکل منظم و مستمر میزان مصرف مشترکان را رصد کرده و حتی در ایام پیک، سقف مصرف برایش تعیین کرد و در صورتی که میزان مصرف از سقف تعیین شده بالاتر رفت، مشترک ناگزیر خواهد بود هزینه‌ای بسیار بالاتر پرداخت کند. در ایران، اما ما هرگز نتوانستیم چنین مسیری را طی کنیم، چرا که در حاکمیت برق با وزارتخانه‌ای مواجه هستیم که اصلی‌ترین و مهمترین هدفش تامین برق به ویژه برای مشترکان خانگی است و بخشی از بدمصرفی‌های مرسوم هم ناشی از این رویکرد و عدم رسیدگی دقیق به شیوه‌های مصرف بین مشترکان خانگی، صنعتی، تجاری، کشاورزی و ... است.

پس از پایان جنگ تحمیلی و در سال ۱۳۷۶ اولین دوره خاموشی در کشور رخ داد. پس از آن بررسی‌هایی در خصوص علل بروز این خاموشی‌ها صورت گرفت و بر اساس آن ماده ۴۴ قانون بودجه سال ۷۷ تدوین و وزارت نیرو مکلف شد که برای مشترکان با مصرف بالای ۶۰۰ کیلووات ساعت، کنتورهای چندتعرفه‌ای نصب کرده و از این طریق پیک مصرف را کنترل کند. این بند قانونی علیرغم ظرفیت‌های بسیار برای مدیریت و کنترل مصرف، هیچوقت اجرایی نشد، چرا که در ایران به واسطه نرخ پایین انرژی و فرهنگ مصرف انواع انرژی، نیاز کمتری به مدیریت و بهینه‌سازی مصرف احساس شده است.

بله؛ دقیقا همین‌طور است. در واقع انرژی در ایران یک خدمت کم ارزش است که با بهای ارزان در اختیار عموم قرار می‌گیرد. مشکل اینجاست که باز هم طبقات ضعیف‌تر جامعه به واسطه محدودیت دسترسی به امکانات رفاهی، بهره بسیار کمتری از انرژی ارزان قیمت می‌برند؛ بنابراین بخش عمده منافع این خدمت عمومی به جای دهک‌های پایین، مشمول طبقات مرفه جامعه می‌شود.

در حال حاضر برق ارزان‌ترین کالای کشور است؛ به عنوان مثال در سال ۸۴، قیمت برق ۱۰ تومان بوده که به تناسب دلار هزار تومانی، تقریبا ۱۰ سنت محاسبه می‌شود. امروز میانگین بهای برق عرضه شده به مشترکان، ۲۰۰ تومان است که نسبت به ارزش فعلی دلار، کمتر از یک سنت است. در چنین شرایطی قطعا اداره مجموعه وزارت نیرو و صنعت برق با مشکلات لاینحل و بزرگی مواجه می‌شود که امروز شاهد بخشی از آن‌ها هستیم. مساله اینجاست که در مقابل مشترکانی که طی سال‌ها برق ارزان قیمت دریافت کرده‌اند، امکان افزایش قیمت ملموس برق هم وجود ندارد، در حالی که عمده کالاهای اساسی و کلیدی مورد نیاز مردم طی سال‌های اخیر به صورت مستمر با افزایش چند برابری قیمت مواجه بوده است.

به نظر می‌رسد بیشترین آسیب از این نوع سیاستگذاری در برق، متوجه بخش خصوصی شده است؟

کاملا درست است؛ بخش خصوصی چه در حوزه پیمانکاری و ساخت و چه در زمینه تولید برق، مخرب‌ترین ضربه‌ها را از این کسری بودجه در صنعت برق متحمل شده است. چرا که نه تنها مطالباتش را دیر دریافت کرده، بلکه به دلیل افزایش نرخ تورم و بهای ارز، عملا ارزش این مطالبات در زمان دریافت، چند برابر کاهش یافته است. البته از نگاه من تولیدکنندگان غیردولتی برق، شرایط به مراتب سخت‌تری نسبت به سایر حوزه‌ها دارند، چرا که سازندگان تجهیزات و خدمت می‌توانند از سایر مسیرها از جمله وزارت صمت هم مسائل خود را پیگیری کنند، اما برای فعالان حوزه نیروگاهی، وزارت نیرو تنها متولی و مرجع پیگیری است. ضمن اینکه تولیدکنندگان با مساله منحصر به فرد دیگری هم مواجهند که جایگاه «وزارت

نیرو» به عنوان رقیب نیروگاه‌های غیردولتی است که البته همه اختیارات را در دست دارد و می‌تواند سیاست‌های مبادله برق را هر طور مایل است، تغییر دهد. همین امر، یکی از عواملی است که سرمایه‌گذاری در صنعت برق را فاقد صرفه اقتصادی کرده است. خروج سرمایه از صنعت و بحران تولید برق، چالش‌هایی هستند که در حال حاضر هم بخش‌هایی از پیامدها و عوارض آن را تجربه کرده‌ایم.

اولین و مهمترین راهبرد این است که وزارت نیرو از یک وزارتخانه اجرایی که در همه امور صنعت برق دخالت می‌کند، به یک «وزارتخانه حاکمیتی» تبدیل شود. فراموش نکنیم که کمبود نقدینگی، بدعهدی این وزارتخانه در پرداخت بدهی و در نهایت نبود ساختارهای قانونی و حقوقی لازم برای حمایت از حقوق حقه و مشروع سرمایه‌گذاران غیردولتی نتیجه‌ای جز توقف سرمایه‌گذاری‌های این بخش در حوزه تولید نداشته، به طوری که طی برنامه ششم توسعه، بخش خصوصی هیچ نیروگاه جدیدی نساخته است. **ناترازی‌ها و ناپایداری‌های اخیر که در پیک سال گذشته زیر شعار مدیریت مصرف و خاموشی‌های برنامه‌ریزی شده صنایع پنهان شد، نتیجه روشن خروج سرمایه‌های بخش خصوصی است که قطعا تکرار آن در سال‌جاری هم دور از ذهن نیست؛ بنابراین برای عبور از این بحران، چاره‌ای جز بازتعریف نقش وزارت نیرو نداریم.** این وزارتخانه باید به جای مداخله در همه امور اجرایی، به نقش خود به عنوان یک «وزارتخانه حاکمیتی» بازگردد.

وزارت نیرو در این جایگاه سیاست‌های کلی نظیر نحوه و میزان تخصیص یارانه به مشترکان مختلف، ساختارهای تعیین تعرفه، مدل‌های توسعه و تامین مالی و مواردی از این دست را تعیین می‌کند و اجرا را به دست بخش خصوصی می‌سپارد. یک وزارتخانه حاکمیتی به جای اینکه متصدی خوبی برای امور باشد، بر نظارت جدی به آنچه در صنعت می‌گذرد، متمرکز است. ما در صنعت برق به وزارت نیرویی نیاز داریم که در جایگاه حاکمیتی، بر پیاده‌سازی قوانین و ضوابط و همچنین اجرای بدون رانت و شفاف امور از تولید و انتقال تا توزیع، به شکلی دقیق نظارت دارد.

تلاش‌هایی برای تاسیس نهاد رگولاتوری انجام شد که به نظر می‌رسد بی نتیجه باقی مانده است؟

ما به نمایندگی از بخش خصوصی بیش از سه سال برای تاسیس نهاد تنظیم‌گر بخش برق پیگیری و مطالبه‌گری کردیم تا توانستیم لایحه تاسیس آن را به مجلس برسانیم، اما متاسفانه در نهایت وزارت نیروی دولت سیزدهم در همان ابتدای کار این لایحه را مسترد کرد. در واقع به نظر می‌رسد با همه سیاست‌های کلیدی صنعت برق در طول دوره‌های مختلف برخورد سلیقه‌ای شده است. به همین دلیل است که هر وزیر جدید، به جای بررسی و مطالعه سوابق اقدامات صورت گرفته، ترجیح می‌دهد کارها را از ابتدا شروع کند.

در مورد نهاد رگولاتوری هم با وجود اینکه این نهاد می‌تواند بار بزرگی را از دوش وزارت نیرو بردارد و به صنعت برق جهت تعیین یک قیمت اقتصادی برای برق کمک کند، باز هم با مقاومت این وزارتخانه مواجه شدیم. در واقع وزارت نیرو به شدت اصرار دارد که خودش درباره موضوعات مختلف تصمیم‌گیری کند، حتی اگر این تصمیمات به ضرر صنعت برق کشور باشند. باز هم تاکید می‌کنم که ساختار وزارت نیرو، کاملا اجرایی است و تنها در صورتی که این ساختار تغییر کند می‌توانیم به ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری‌های جدید در این صنعت امیدوار باشیم. به ویژه آنکه سرمایه‌گذاران حوزه‌هایی مانند نیروگاه به سادگی نمی‌توانند سرمایه خود را از صنعت خارج کرده و یا تولیدشان را متوقف کنند. در برق بر خلاف سایر صنایع، سرمایه‌گذاران حتی در صورت تحمل زیان هم ناگزیر به ماندن در صنعت هستند و همین امر،

یکی دیگر از موضوعاتی که در حوزه تامین مالی و ایجاد ظرفیت‌های جدید تولید برق مطرح شد، احداث نیروگاه‌های خودتامین برای صنایع بزرگ بوده است. این اقدام را تا چه حد در رفع ناترازی‌های فعلی موثر می‌دانید؟

از نظر من این راهکار وزارت نیرو به ایجاد یک چالش جدید منجر می‌شود، چرا که افزایش ظرفیت تولید برق در صنایع، در نهایت ما را به جایی می‌رساند که صنایع برق دارند، اما برای تامین برق مشترکان خانگی دچار مشکل هستیم. در این صورت باز هم نیروگاه‌های خودتامین صنایع احتمالا ناگزیرند برای تامین برق مشترکان خانگی بسیج شوند. نکته دوم این است که **وزارت نیرو با نیروگاه‌های غیردولتی قرارداد پنج ساله ECA منعقد می‌کرد.** اگر به نیروگاه‌ها اجازه می‌دادند با همین نرخ مصوب برق صنعتی، با صنایع وارد مذاکره شده و به آن‌ها برق بفروشند، قطعا درآمد حاصل از فروش برق به صنایع بزرگ، نیروگاه‌ها را نجات می‌داد و به استمرار سرمایه‌گذاری در این حوزه منجر می‌شد و درآمد حاصل از حق ترانزیت برق هم به کمک وزارت نیرو و صنعت برق می‌آمد. اما در شرایط فعلی که صنایع بزرگ، نیروگاه‌های خود را راه‌اندازی کرده‌اند، بدون شک وزارت نفت هم درباره قیمت گاز این نیروگاه‌ها تجدیدنظر می‌کند و در نهایت صنایع ترجیح می‌دهند کل تولید این نیروگاه‌ها را به تامین پایدار و امن برق مورد نیاز خودشان تخصیص دهند. چرا که وزارت نیرو بدون هیچ تردیدی، برق را با قیمت اقتصادی و منطقی از آن‌ها خریداری نخواهد کرد. بر همین اساس باید گفت که سرمایه‌گذاری صنایع برای احداث نیروگاه‌های خودتامین علاوه بر اینکه هزینه سرمایه‌گذاری را در صنعت برق کشور افزایش می‌دهد، وزارت نیرو را هم از درآمد سرشار حاصل از اخذ حق ترانزیت محروم می‌کند. تاثیرات این اقدام در کوتاه مدت قطعا رضایت بخش خواهد بود، اما در بلندمدت به ایجاد نوعی بلاتکلیفی در سیاست‌های متعدد وزارت نیرو خواهد شد.

از دیدگاه شما ناترازی فعلی صنعت برق در تولید و مصرف برق با توجه به شرایط مالی حاکم بر این صنعت تا چه زمانی ممکن است استمرار داشته باشد؟

امیدواریم که وزارت نیرو با تمهیداتی که اندیشیده مساله ناترازی را حداقل در میان مدت حل کند. به هر حال کسری ۱۸ هزار مگاواتی برق در سال گذشته، امسال هم تکرار می‌شود. این رقم با احتساب پیری و استهلاک نیروگاه‌ها به ۲۰ هزار مگاوات می‌رسد. یعنی در شرایطی که تقریبا بین ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ مگاوات نیروگاه جدید به مدار آمده، ما همچنان با کسری ۲۰ هزار مگاواتی مواجهیم.

واقعیت این است که دولت در خوش بینانه‌ترین شرایط می‌تواند سالانه بین ۳ تا ۴ هزار مگاوات نیروگاه جدید را وارد مدار کند که این رقم با احتساب رشد سالانه ۷ درصدی مصرف نمی‌تواند به رفع کسری‌های موجود کمک کند. در این شرایط ما حتی در کنترل و مدیریت مصرف برق خانگی هم عملکرد قابل قبولی نداشتیم و همین مساله به تدریج به مشکلات دامن زده است. مشکل اینجاست که ما نتوانسته‌ایم این باور را در مشترکان ایجاد کنیم که برق یک کالای ارزشمند است که تولید آن برای دولت هزینه قابل توجهی در بر دارد. به هر حال مدیریت مصرف در همه حوزه‌ها فقط با رصد دقیق و مستمر مصرف از طریق کنتورهای هوشمند امکان‌پذیر است و وزارت نیرو از این مسیر می‌تواند زمینه را برای بهینه‌سازی و کنترل مصرف به ویژه در حوزه مشترکان خانگی فراهم کند.

پیشنهادات
شرکت‌های تولیدکننده برق
برای مدیریت ناترازی‌های برق
چیست؟

ما از سال ۱۳۹۷ نسبت به پیامدهای افت سرمایه‌گذاری در صنعت برق و بروز خاموشی‌ها به دولت و وزارت نیرو هشدار داده بودیم و حتی در این خصوص مستنداتی را به صورت مکتوب به مراجع ذیصلاح ارائه دادیم، اما متأسفانه به این هشدارها هیچ توجهی نشد تا امروز که ناترازی به یک مساله بزرگ تبدیل شده است.

مهمترین و اصلی‌ترین پیشنهاد ما کنترل و مدیریت مصرف از سمت توزیع و مصرف‌کنندگان است که این امر با نصب کنتورهای هوشمند کاملاً عملیاتی است. اقدام دوم، روش‌مند کردن تخصیص یارانه‌هاست. دولت باید به درستی روشن کند که به کدام دهک‌ها و از چه طریقی یارانه تعلق می‌گیرد. هوشمندسازی و روش‌مند کردن یارانه‌ها، بدون تردید فضای مالی حوزه برق و انرژی را شفاف‌تر می‌کند. به این ترتیب مشخص می‌شود چه میزان از برق تولیدی به صورت یارانه‌ای عرضه می‌شود و می‌توان همان بخش را از تولید نیروگاه‌های دولتی تأمین کرد. در مورد قیمت برق هم بسیار ضروری است که دولت راهکاری برای افزایش پلکانی قیمت برق تدوین و اجرایی کند. این مساله قابل پذیرش است که بهای برق را نمی‌توان به صورت ناگهانی افزایش داد، اما الزامی است که افزایش تدریجی آن در دستور کار دولت قرار گیرد. در نهایت تمکین وزارت نیرو به قوانین موجود هم می‌تواند در بهبود شرایط فعلی صنعت برق کارساز واقع شود. تجربه ثابت کرده که این وزارتخانه در حوزه‌هایی که منافعش تأمین نشود، به قانون بی‌توجه است و عملاً برای اجرایی کردن قوانین تلاشی نمی‌کند.

ظرفیت‌های مالی قانون
بودجه و ۲۰ هزار میلیارد تومان
اوراقی که به صنعت برق
تخصیص داده شده را تا چه
حد در رفع مشکلات مالی این
صنعت موثر می‌دانید؟

در مورد اوراق ۲۰ هزار میلیارد تومانی باید بگویم که این اقدام را در رفع مساله کسری بودجه و تسویه بدهی‌های وزارت نیرو چندان موثر نمی‌دانم. چون هنوز مشخص نیست که چه میزان از این مبلغ توزیع شده است. ضمن اینکه حتی در صورت تخصیص این اوراق، زمان نقدشوندگی آن به دو تا سه سال آینده بر می‌گردد و شرکت‌هایی که امسال نسبت به نقد کردن این اوراق اقدام کنند با زیان ۱۵ تا ۲۰ درصدی مواجه می‌شوند.

من معتقدم که در حال حاضر نقدینگی کافی در صنعت برق وجود دارد و عدم توزیع منصفانه و موثر این نقدینگی ناشی از عدم تمکین وزارت نیرو به قانون و همچنین عدم نظارت نهادهای بالادستی بر نحوه هزینه کرد درآمدها در این صنعت است.

در خصوص بودجه سال جاری هم به نظر می‌رسد نمی‌توان امید چندانی به ظرفیت‌های آن داشت. چرا که تحقق قانون بودجه علیرغم ظرفیت‌های مالی آن برای تسویه بدهی‌های وزارت نیرو، همواره در هاله‌ای از ابهام است. به عنوان مثال در بودجه ۱۴۰۰، میزان درآمد صنعت برق از فروش برق به صنایع ۸ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده بود که در عمل به ۱۶ هزار میلیارد تومان رسید، اما در نهایت هیچ بخشی از این درآمد به تسویه بدهی‌های نیروگاه‌ها تخصیص داده نشد.

ببینید! ما در بودجه ۱۴۰۰ داشتیم که صنایع ۸۰۰۰ میلیارد تومان درآمد دارند. آن چیزی که محقق شد، بیش از ۱۶۰۰۰ میلیارد تومان بود. برداشت ما این بود که بخشی از بدهی نیروگاه‌ها پرداخت بشود که این اتفاق نیفتاد. در سال ۱۴۰۱ باز هم درآمد وزارت نیرو در محل فروش برق افزایش یافت، اما در زمینه تسویه بدهی‌ها اتفاق جدیدی رخ نداد و نیروگاه‌ها همچنان قریب به ۵۰ هزار میلیارد تومان مطالبات معوق دارند؛ بنابراین ظرفیت‌های قانونی زمانی اهمیت دارند که وزارت نیرو خود را مکلف به اجرای آن‌ها بداند. تا زمانی که این وزارتخانه به روند فعلی و بی‌توجهی به قانون ادامه دهد، نباید منتظر ایجاد تغییر در شرایط صنعت برق باشیم ■

مشاوره سرمایه‌گذاری در تولید برق

واقعیت این است که در حال حاضر برق بیش از ۹۰ درصد واحدهای صنعتی کشور که تعدادشان حدود ۵۸۰ هزار واحد است، شامل واحدهای صنعتی و صنفی به ویژه کارگاه‌های تولیدی کوچک که توسط مردم اداره می‌شود و از اشتغال بالایی برخوردارند، بدون هیچ محدودیتی درحال تأمین است.

آنچه در این میان نباید از نظر دور داشت این است که اجرا نکردن برنامه مدیریت مصرف برق برای ۵۸۰ هزار مشترک صنعتی و صنفی در تابستان ۱۴۰۱ سبب شد تا این صنایع کوچک با افزایش قابل توجه تولید مواجه شوند. در همین راستا امسال نیز با تأمین برق پایدار و عدم اجرای برنامه‌های مدیریت مصرف، این واحدهای صنعتی در ابتدای سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد مصرف قابل توجهی داشتند.

آمار بانک مرکزی نشان می‌دهد که فرآورده‌های غذایی با رشد تولید ۹۳.۵ درصد در صدر این جدول قراردارند. همچنین کالاهای نساجی با رشد ۴۱.۴ درصد، ماشین آلات ۳۱.۱ درصد، مبلمان ۷.۹ درصد، لوازم خانگی ۱۴.۲ درصد، سازه‌های فلزی با ۲۴.۸ درصد و... در

اگرچه وزارت نیرو سرعت احداث و افزایش نیروگاه‌های جدید را در دستور کار خود قرار داده است اما میزان ناترازی به گونه‌ای است که امکان جبران آن تنها با مدیریت مصرف برق شدنی است. بروز ناترازی در تولید و مصرف حامل‌های انرژی طی سال‌های اخیر، بخش صنعت کشور را با چالش مهمی در امر تداوم تولید محصولات صنعتی و دستیابی به اهداف سودآوری از قبل تعیین شده مواجه کرده است. تبعات این چالش در مقیاس کلان می‌تواند منجر به افزایش قیمت محصولات مربوطه در بازار شود. از عوامل ریشه‌ای این چالش می‌توان به مواردی چون فرهنگ عمومی مصرف، قیمت حامل‌های انرژی، ضعف سرمایه‌گذاری در بخش تولید حامل‌های انرژی، محدودیت‌های نقدینگی جهت پرداخت مطالبات تولیدکنندگان و اشاره کرد.



رضا ظریفی؛ مدیر قراردادهای بازار برق ایران

این فهرست قرار دارند و صنعت برق با وجود این رشد در تامین برق صنایع، توفیق داشته است.

طی سال‌های اخیر در راستای تامین منافع مشترک صنعت برق و صنایع عمده کشور تفاهم‌نامه‌ای بین وزارتخانه‌های صمت و نیرو منعقد شد که انتظار می‌رود مطلوبیت‌های بسیار موثری هم برای صنعت برق کشور و هم برای صنایع عمده مصرف‌کننده برق در پی داشته باشد. در این تفاهم‌نامه وزارت صنعت، معدن و تجارت برای ایجاد حداقل ده هزار مگاوات ظرفیت‌های جدید نیروگاهی از طریق سرمایه‌گذاری توسط شرکت‌های صنعتی- معدنی اقدام می‌کند و وزارت نیرو نیز در مقابل نسبت به صدور مجوزهای لازم، تامین سوخت و جلوگیری از محدودیت مصرف برق صنایع مربوطه اقدام می‌کند.

خوشبختانه واحدهای ۳ و ۴ نیروگاه سمنان به عنوان اولین نیروگاه از ظرفیت‌های نیروگاهی مشمول این تفاهم‌نامه وارد مدار شده و اجرای مفاد تفاهم‌نامه آغاز شده است. تامین اعتبار مورد نیاز برای احداث این واحدها توسط شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات انجام شده و شرکت یادشده در نظر دارد بخشی از برق مصرفی واحدهای صنعتی تحت پوشش خود را از این طریق تامین کند. موضوع بسیار حیاتی و مهم برای سرمایه‌گذار این واحدها، عدم شمول برنامه‌های مدیریت مصرف برق برای صنایع زیرمجموعه خود به اندازه تولید واحدهای مزبور است. شرکت مدیریت شبکه برق ایران در راستای اجرای مفاد تفاهم‌نامه و با انجام هماهنگی‌های مورد نیاز، این اطمینان را به صنایع طرف قرارداد این نیروگاه می‌دهد که به اندازه برق تامین شده از نیروگاه سمنان و متناظر با تولید واحدهای ۳ و ۴ نیروگاه سمنان، صنایع مربوطه را از شمول برنامه‌های مدیریت مصرف خارج کند. بر این مبنا تعداد ۸ مشترک صنعتی کشور مشتمل بر فولاد قائنات، ذوب آهن غرب کشور، فولاد آذربایجان، معدنی و صنعتی گل گهر، معدنی صنعتی صابانور، فولاد میانه، فولاد مبارکه و فولاد سنگان بخشی از برق مورد نیاز خود را از طریق نیروگاه سمنان تامین کرده و بخشی از برق مصرفی این صنایع با مجموع ۲۵۵ مگاوات بدون هرگونه محدودیت از طریق شبکه سراسری تامین می‌گردد.

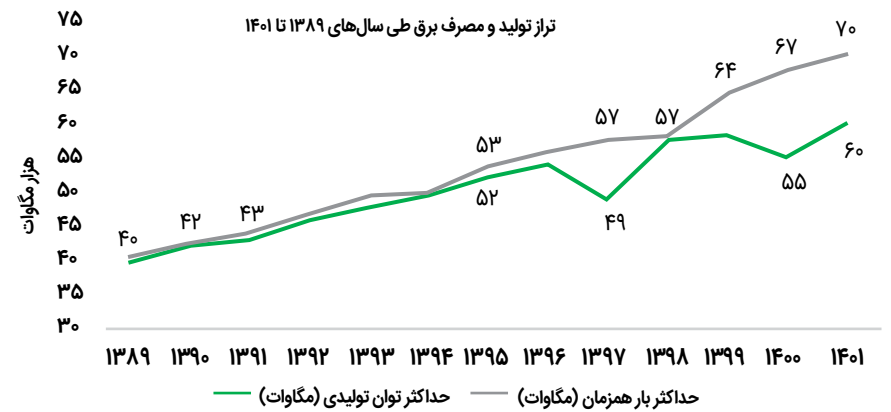
این موضوع دارای ارزش مالی و اقتصادی فراوان برای صنایع مذکور بوده و می‌تواند عواید قابل توجهی هم برای بخش صنعت و هم برای رونق بازار محصولات تولیدی ایشان داشته باشد. امید است این اقدام تبدیل به انگیزه بسیار مهم برای صنایع عمده مصرف‌کننده برق در کشور شود تا با سرمایه‌گذاری در بخش تولید برق بتوانند هم برق مطمئن و پایدار مورد نیاز خود را تامین کنند و هم گامی در جهت ارتقاء منافع ملی کشور بردارند ■

عاصـلاح حکـمرانی؛ نائـراز ی ها

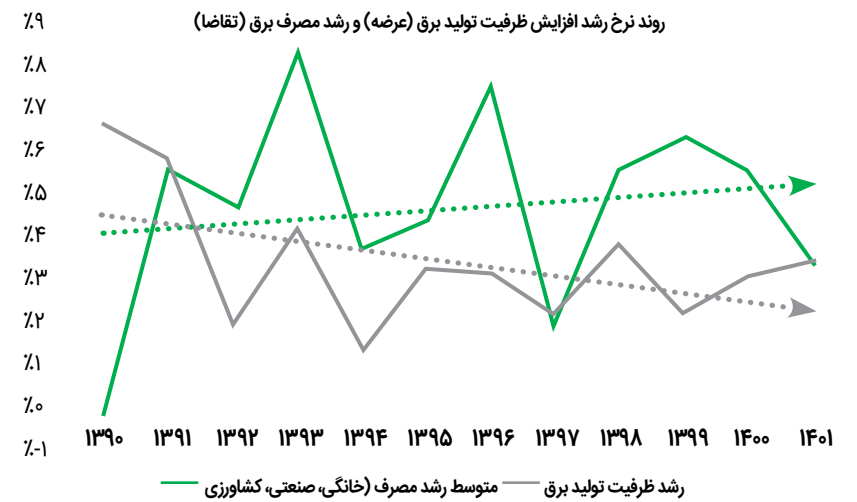


علیرضا اسدی؛ معاون پژوهش و برنامه‌ریزی سندیکای صنعت برق ایران

روند تراز تولید و مصرف نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر حدود ۱۰ هزار مگاوات ناترازی برق در دوره پیک ایجاد شده که نتیجه شکاف عرضه و تقاضای برق است. این ناترازی به دلیل کاهش سرمایه‌گذاری جهت افزایش ظرفیت تولید برق و انحراف از تحقق اهداف برنامه ششم به وجود آمده است.

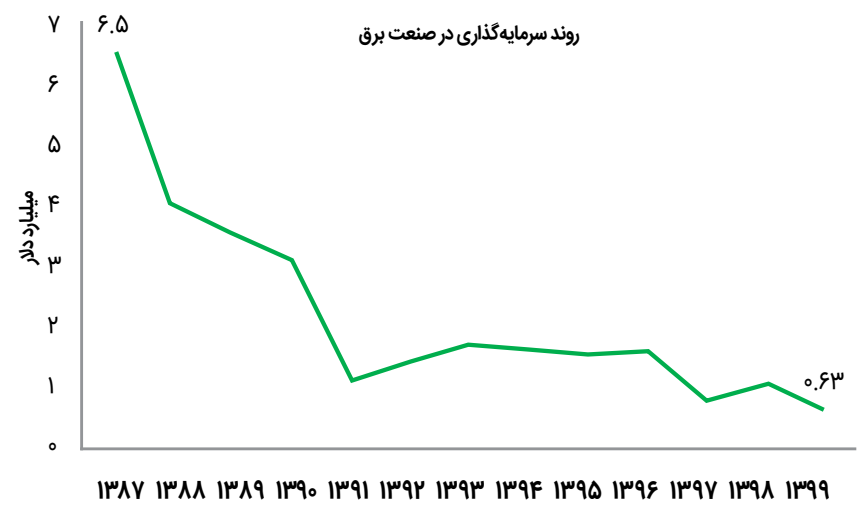
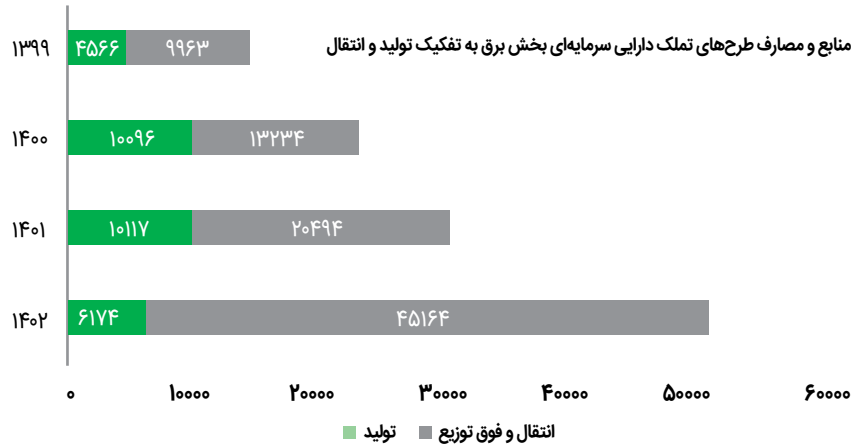


در ۱۰ سال اخیر میزان تولید و رشد مصرف متوازن نبوده است، در واقع طی این مدت متوسط رشد تولید ۳ درصد بوده اما متوسط مصرف رشد ۵ درصدی را نشان می‌دهد و جالب اینکه در ۵ ساله دوم این فاصله بیش از ۵ سال اول بوده است. نکته حائز اهمیت اینکه سیاست‌گذار در برنامه‌های توسعه‌ای برای جلوگیری از ناترازی، رشد ۵ درصدی تولید برق را هدفگذاری کرده، اما وزارت نیرو بر خلاف اهداف کلان، سیاست دیگری را جایگزین کرده و عملاً نرخ رشد تولید را کاهش داده است.



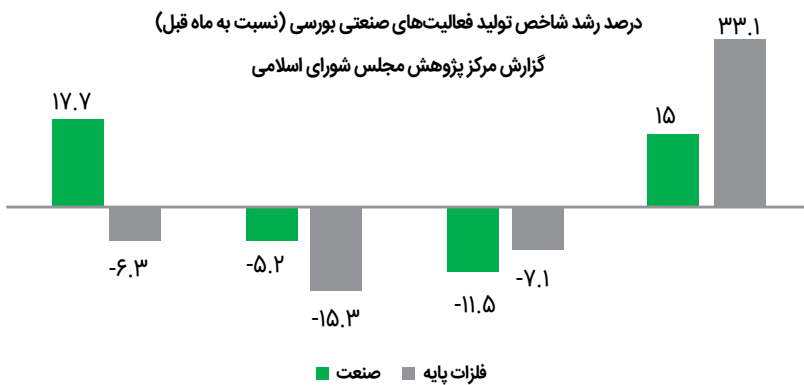
روند نزولی سرمایه‌گذاری

اگرچه روند اسمی سرمایه‌گذاری در صنعت برق افزایش داشته است اما با توجه به نرخ تورم؛ این افزایش نتوانسته جهش نرخ ارز را جبران کند لذا روند سرمایه‌گذاری با نرخ معادل دلاری نزولی بوده و از ۶/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۷ به ۶۳۰ میلیون دلار در سال ۱۳۹۹ تنزل یافته است.

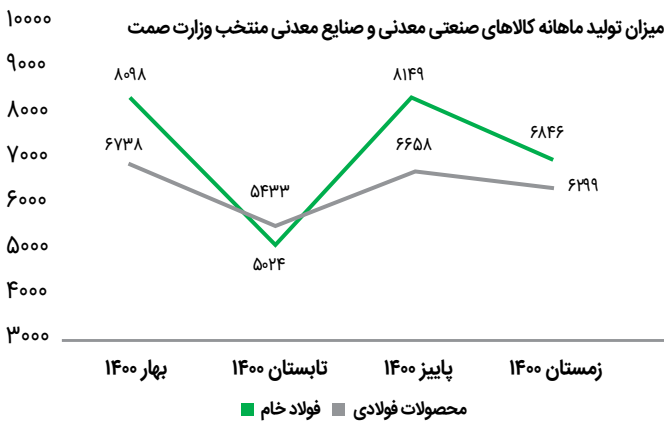


اثر سیاست‌های مدیریت مصرف بر اقتصاد و صنعت کشور

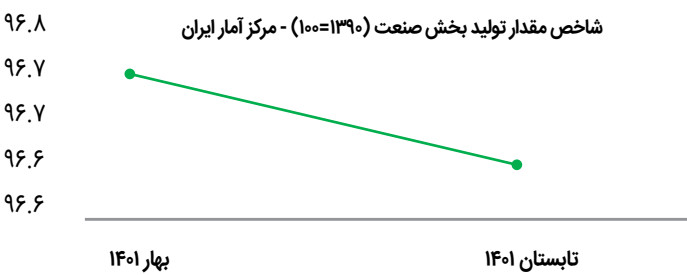
برخلاف آنچه در مورد مدیریت تقاضا گفته می‌شود، این برنامه برای حد مشخصی از میزان مصرف باید اجرایی شود و اینکه بخواهیم ۱۰ هزار مگاوات کسری تولید را مدیریت کنیم، آسیب‌های بسیاری به بار می‌آورد. براساس هدفگذاری وزارت نیرو در پیک تابستان سال جاری باید ۴۷۰۰ مگاوات توسط بخش صنعت صرفه‌جویی شود و طبیعی است که این میزان محدودیت، فشار بالایی به تولید وارد می‌کند؛ همچنان که براساس آمار مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی سال گذشته، شاخص تولید فعالیت‌های صنعتی بورسی در بخش فولاد، در خرداد ماه ۶ درصد کمتر از اردیبهشت، در تیر ماه ۱۵ درصد کمتر از خرداد و در مرداد ماه ۷ درصد کمتر از تیر بوده است. در بخش صنعت نیز به طور میانگین در تیر ماه میزان تولید ۵ درصد کمتر از خرداد بوده و در مرداد ۱۱ درصد نسبت به تیر ماه هم کاهش یافته است.



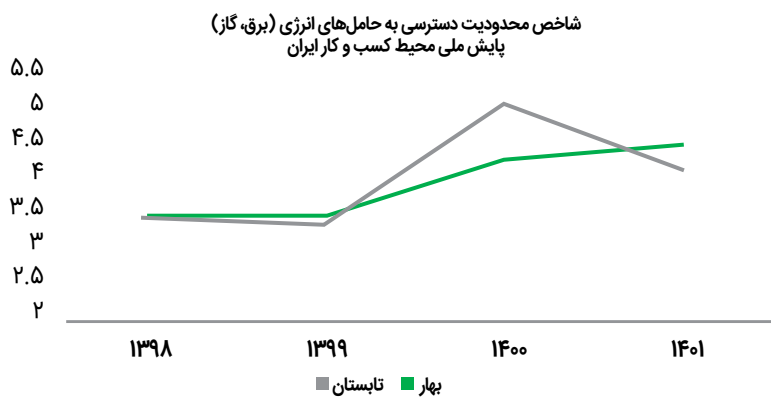
همچنین بر اساس آمار ارائه شده از سوی وزارت صمت در مورد مقدار تولید فولاد و محصولات فولادی در تابستان ۱۴۰۰، میزان تولید ۳۷ درصد نسبت به بهار همان سال کاهش یافته است.



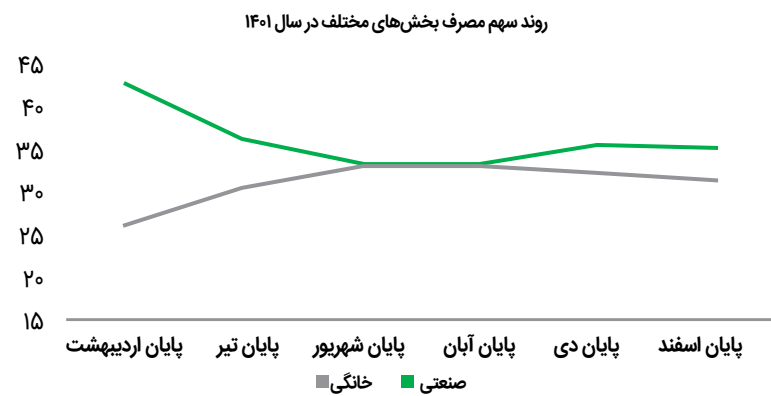
همچنین بر اساس آمار مرکز آمار ایران، شاخص تولید بخش صنعت در تابستان ۱۴۰۱ نسبت به تابستان ۱۴۰۰ کاهش پیدا کرده است.



علاوه بر این براساس شاخص ملی محیط کسب و کار که هر فصل توسط اتاق بازرگانی ارائه می‌شود، از ۱۳۹۹ تا ابتدای ۱۴۰۱ شاخص محدودیت دسترسی به برق و گاز تنزل یافته است.



حتی بر اساس آمارهای وزارت نیرو در سال گذشته سهم مصرف برق بخش خانگی در پایان اردیبهشت ۲۵ درصد و بخش صنعتی ۴۰ درصد بوده است اما در شهریور بخش صنعت و خانگی هر دو به سهم ۳۰ درصدی از مصرف برق کشور رسیده‌اند و کاهش مصرف بخش صنعتی به معنای کاهش سهم تولید از برق مورد نیاز است.



سیاست‌های مدیریت برق توسط صنایع و بهینه‌سازی

یکی از سیاست‌های وزارت نیرو تامین برق توسط خود صنعت است در حالی که هیچ جای دنیا شرکتی که برای تولید محصول خاصی راه‌اندازی شده، بدلیل غیراقتصادی و غیرتجاری وارد عرصه‌ای کاملاً متفاوت مانند تولید برق نمی‌شود، بنابراین وارونه جلوه دادن شرایط موجود شاید باعث خشنودی برخی از مقامات شود اما واقعیت چیز دیگری است.

امروز صحبت از جابجایی ساعات کاری کارخانه‌ها می‌شود در حالی که بخش صنعتی برخلاف محیط‌های اداری باید به صورت مستمر تولید کند و اگر کارخانه‌ها و حتی صنایع غذایی سه شیفته یا دو شیفته تولید نکنند، به سوددهی نمی‌رسند. مضاف بر این، تغییر دادن تمام ساختارهای جامعه همچون آغاز به کار ادارات در ساعت ۶ صبح رفاه جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد، در حالی که حتی برای مدیریت مصرف هم راهکارهایی در قانون پیش‌بینی شده که دولت باید بر اساس قانون آنها را اجرایی کند.

به طور نمونه در قانون بودجه سال ۱۴۰۱ بندی مصوب شد که دولت ۲۱۰۰ میلیارد تومان برای حمایت از تکنولوژی‌های بهینه‌سازی هزینه کند اما به رغم تحقق منابع آن با اقداماتی همچون گرانتر فروختن برق به

نرخ دو تا سه برابر سال گذشته به صنعت، حتی یک ریال از بند تخصیص پیدا نکرد. در حالی که دولت می‌توانست با صرف این اعتبارات در الکتروموتورها که بیش از ۳۰ درصد صرفه جویی برق کولرها و ماشین‌های صنعتی از این محل امکان‌پذیر است، تغییرات قابل توجهی در مصرف برق ایجاد کند.

اصلاح حکمرانی: راهکار رفع ناترازی برق

با توجه به اینکه مشکلات صنعت برق بصورت مدیریت بحران و ضربتی قابل حل نیست، نیازمند اصلاحات اساسی و اجرای برنامه‌های آینده نگر و بلندمدت به نحوی است که ظرف یک برنامه ۳ تا ۵ ساله، محدودیت‌های ناترازی برق برطرف شود

راهکارهای رفع ناترازی برق

- واقعی سازی تدریجی قیمت های برق و حذف یارانه های پنهان (به بخش های کم درآمد از محل منابع دولت یارانه داده شود نه از بنگاه های صنعت برق)
- اصلاح ساختاری صنعت برق جهت تشکیل بخش رگولاتوری به صورت نهاد مستقل
- خروج تدریجی دولت از تجارت برق (صنعتی، تجاری و خانگی) وایجاد اپراتورهای خصوصی برای تجارت برق
- محدود سازی بخش های دولتی به حوزه توسعه زیرساخت و و نگهداری شبکه برق
- متنوع سازی سبد عرضه انرژی (ترکیب حرارتی ها و تجدیدپذیرها)
- استفاده از ابزارهای نوین مالی و بازار سرمایه برای تامین مالی پروژه های احداث نیروگاه برق
- استفاده از ابزارهای نوین مالی برای تامین مالی و سرمایه‌گذاری در تجدیدپذیرها و بهینه سازی (مزارع خورشیدی و غیرمتمرکز/بام خانه ها/ تعویض کولرهای فرسوده)
- تخصیص منابع از طریق صندوق های توسعه ملی برای تامین مالی طرح های بزرگ مقیاس

برای اصلاح حکمرانی صنعت برق باید قوانین حاکم بر روابط بین بازیگران صنعت برق اصلاح

شود اما از سال ۱۳۴۶ تا امروز وزارت نیرو به جز قانون استقلال شرکت‌های توزیع نیروی برق که موفق بوده، حتی یک سند یا لایحه قانونی که بتواند ساختار روابط بازیگران را متناسب با تغییرات ساختار کشور اصلاح کند، تنظیم و ارائه نکرده است و قوانینی مانند حمایت از صنعت برق و مانع‌زدایی توسط مجلس بصورت طرح تهیه و تصویب شده است؛ بنابراین وزارت نیرو اساساً نمی‌داند که باید چه اقدام سیاستی را در دستور کار قرار دهد. وزارت نیرو صرفاً برخی تغییرات با محتوای اداری انجام داده در حالی که مساله اصلاح مدل کسب و کار صنعت برق است نه سیستم اداری و امیدوارم در لایحه برنامه هفتم توسعه که در حال تدوین و طرح در مجلس است، دو اتفاق مهم محقق شود.

اتفاق نخست این است که تجارت برق از دولت خارج شود یا حداقل مانند بخش آموزش و درمان بخشی از آن در دست دولت بماند و بخش اعظم آن به بخش خصوصی سپرده شود و شرکت‌های تابعه وزارت نیرو صرفاً مسئولیت توسعه و نگهداشت زیر ساخت را داشته باشند؛ کما اینکه مشابه این اتفاق در بخش مخابرات نیز اتفاق افتاد و بهبود مخابرات و اینترنت را به همراه داشت. اتفاق دوم هم اصلاح ساختار تنظیم‌گری بازارهای برق یا به عبارتی خروج از قیمت‌گذاری دستوری است و این امر محقق نمی‌شود مگر با اصلاح مکانیزم مداخله دولت در بازارهای عمده فروشی و خرده فروشی برق، چرا که شواهد و آمارهای بانک جهانی نشان می‌دهد در ۸۰ کشور که اصلاحات برق اتفاق افتاده بدون استثنا یکی از مهم‌ترین تغییرات، اصلاح ساختار مداخله یا تنظیم‌گری بازار برق بوده است و نکته مهم این است که نهاد تنظیم‌گر باید یک نهاد مستقل از نهاد سیاسی باشد؛ در غیر این صورت، اصلاح حکمرانی صنعت برق به رویا شبیه است ■

[بایستگی‌های قرارداد تیپ]



حمید حسین‌زاده؛ عضو هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران

نظام حقوقی و قراردادی صنعت برق یکی از جدی‌ترین مشکلات فعالان این صنعت به ویژه در حوزه ساخت و پیمانکاری محسوب می‌شود. در واقع نبود یک قرارداد تیپ عادلانه و دوسویه که امکان توزیع منصفانه هزینه‌ها را بین دو طرف قرارداد فراهم کرده و سطح ریسک ناشی از تغییرات احتمالی در قیمت نهاده‌های تولید، ارز، قوانین و نیز تاخیر در تادیه مطالبات شرکت‌ها را فراهم کند، خسارات قابل توجهی را به فعالان صنعت برق تحمیل کرده است. در این گفتگو با «حمید حسین زاده» عضو هیات مدیره و رئیس کمیسیون حقوقی و قراردادی سندیکای صنعت برق ایران، الزامات تدوین قرارداد تیپ و کارکردهای آن بررسی شده که حاصل آن را در ادامه می‌خوانید:

ایرادات قراردادهای فعلی شرکت‌های زیرمجموعه توانیر، از چند منظر قابل بحث و بررسی است. نخست از باب ماهیت مشکوک و دوگانه برخی از آن‌ها، نظیر شرکت‌های توزیع نیروی برق؛ در واقع، این شرکت‌ها از یک سو، زیرمجموعه شرکت مادر تخصصی توانیر - موضوع «ماده ۴» قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - هستند و از سوی دیگر، وفق «ماده ۳» قانون استقلال شرکت‌های توزیع نیروی برق در استان‌ها از نظر مدیریتی، اداری، مالی و منابع انسانی از شرکت‌های برق منطقه‌ای مستقل هستند. حال پرسش این است که آیا شرکت‌های توزیع، ملتزم به رعایت قراردادهای ذیل نظام فنی و اجرایی و یا منظم توانیر، به‌عنوان یک امر حقوقی، هستند؟ مقرره‌هایی نظیر «بند ل» از «تبصره ۱۵» قانون بودجه سال ۱۴۰۱، که بیان می‌دارند "به دولت اجازه داده می‌شود نسبت به اصلاح ساختار اداری شرکت‌های توزیع برق استان‌ها اقدام کند. اساسنامه این شرکت‌ها به پیشنهاد وزیر نیرو به تصویب هیأت وزیران می‌رسد."، شائبه‌های عدم استقلال حقوقی را تقویت می‌کند. در چنین وضعیتی، نمی‌توان به قطع و یقین، به حاکمیت قراردادهای پیش‌گفته و التزام شرکت‌های توزیع، حکم کرد. مسأله دوم، فقدان رویه ثابت در برخورد شرکت‌های توزیع با پیمانکاران و تأمین‌کنندگان از حیث تنظیم مفاد و شروط و اجرای قرارداد است. مسأله سوم، ناظر به خود مفاد و شروط است که بعضاً فاقدِ «منطق موازنه، تخصیص بهینه ریسک و اجتناب از بروز ادعا» در قراردادهای معوض و مغاینه‌ای است.

دو الزام کلی و اساسی در تدوین قراردادهای تیپ وجود دارد؛ نخست اینکه آیا مفاد و شروطی که برای قرارداد همسان در نظر می‌گیریم، با رویکرد مدیریت پروژه، به تحقق اهداف پروژه، متضمن تحقق خدمت و محصول نهایی، با کیفیت مدنظر در زمان و با بودجه پیش‌بینی‌شده، منجر می‌شود یا خیر؟ دوم اینکه، در پرتوی رویکرد مدیریت ادعا، با مراجعه به سوابق اجرایی و قضایی، این امر را مورد ملاحظه و مذاقه قرار دهیم که، مفاد و شروطی که برای قرارداد تیپ در نظر می‌گیریم، به اجتناب از بروز ادعا و دعاوی، منجر می‌شود یا خیر؟ بدیهی است این مهم تنها در سایه تنظیم قرارداد تبیی خواهد بود که با نگاه برد - برد و تخصیص بهینه ریسک‌ها به طرفین معامله صورت پذیرد.

الزامات تدوین قرارداد تیپ

برای قراردادهای مقاطعه‌کاری و

یا خرید تجهیزات چیست؟

از جنبه مدیریت ریسک، هر یک از ریسک‌ها پس از احصاء و کمی‌سازی، باید به طرفی از قرارداد تخصیص یابد که نسبت به طرف دیگر، توان بیشتری برای مدیریت و پوشش ریسک مربوطه دارد. به طور مثال، انتقال کامل ریسک تأمین مالی به پیمانکار و یا تأمین‌کننده با حذف شرط پیش‌پرداخت، تخصیص ریسک به سوی طرفی از قرارداد است که توان مدیریت مالی وی محدودتر از کارفرما و مالک پروژه است.

قراردادهای فعلی که به دلایل متعدد از جمله افزایش نرخ ارز و یا عدم انجام تعهدات از سوی کارفرما متوقف شده‌اند از چه مسیرهایی امکان پیگیری حقوقی دارند؟

قرارداد تیپ که امکان توزیع ریسک‌ها را دارد، دارای چه ویژگی‌های مشخصی است؟

پیمانکاران و تأمین‌کنندگان می‌توانند، با تکیه بر قاعدهٔ «العقود تابعه للقصود» و مستندا به ماده ۲۲۰ قانون مدنی و وحدت ملاک از اسباب و مبنای شرط فورس مازور در قراردادها و تنقیح مناط، همچنین ملحوظ نمودن شرط بنایی ضمنی لزوم برقراری تعادل مجدد عوضین با وقوع غبن حادث در عقد مغایه‌ای که امکان حق استناد به توافقات پیشین از سوی طرفین نیز، سلب و ساقط نشده است، جبران آثار افزایش زائدالوصف قیمت‌ها، به‌تبع نوسانات شدید را درخواست و پیگیری کنند.

امارات قانونی و اوضاع و احوالی که دلالت بر وضعیت خاص و هاردشیپ نماید (نظیر نامهٔ شمارهٔ ۱۶۰/۱۶۶۹۰۴، مورخ ۲۴ شهریور ۱۳۹۷ دبیر کارگروه تنظیم بازار پیرامون معافیت کالاهای اساسی از مالیات علی‌الحساب واردات قطعی؛ نامه شماره ۹۷/۲۶۰۱۸/۳۵۰، مورخ ۱۵ آموداد ۱۳۹۷ معاون وزیر در امور برق و انرژی پیرامون دریافت مجوز خاتمه قراردادها؛ نامه شماره ۹۷/۳۰۷۳۷/۷۰۰ مورخ ۲۰ شهریور ۱۳۹۷ معاون آب و آبفا پیرامون همکاری با پیمانکاران، مشاوران و تأمین کنندگان کالا در شرایط کنونی؛ نامه شماره ۱۱/۱۷۶۲، مورخ ۱۹ تیر ۱۳۹۷ رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت توانیر، پیرامون همکاری با پیمانکاران و تولیدکنندگان صنعت برق و مکاتباتی از این دست، می‌تواند مستمسک ایشان باشد.

هزینه‌های دوران توقف کامل کار، در قالب تعلیق و هزینه‌های دوره‌های تطویل (بدون توقف) کار که توأم با کاهش بازده عملکردی بوده نیز، در قالب تصدیع و در پرتوی بخشنامه نظام جامع برنامه‌ریزی و کنترل پروژه سازمان برنامه و بودجهٔ کشور، قابل پیگیری است.

از آنجایی‌که شرکت‌های توزیع نیروی برق، وفق «ماده ۳» قانون استقلال شرکت‌های مزبور، صرفاً از نظر مدیریتی، اداری، مالی و منابع انسانی، مستقل شده‌اند و در اتخاذ راهبردها و سیاست‌ها، همچنین امور حقوقی تابع شرکت مادر تخصصی توانیر هستند؛ فلذا باید از قرارداد تیپ (همسان) ابلاغی توانیر تبعیت

لیکن پیشنهاد راهبردی اینجانب، با امعان‌نظر به «ماده ۲۳» قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، همچنین تبصره ذیل «ماده ۷» مصوبه شماره ۱۱۱۲۹۶/ت/۵۹۷۳۹هـ مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۲ هیأت محترم وزیران، طرح بحث تدوین قرارداد تیپ خرید کالا و تجهیزات، در «سازمان برنامه و بودجه کشور» (با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت، و اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران) و البته، اخذ ابلاغ آن در قالب گروه اول (لازم‌الاجراء) است که شرکت توانیر به‌عنوان «دستگاه اجرایی» (موضوع «ماده ۱۶۰» قانون مارالبیان) را به نظام فنی و اجرایی کشور (بخشنامهٔ شمارهٔ ۴۲۳۳۹/ت/۳۳۴۹۷هـ مورخ ۱۳۸۵/۰۴/۲۰ ذیل «ماده ۳۱» قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران) دلالت و مآلاً شرکت‌های توزیع هم، به جهت عدم استقلال حقوقی، به به تبعیت از آن مکلف نماید.

آیا امکان پیگیری قانونی عدم تمکین کارفرمایان به ویژه شرکت‌های توزیع به قراردادهای تیپ ابلاغ‌شده از سوی توانیر وجود دارد؟ پیشنهاد شما در این خصوص چیست؟

انتخاب عناوین و شعارهای توسعه محوری که طی سال‌های اخیر عمدتاً بر حوزه تولید، ساخت داخل، رشد دانش‌بنیان‌ها و سایر شاخص‌های اقتصادی موثر بر پیشرفت کشور متمرکز بوده‌اند، بدون تردید نشان‌دهنده دغدغه‌های حاکمیت برای شکل‌گیری یک روند باثبات توسعه‌ای در کشور است. آنچه در طول بیش از یک دهه اخیر در اقتصاد ایران رخ داده، نشان می‌دهد که هر چقدر شعارهای سال مبتنی و متکی بر الزامات توسعه باشد، باز هم این عملکرد دولت‌ها در بسترسازی و تسهیل‌گری فضای کسب و کار است که می‌تواند تحقق‌پذیری این شعارها را تضمین کند. شاید همین تجربه تلخ ناکامی دولت‌ها و سایر نهادهای بالادستی است که به ناامیدی فعالان اقتصادی نسبت به این شعارها منجر شده است. علیرغم اینکه در ابتدای سال دستورالعمل‌ها، آیین‌نامه‌ها و حتی در مواردی قوانینی برای تحقق شعار سال تدوین و ابلاغ می‌شود، اما به نظر می‌رسد عدم اجرای درست و دقیق قوانین و در مواقعی عدم تمکین به آن‌ها به یک روال معمول برای دستگاه‌های اجرایی تبدیل شده، چرا که در نهایت آن‌ها در قبال این عملکرد آسیب‌زا، مکلف به پاسخگویی به هیچ نهاد یا سازمان نظارتی و یا حتی مجلس شورای اسلامی نیستند.

از این رو می‌توان پیش‌بینی کرد که شعار امسال هم که قرار است به مهار تورم و رشد تولید منجر شود، در ایجاد یک بستر باثبات و موثر جهت رفع موانع پیش روی تولید و یا بهبود شاخص‌های کسب و کار به توفیق قابل توجهی دست نخواهد یافت. در این بخش از نشریه ستبران، الزامات تحقق شعار سال در حوزه صنعت برق به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

پیش‌نهادهای سندیکا برای اصلاح لایحه برنامه هفتم توسعه

پیشنهادهای سندیکای صنعت برق ایران به‌عنوان نماینده بخش خصوصی و سازندگان، پیمانکاران، مشاوران و تأمین‌کنندگان کالا و خدمات صنعت برق کشور، جهت تدوین قانون برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر به مجلس شورای اسلامی ارائه شده است:

فصل ۱- رشد اقتصادی الحاق به ماده ۴:

به منظور افزایش توان رقابتی بنگاه‌های کوچک و متوسط در بازارهای هدف صادراتی، وزارت صمت (سازمان توسعه تجارت) مکلف است ۱۰ درصد درآمد حاصل از عوارض و حقوق گمرکی را به‌عنوان جوایز صادراتی و پوشش ریسک صادرکنندگان تخصیص داده و در راستای ارتقا و آموزش این بنگاه‌ها، بسترهای لازم برای ایجاد، توسعه و حمایت از شرکت‌های واسطه صادراتی شامل شرکت‌های مدیریت خدمات صادرات، کنسرسیوم‌های صادراتی و شتاب‌دهنده‌های صادراتی را ایجاد کند.

فصل ۳- اصلاح ساختار بودجه اصلاح ماده ۲۱:

ماده ۲۱- سازمان مکلف است سند نظام فنی-اجرایی یکپارچه کشور موضوع ماده (۳۴) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور به انضمام سند همسان تمام مدل قراردادهای فیما بین شرکت‌های خصوصی با شرکت‌های دولتی، شرکت‌های تابعه و وابسته به دستگاه‌های اجرایی را حداکثر تا پایان سال اول برنامه با رویکرد کنترل نهایی طرح اجرا شده بر مبنای قیمت تمام شده مورد بازنگری قرارداد و به تصویب هیئت وزیران برساند. تمامی دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۱) این قانون، مشمول نظام فنی-اجرایی یکپارچه فوق‌الذکر و سند همسان قراردادی منضم آن هستند. همچنین نماینده منتخب تشکلهای صنفی، مهندسی و حرفه‌ای بخش خصوصی به عنوان یکی از اعضای شورای عالی فنی موضوع تبصره ۸۰ قانون بودجه سال ۱۳۵۶ کل کشور مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی با معرفی اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران و تایید رئیس سازمان برنامه و بودجه پس از تصویب هیئت وزیران تعیین می‌گردد.

فصل نهم) رفع ناترازی انرژی

اضافه شدن ردیف‌های زیر به جدول شماره (۱۰)

سنگه عملکردی	واحد متعارف	هدف کمی
نرخ رشد سالانه طول خطوط شبکه	درصد	۸
نرخ رشد سالانه ظرفیت پست های انتقال و توزیع	درصد	۸

الحاق بعد از ماده ۴۳

جهت اصلاح ساختار حکمرانی صنعت برق :

الف) وزارت نیرو موظف است با هدف ایجاد استقلال، شفافیت و پاسخگویی در نهاد تنظیم‌گری بخش برق، تا پایان سال اول برنامه آیین نامه هیئت تنظیم بازار برق به عنوان رکن تنظیم‌گری بخش برق را به نحوی اصلاح نماید که اعضای این نهاد به‌صورت افراد حقیقی متشکل از بخش خصوصی و عمومی با پیشنهاد وزیر نیرو و حکم رئیس‌جمهور تعیین گردیده و عزل آن‌ها با تصویب شورای اقتصاد ممکن شود. آیین نامه تنظیم بازار برق توسط وزارت نیرو تدوین و پس از تصویب در هیئت دولت کلیه مصوبات و مذاکرات این رکن در دسترس عموم بوده و مصوبات آن برای کلیه مؤسسات بخش دولتی و خصوصی بخش برق لازم‌الاجرا باشد. هیچ نهاد دیگری حق تصمیم‌گیری در خصوص تعرفه گذاری، قیمت‌گذاری و تغییر مقررات حاکم بر بازارهای عمده‌فروشی و خرده‌فروشی برق را نخواهد داشت.

ب) در راستای کاهش تصدی‌گری دولت در تجارت برق، دولت موظف گردد ساختار حاکم بر صنعت برق را به نحوی اصلاح نماید که در پایان برنامه هفتم، تجارت برق (خریدوفروش برق) اعم از بازارهای بورس انرژی، عمده‌فروشی، خرده‌فروشی (خانگی، صنعتی و تجاری) و صادرات برق از بخش توسعه و نگهداری تأسیسات شبکه انتقال و توزیع برق مستقل شده و شرکت‌های تابعه و وابسته وزارت نیرو اعم از شرکت‌های مادر تخصصی، شرکت‌های تولید و بهره‌برداری برق‌های منطقه‌ای و توزیع نیروی برق به‌جز دریافت تعرفه ترانزیت برق، حق تجارت برق بیش از سقف بیست درصد بازار برق را نداشته باشند. تجارت برق بر عهده مؤسساتی خواهد بود که توسط بخش خصوصی و در چهارچوب ضوابط هیئت تنظیم بازار باشد که این مؤسسات مبتنی بر قواعد بازارهای رقابتی فعالیت می‌نمایند

ج) وزارت نیرو مجاز است در راستای توسعه دیپلماسی انرژی و حضور در بازارهای بین‌المللی، نسبت به ایجاد «بازار صادرات برق با نرخ مبادلات ارزی» اقدام نماید و مجوز تجارت در این بازار را به سرمایه‌گذاران و شرکت‌های تولید برق واجدالشرایط ارائه کند. ارز حاصل از تجارت در بازار صادراتی متعلق به صادرکننده بوده و صادرکننده مجاز است ارز حاصل از آن را مطابق ضوابط بانک مرکزی بهره‌برداری نماید ■



در مباحث اقتصادی و بنا به قوانین و تعاریف حاکم بر این علم «تغییرات نرخ تورم» اصولاً از قانون و ضوابط «عرضه و تقاضا» تبعیت کرده و هرگونه محدودیت در تولید و یا رشد نقدینگی و یا رشد ناگهانی تقاضا باعث افزایش بی‌رویه و بدون منطق و گاهی روانی قیمت‌ها می‌شود. بنابراین منطق، شاید نگاه و بحث در مورد «رشد تولید» بر «مهار تورم» اولویت داشته باشد.



منصور سعیدی؛ عضو هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران

در حوزه آب و برق و انرژی طی سال‌های اخیر به دلیل ناکارآمدی برنامه‌ریزی و بودجه بندی کلان کشور و تحریم‌ها و محدودیت‌های اعمالی از طرف کشورهای بیگانه، بودجه لازم برای سرمایه‌گذاری و توسعه رشد مورد نیاز شبکه آب و برق همچون سایر حوزه‌های مختلف تدوین و مصوب نشده و علیرغم قراردادهای منعقد با سازندگان تجهیزات، یا پیمانکاران و مشاوران در این حوزه، وزارت نیرو قادر به پرداخت مطالبات آنان نشده است. در نهایت محدودیت سرمایه در گردش مورد نیاز تولیدکنندگان، کاهش تولید و یا تعطیلی کارگاه‌های تولیدی و نهایتاً محدودیت «تولید و عرضه» خدمات و تجهیزات این حوزه را به دنبال داشته، به گونه‌ای که به «مهار تولید» و کاهش «عرضه» و به نوعی افزایش تورم در این حوزه منجر شده است. اگرچه در رابطه با افزایش قیمت تمام شده این تجهیزات و خدمات، عوامل بسیار دیگری از جمله تحریم‌ها و کاهش ارزش پول ملی هم موثر بوده است. در واقع به علت سیاست‌های مالی و پولی ناکارآمد قیمت مواد اولیه و ماشین‌آلات و خدمات وارداتی افزایش یافته و در نهایت قیمت تمام شده محصولات و تجهیزات ساخت داخل را نیز بالاتر برده است.

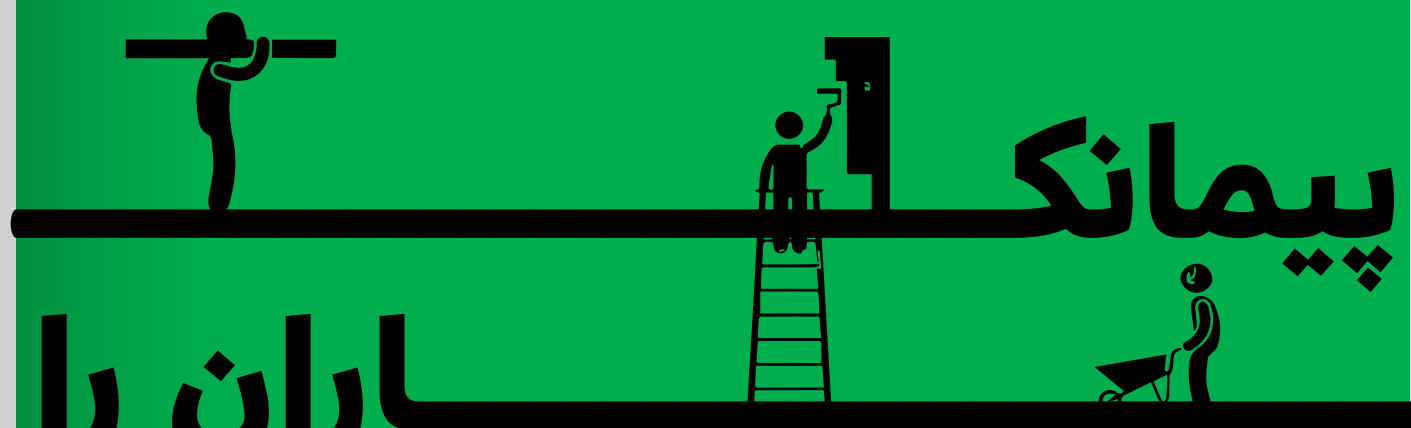
البته از نگاه یک شرکت صادرکننده باید گفت که تورم و به تبع آن، کاهش ارزش پول ملی، به ایجاد مزیت رقابتی قابل توجهی برای صادرکنندگان تجهیزات و خدمات در بازارهای بین‌المللی منجر شده که در صورت رفع موانع و سازوکارهای مالی و پولی داخلی موجود بر سر راه تولید، قابل تحقق است. این امر می‌تواند در افزایش صادرات این محصولات و رشد تولید اثرگذار باشد، هر چند متأسفانه به دلایل سیاسی و شرایط بین‌المللی این مهم برای تولیدکنندگان ایرانی حاصل نشده است.

با توجه به توضیحات مندرج در فوق و با عنایت به مزیت رقابتی ناشی از کاهش ارزش پول ملی، در صورت راهیابی شرکت‌های ایرانی به بازارهای بین‌المللی و همزمان با آن، اصلاح و حذف موانع مالی، بانکی و اجرایی بر سر راه کسب و کار، می‌توان انتظار اثرات مثبت بر رشد تولید و صادرات را داشت، ضمن اینکه در صورت تحقق این اهداف، اثرات غیرمستقیم آن در بهبود وضع اقتصادی کشور هم قابل پیش بینی خواهد بود. البته نمی‌توان این مساله را از نظر دور داشت که

با توجه به میزان ارزیابی تولیدات و خدمات داخلی و تاثیر آن بر قیمت تمام شده محصولات تولیدی، کاهش ارزش پول ملی می‌تواند به کسب مزیت رقابتی برای این محصولات و حضور گسترده‌تر تولیدکنندگان تجهیزات و خدمات در بازارهای بین‌المللی منجر شده و بازگشت و ورود ارز حاصل از این صادرات به کشور و تزریق آن به بازار ارز را محقق کند. هر چند کاهش نرخ ارز و قیمت تمام شده تولیدات، هم قاعدتاً «رشد تولید» داخلی و «مهار تورم» را به دنبال خواهد داشت.

نکته بسیار مهم دیگری که باید مد نظر قرار گیرد این است که بخشی از اقدامات مربوط به اصلاح سیاست‌های مالی، به ساختارهای مالیاتی برمی‌گردد. چرا که برخورداری از یک نظام مالیاتی کارآمد یکی از شاخصه‌های کشورهای توسعه یافته است. زیرا دسترسی به یک بانک اطلاعاتی قوی به مالیات ستانی صحیح می‌انجامد، به طوری که عدالت در مالیات‌گیری لحاظ می‌شود، درآمدهای دولت افزایش می‌یابد و با اخذ مالیات‌های سنگین از فعالیت‌های واسطه‌ای سرمایه‌ها به سمت تولید سوق داده می‌شوند؛ که این سامانه مودیان بتواند با ایجاد یک بانک اطلاعاتی قوی در خصوص اطلاعات مودیان منجر شود و زمینه را برای مالیات‌گیری عادلانه در کشور فراهم کند.

اما مساله اینجاست که بدون در نظر گرفتن این موضوع که نظام اقتصادی یک موجود زنده است و نمی‌شود با اجزای آن مثل یک ماکت بی‌جان برخورد کرد. حال سوال این است که آیا موجود زنده‌ای به نام جامعه اقتصادی ایران با این سامانه تطابق دارد یا صرفاً به این دلیل که دیده شده برخی کشورها این کار را کرده‌اند باید آن را انجام داد؟ در واقع باید پیش از بسترسازی‌هایی نظیر سامانه‌های ایجاد شده در حوزه مالیات و تجارت، باید دید که این ساختارها تا چه در نظام اقتصادی ایران کارآمد هستند. به علاوه سامانه مالیاتی زمانی راه اندازی و اجرایی شد که هیچگونه اطلاع‌رسانی اعم از نحوه راه اندازی یا نوع عملکرد آن انجام نشده است و تا زمانی که این سامانه به نظام بانکی و گمرکات کشور و سایر سازمان‌های مرتبط متصل و تمامی اقشار جامعه اقتصادی از آن استفاده نکنند جز تورم و مشکلات تورمی برای تولید کننده و صادرکننده و.... ندارد ■



پیمانکاران را حمایت کنید

تحقق شعار سال و رونق بخشی به حوزه تولید در کنار مهار تورم افسارگسیخته فعلی، بدون تردید الزامات و ضرورت‌هایی دارد که در گام نخست باید در ابعاد کلان اقتصاد برنامه‌ریزی و پیاده‌سازی شوند. بر این اساس، کنترل نرخ ارز و همچنین ایجاد ثبات اقتصادی در همه حوزه‌ها، مهمترین و کلیدی‌ترین اقدام برای تحقق بخشی به شعاری است که می‌تواند زمینه ساز توسعه کشور باشد.

با این حال به نظر می‌رسد محدودیت‌ها و تحریم‌های گسترده بین‌المللی، بی‌ثباتی حاکم بر فضای اقتصاد کشور و ادامه روند افزایشی نرخ ارز و تورم، تحقق این شعار را با مشکلات جدی مواجه خواهد کرد. «مسعود صادق‌زاده جهرمی»، رئیس شعبه فارس سندیکای صنعت برق ایران و مدیرعامل شرکت نیرو افشان برق پارس، در این گفتگو با تاکید بر لزوم اصلاح ساختارهای کلی اقتصاد کشور، تاکید می‌کند که تحقق شعار رشد تولید در چارچوب صنعت برق کشور بیش از هر چیز مستلزم رفع چالش‌های فعلی به ویژه در حوزه قراردادهای و مطالبات است. او معتقد است پیمانکاران مخصوصاً شرکت‌هایی که در حوزه توزیع فعالیت می‌کنند، عملاً از هیچ حمایت قانونی بهره‌مند نیستند و همین امر ظرفیت‌های گسترده این بخش را تضعیف کرده است. در ادامه حاصل این گفتگو را می‌خوانید:



مسعود صادق‌زاده جهرمی؛ رئیس شعبه فارس سندیکای صنعت برق ایران

محقق شدن شعار سال خصوصاً مهار تورم نیازمند اصلاح شاخص‌های کلیدی در سیاست اقتصادی کشور است، البته قبل از هر چیز ریشه ایجاد تورم باید بررسی و کارشناسی شود. هر چند به نظر می‌رسد ریشه اصلی تورم ارتباط مستقیم با تغییرات نرخ ارز دارد، به طوری که با هرگونه تغییر در نرخ ارز، شاهد افزایش قیمت‌ها و رشد تورم در جامعه هستیم. تا زمانی که نرخ ارز تثبیت نشود شاهد افزایش تورم خواهیم بود و هرگونه خدمات در بخش تولید و پیمانکاری ارتباط مستقیم با نوسانات نرخ ارز دارد به طور مثال در اواخر سال ۱۴۰۱، تورم حاصل از افزایش نرخ ارز باعث ورشکستگی و تضعیف تعدادی از شرکت‌های تولیدی و پیمانکاران فعال در صنعت برق شد. در سال جاری نیز به دلیل عدم تثبیت نرخ ارز اکثر فعالان اقتصادی بلا تکلیف مانده و نمی‌توانند برای آینده خود در حوزه تولید و خدمات مهندسی تصمیم درستی بگیرند، چون به محض انعقاد قرارداد جدید در صورت تغییرات نرخ ارز، دچار چالش و مشکلات جدی خواهند شد.

اکثر قراردادهای منعقد شده بین شرکت‌های تابعه وزارت نیرو با تولیدکنندگان و پیمانکاران صنعت برق به صورت یک طرفه بوده و تابع ضوابط و دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های تعدیل نرخ ارز، تعدیل سازمان برنامه و بودجه و همچنین فهرست بهاء سازمان برنامه و بودجه نمی‌شود تا فعالان اقتصادی این حوزه بتوانند حتی بخشی از ضرر و زیان خود را دریافت کنند.

در شرایط کنونی که کشور درگیر تحریم‌های اقتصادی و سیاسی است، کنترل و تثبیت تورم کار سخت و پیچیده‌ای خواهد بود ضمن اینکه تولیدکنندگان هم نمی‌توانند از تمام ظرفیت خود استفاده کنند، چون در تأمین مواد اولیه مشکل دارند، با محدودیت در بازارهای داخلی مواجهند و در کنار آن امکان صادرات هم ندارند. با توجه به جریان نداشتن گردش ارزی، فعالیت پیمانکاران محدود به پروژه‌های داخلی است که فاقد اعتبار و بودجه مالی هستند، در صادرات خدمات نیز دچار مشکلات عدیده‌ای هستند، از این رو تحقق شعار سال در این حوزه، مستلزم حمایت جدی از فعالان صناعی نظیر برق است.

از دیدگاه شما مهمترین آثار تورم و بی‌ثباتی فضای کسب و کار بر شرکت‌های فعال صنعت برق چه بوده است؟

فعالان اقتصادی همیشه به دنبال رشد و تداوم کسب و کار خود بود و هر سال انتظار سود و پیشرفت منطقی دارند، اما متأسفانه افزایش و جهش غیرقابل پیش‌بینی نرخ ارز در سال گذشته باعث دو برابر شدن قیمت کلیه لوازم و تجهیزات، حمل و نقل، دستمزد اجرای پروژه‌ها و در نهایت متوقف شدن تعدادی از قراردادهای پیمانکاری با شرکت‌های توزیع و برق منطقه‌ای در حوزه توزیع و انتقال نیرو شده و پیمانکاران ضرر سنگینی بعضاً معادل با دو برابر قیمت قرارداد متحمل شدند.

در خصوص برخی قراردادهای نیز کارفرمایان حاضر به خاتمه قراردادهای نشده و اظهارهای متعددی مبنی بر ضبط ضمانت‌نامه‌های حسن انجام تعهدات قرارداد داده‌اند که اجرایی شدن این اظهارها منجر به تضعیف شرکت‌های با سابقه صنعت برق و در نهایت تعطیلی کسب و کار آنها خواهد شد. شرکت‌های

از دیدگاه شما مهمترین الزامات تحقق شعار سال به ویژه در صنعت برق چیست؟

آسیب‌دیده و متضرر نیز برای حفظ سرمایه و سودآوری سرمایه خود را در حوزه دیگری سرمایه‌گذاری خواهند کرد. در این راستا سندیکای صنعت برق ایران با تشکیل جلسات مؤثری با مدیر عامل و اعضای هیات مدیره برخی از شرکت‌های توزیع استان‌ها نسبت به تعیین تکلیف قراردادهای مشکل دار و مساعدت در جلوگیری از ضبط ضمانت‌نامه‌ها اقدامات قابل توجهی انجام داده است.

در کشور ما که دائماً با نوسانات نرخ ارز مواجه هستیم، برای حفظ و پایداری فعالان اقتصادی در حوزه صنعت برق باید با برنامه‌ریزی صحیح و اصلاح مفاد قراردادها و ایجاد زیرساخت مناسب جهت مناقصات از طرف وزارت نیرو و شرکت توانیر اقدام شود که مهمترین آن‌ها ابلاغ قرارداد تیپ به شرکت‌های توزیع نیروی برق و جلوگیری از انعقاد قراردادهای یک طرفه است. قراردادهایی که در حال حاضر بین پیمانکاران و سازندگان با شرکت‌های توزیع مبادله می‌شود، مشمول تعدیل و پیش پرداخت، خسارت تأخیر در پرداخت مطالبات و حتی فهارس بهاء سازمان برنامه و بودجه نیست و شرکت‌ها را دچار خسارات جبران ناپذیری کرده است. متأسفانه به علت نبود قرارداد تیپ و یک طرفه بودن قراردادها از سال گذشته قراردادهای بسیاری ناتمام و متوقف مانده‌اند و مشکلات اساسی برای سازندگان، پیمانکاران و حتی خود کارفرمایان ایجاد کرده‌اند.

یکی دیگر از چالش‌های صنعت برق عدم پرداخت به موقع مطالبات توسط شرکت‌های توزیع و برق منطقه‌ای است که با تأخیرات طولانی که در بعضی مواقع از یکسال هم تجاوز می‌کند، بنیه مالی پیمانکاران را تضعیف کرده است. در شرایط اقتصادی کنونی با تغییرات لحظه‌ای نرخ ارز، ارزش مطالبات نیز به همان نسبت کاهش پیدا می‌کند بنابراین شرکت‌ها به جای پیشرفت، در حال پسرفت و کاهش سرمایه هستند، به همین خاطر پیمانکاران تمایلی به حضور در مناقصات و همکاری با شرکت‌های مذکور نداشته و دائماً شاهد برگزاری مناقصات با تعداد کم و یا بدون حضور پیشنهاد دهنده و یا تجدید هستیم که در اجرای پروژه‌های زیرساختی در آینده تأثیرات منفی در صنعت برق خواهد گذاشت.

هر سیستمی در زمان بدو تأسیس و راه‌اندازی یک سری معایب و مشکلات و مزایایی دارد که سامانه جدید مالیاتی نیز از این مورد مستثنی نیست. این سامانه برای مودیان بخش تولید و خدمات پیمانکاری جدای از محاسن، معایبی هم دارد که اگر مرتفع شوند، قطعاً تأثیرات خوبی در بخش تولید و خدمات خواهند گذاشت. یکی از این معایب عدم آگاهی و اطلاعات کافی کارشناسان مرتبط سازمان امور مالیاتی برخی از استان‌ها از نحوه عملکرد و کار با سیستم مذکور است. ضمن اینکه با توجه به عدم پرداخت مطالبات پیمانکاران و تولیدکنندگان توسط دولت، در زمان صدور صورتحساب امکان گردش مالی به منظور خرید و همزمان ثبت در سیستم وجود ندارد. هرگونه تلاش جهت شفافیت سامانه در جهت ارتقاء سیستم بدون نظم در پرداخت

آیا راه‌اندازی سامانه جدید مالیاتی و سامانه جامع تجارت تأثیری بر رشد تولید داشته و یا به یک گرفتاری جدید برای فعالان صنعتی و اقتصادی تبدیل شده است؟

مطالبات پیمانکاران عملاً منجر به نتیجه مطلوب نمی‌شود.

یکی دیگر از معایبی که به سامانه جدید مالیاتی وارد است این است که در این سامانه، اسناد خزانه اسلامی جهت تسویه حساب تعریف نشده، درحالی‌که تسویه صورت وضعیت‌های ارائه شده به کارفرمایان از طریق اسناد خزانه اسلامی صورت می‌پذیرد و هیچگونه تمهیداتی در آیین نامه ابلاغی دیده نشده است. به علاوه عموم خریدهای پیمانکاران برای پروژه‌ها به صورت اعتباری و با چک مدت‌دار انجام می‌شود لذا محدود کردن پذیرفتن اعتبار ارزش افزوده به نسبت پرداخت‌های انجام شده صورت وضعیت خرید، پیمانکاران را دچار مشکل می‌سازد.

نکته دیگری که نباید از نظر دور داشت این است که در آیین‌نامه اجرایی حدمجاز صدور صورتحساب حداکثر سه برابر دوره مشابه سال قبل تعیین شده و صدور صورتحساب بالاتر از حد مجاز مستلزم پرداخت نقدی، ارائه ضمانت نامه بانکی و یا سند ملکی به سازمان امور مالیاتی جهت افزایش سقف صدور صورتحساب است که این مورد در خصوص کارکرد پیمانکاران جوابگو نبوده، چون درآمد پیمانکاران مستلزم صدور صورت وضعیت کارکرد است که در دوره‌های مختلف بسته به میزان قراردادهای در دست اجرا متفاوت است لذا پیمانکاران انتظار دریافت تسهیلات از اداره امور مالیاتی دارند.

به علاوه از آنجا که صدور صورتحساب الکترونیک و ارائه آن به اداره کل امور مالیاتی چه از طریق شرکت‌های معتمد و چه توسط مودی هزینه‌بر بوده و این امر توسط سازمان به مودیان تحمیل شده است، تمام و یا بخش عمده هزینه خرید نرم افزارهای مورد نیاز و یا عقد قرارداد با شرکت‌های معتمد باید از طریق سازمان پرداخت و یا با تمهیدات دیگری جبران شود.

همچنین علاوه بر اینکه گردش کار و ثبت اطلاعات در سیستم جدید زمان بر است، این سامانه با عدم تعیین تکلیف رعایت استاندارد شماره ۹ حسابداری در شناسایی درآمد و در نتیجه اختلاف درآمدهای شناسایی شده کارفرما و پیمانکار هم مواجه است.

هرگونه تغییرات در نرخ ارز دولتی باعث تغییر نرخ ارز در بازار آزاد خواهد شد. در شرایط کنونی شرکت‌های پیمانکاری به منظور خرید لوازم و تجهیزات مورد نیاز پروژه‌ها بر مبنای قیمت نرخ ارز آزاد از تولیدکنندگان خریداری می‌کنند در صورتی که اگر دولت ارز حواله‌ای به تولیدکنندگان واگذار کند، در قیمت تمام شده محصولات تأثیر زیادی خواهد گذاشت و قیمت آن نسبت به ارز آزاد کمتر خواهد شد. متأسفانه هم شرایط واگذاری ارز دولتی سخت شده و هم اینکه برخی از تولیدکنندگان نیز که موفق به دریافت ارز حواله‌ای می‌شوند، محصولات خود را با ارز آزاد محاسبه و می‌فروشند و خریدار نیز مجبور به خرید خواهد شد. در این حالت بحث مهار تورم به خوبی نمایان و عملاً باعث رشد تورم و افزایش قیمت‌ها خواهد شد بنابراین تنها راهکار مبارزه با چنین تورمی اولاً واگذاری ارز دولتی (حواله‌ای) به تمام تولید کنندگان بوده و ثانیاً نظارت و کنترل بر فروش محصولات کارخانجات بر مبنای قیمت ارز دولتی خواهد بود ■

تغییرات نرخ ارز دولتی و افزایش آن به بیش از ۴۰ هزار تومان، چطور کسب و کارهای صنعت برق را دچار چالش کرده است؟ با وجود این تغییرات، می‌توان انتظار عملکرد موفق‌ی در حوزه مهار تورم از دولت داشت؟



مسعود سعادت‌ی؛ رئیس هیات مدیره شرکت مبنا نیرو

نامگذاری سال ۱۴۰۲ با عنوان مهار تورم و رشد تولید، آسیب‌پذیری اقتصاد نسبت به دو پدیده تورم و رکود را نمایان می‌سازد. متأسفانه تاکنون به‌جای اینکه تلاش مدیریت اقتصادی کشور معطوف به ریشه‌های تورم شود این تلاش متوجه سرکوب قیمت‌ها شده است. آنچه از خبرها مشهود است بیشتر وقت مسئولان به کنترل قیمت‌ها از مواد و اقلام خوراکی و ضروری و قیمت محصولات تولیدی مانند لوازم خانگی و اتومبیل و ... صرف می‌شود که در دراز مدت هیچ ثمری نخواهد داشت به تجربه سرکوب قیمت‌ها اثر موقت دارد و حتما شاهد

انفجار قیمت‌ها در آینده خواهیم بود. در حالی که ریشه اصلی تورم چاپ پول بدون پشتوانه است که با وجود تحریم‌ها و عدم قبول FATF توسط ایران، دسترسی به منابع ارزی حتی در صورت امکان به سختی و با صرف هزینه‌های قابل توجهی همراه است و در نتیجه با عدم دسترسی و یا کمبود منابع دولت برای گذران امور یا باید سیاست‌های انقباضی و کاهش هزینه‌ها را در پیش گیرد که این خود موجب نارضایتی اقشار مختلف در کشور خواهد شد و یا اینکه چاپ پول بدون پشتوانه داشته باشد که آثار تورمی و زیانبار آن گریبان کشور را خواهد

گرفت.

در این شرایط با توجه به زمانبر بودن رفع تحریم‌های اقتصادی و بانکی راهکار کوتاه مدت حذف معافیت مالیاتی نهادها و سازمان‌هایی است که به دلایل مختلف و طبق تصمیمات قدیمی از حسابرسی و پرداخت مالیات معاف هستند از آنجایی که طبق برخی آمارها سهم این نهادها و سازمان‌ها از اقتصاد کشور به قولی بیش از ۶۰ درصد است که با حذف این معافیت، دولت به درآمد قابل توجهی دسترسی پیدا خواهد کرد که می‌تواند برای مدیریت اقتصاد کشور مورد استفاده قرار دهد تا در بلندمدت بشود راهی برای رفع تحریم و پیوستن به نظام بانکی جهانی پیدا کرد. لذا پیگیری توافق و رفع تحریم‌ها با غرب، پیوستن به FATF، حذف معافیت مالیاتی کلیه نهادها و سازمان‌ها از اقداماتی است که می‌تواند مهار تورم در اقتصاد کشور را کلید بزند.

با این حال آنچه که امروز با آن دست به گریبان هستیم، تورم افسارگسیخته ای است که عملاً خسارات آن علاوه بر عموم مردم، فعالیت‌های اقتصادی، نیز دچار مشکل کرده است. در این میان بدون تردید مهم‌ترین خسارت تورم به فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌ها، کوچک کردن این شرکت‌ها و فعالیت‌های آن با قیمت‌های ثابت است. یعنی اگر شرکتی در سال‌های ۹۰-۹۱ دارای گردش مالی حدود ۳۰ میلیون دلار بود، در حال حاضر علیرغم ۱۰ برابر شدن رقم ریالی گردش مالی همان شرکت با قیمت‌های ثابت معادل حدود ۱۰ میلیون دلار خواهد بود. این موضوع نشان می‌دهد توان مالی شرکت برای ادامه فعالیت به‌دلیل تورم کاهش شدید داشته است. بهره‌وری شرکت برای انجام فعالیت کاهش داشته و شرکت نمی‌تواند متناسب با ظرفیت‌های خود فعالیت داشته باشد، به‌طوری‌که طبق برآوردها میزان استفاده از ظرفیت‌ها حدوداً به ۱/۳ تقلیل یافته است. برنامه‌ریزی‌های بلندمدت عملاً کنار گذاشته شده و فعالیت‌ها به کارهای روزمره محدود می‌شود. رضایت و امید به آینده از نیروهای شاغل گرفته و نفرات کلیدی شرکت به تدریج به جایگزین‌های دیگر مثل مهاجرت متمایل می‌شوند.

در حال حاضر پیش‌بینی پذیر نبودن اقتصاد و بی‌ثباتی نرخ‌ها مانع هر گونه برنامه ریزی دراز مدت شده است و به تبع با کاهش شدید سرمایه‌گذاری مواجه هستیم

که طبق برخی برآوردها میزان سرمایه‌گذاری جدید از استهلاک واحدها کمتر شده و این زنگ خطر بزرگی برای آینده صنعت و توسعه کشور است.

به علاوه باید پذیرفت که تا زمانی که بنیان اقتصاد اصلاح نشود و فعالیت‌های سوداگرانه و دلالی جذابیت‌های خود را حفظ کنند، نمی‌شود رشد در تولید را انتظار داشت. چگونه ممکن است با راه‌اندازی سامانه‌های جدید مالیاتی و سامانه جامع تجارت و یا هر کنترل دولتی دیگر که همواره در تمام کشورها راه‌های فرار خود را دارند، انتظار رشد تولید داشت. تنها با رشد اقتصاد و خلق بازارهای جدید می‌توان انتظار رشد در تولید داشت. در حال حاضر با تورم واحدهای تولیدی در اکثر رشته‌ها مواجه هستیم به نحوی که برای بسیاری از محصولات کارخانجات مشتری کافی وجود ندارد یا باید در داخل کشور و با توسعه و رونق اقتصادی بازار جدید برای این تولیدات خلق شود یا با برقراری ارتباط با کشورهای دیگر و پیوستن به FATF و رفع تحریم‌های بانکی امکان توسعه صادرات را فراهم آورد. با ایجاد سامانه‌های جدید مالیاتی و داشتن چندین سامانه برای ارسال اطلاعات به این سامانه‌ها نباید به نحوی عمل شود که ضرب‌المثل آفتابه لگن ... و شام و نهار... مصداق پیدا کند و فقط مشغله جدید برای فعالان اقتصادی ایجاد کرده است.

به نظر می‌رسد پیش از هر چیز باید به دولت نشان داد که بنگاه های اقتصادی با مشکلاتی بسیار گسترده تر مواجهند که یکی از اصلی ترین آنها عدم پیش بینی‌پذیری و بی‌برنامگی در تعیین نرخ ارزی است که در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد طبیعی است هرگونه افزایش لحظه‌ای مشکلات جدیدی را در خصوص تعهدات و قراردادهای جاری و همچنین تأمین نقدینگی مورد نیاز ایجاد می‌کند، در کشوری که از قیمت لبنیات و تخم مرغ و گوشت تا تولیدات صنعتی و حتی ملک با تغییر ارز دستخوش نوسان و افزایش می‌شود این قبیل افزایش قیمت‌ها عاملی است برای شروع موج بعدی تورم و فشار اقتصادی بر بنگاه‌ها و به تبع آن بر نیروهای کار و حقوق بگیران. در حال حاضر تنها سوداگران و برخی صادرکنندگان مواد اولیه مثل محصولات پتروشیمی و معدنی و مواد اولیه معادن و فولاد و مس که از رانت منابع طبیعی و انرژی ارزان و تقریباً مجانی استفاده می‌کنند از چنین تغییراتی منتفع می‌شوند■

الزامات تحقق شعار سال

در مورد الزامات و ضرورت‌های تحقق شعار سال (مهار تورم و رشد تولید)، پیش از هر چیز باید به خاطر داشته باشیم که اگر کارها با شعار درست می‌شد، حال و روزمان این نبود که اکنون هست. چهل سال و اندی شعار داده‌ایم، کدام یک تحقق یافته است؟ مهار تورم و رشد تولید به یک معنا و بدون توجه به مکان و زمان، عصاره و اساس توسعه است و برای پیاده‌سازی این پدیده کلان لازم است اقتصاددانان کاربلد و صاحب‌نظر در ارگان‌هایی مانند سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، وزارت صمت و ... متمرکز شوند و مجمعی مرکب از نمایندگان این ارگان‌ها با اختیارات کامل سیاسی‌گذاری، وارد عمل شده و برنامه عملی و قابل اجرایی تدوین کنند و حاکمیت ملزم به انجام آن باشد. اما آیا با وجود ناکارآمدی‌ها و تنگ‌نظری‌های جدی و مزمن در مدیریت و سیاستگذاری کشور، انجام این کارهای اساسی مقدور است؟ این که اینجانب به خود اجازه داده‌ام در موضوعی به این عظمت، اظهار نظر کنم صرفاً متکی به تجربه زیسته، مشاهدات میدانی و مطالعات عمومی است و از این رو می‌تواند از دقت علمی لازم برخوردار نباشد.



علی فتح‌اله‌زاده؛ رئیس هیات مدیره شرکت تالیران

الف

الف. نسلی که انقلاب کرد، باید به خاطر داشته باشد که درهم ریختگی ناشی از انقلاب و بدتر از آن جنگ، چگونه موجب بی‌ثباتی و افزایش مداوم قیمت‌ها و کندی رشد اقتصادی شد و برعکس قبولی قطعه‌نامه ۵۹۸، یک شبه قیمت‌ها را به نصف رساند و برقراری صلح، رشد اقتصادی دوران سازندگی را به ارمغان آورد. تجربه مشابهی را یک بار دیگر در برجام داشتیم. هم اکنون هم می‌بینیم که چگونه یک حرف منفی مسئولین رده بالا در ارتباط با روابط بین‌الملل و مسئله هسته‌ای موجب گران‌تر شدن نرخ ارز و در نتیجه افزایش قیمت کالاها شده و اظهار نظر مثبت آنان برای بهبود مناسبات جهانی و حل مساله هسته‌ای، به نتیجه معکوس منجر می‌شود.

می‌خواهم نتیجه بگیرم که اولین گام مهم و در دسترس و قابل اجرا، آن است که بدون لحظه‌ای فوت وقت، به منظور حفظ منافع ملی و اقتصادی کشور با دنیا آشتی کنیم و در این مسیر از تجربه سایر کشورهای در حال توسعه مانند ویتنام بهره بگیریم. طبق نوشته روزنامه دنیای اقتصاد شماره ۷ خرداد ۱۴۰۲، در سال ۲۰۲۱ ویتنام ۹۹.۶ میلیارد دلار به آمریکا صادرات داشته و واردات آن در همان سال فقط ۱۱ میلیارد دلار بوده است. بر این اساس بیش از ۳۰ درصد صادرات ویتنام به آمریکا محصولات صنعتی بوده و پوشاک و مبلمان و کفش در جایگاه‌های بعدی قرار داشته‌اند.

لرد پالمرشتون نخست وزیر انگلستان در اوایل نیمه دوم قرن نوزده، حرف معروف و بجایی زده است: «این یک سیاست تنگ‌نظرانه است که فرض کنیم این یا آن کشور به عنوان متحد ابدی یا دشمن همیشگی انگلستان مشخص می‌شود. ما هیچ متحد ابدی و هیچ دشمن همیشگی نداریم. منافع ما ابدی و همیشگی است و وظیفه ماست که دنبال آن منافع باشیم.»، اما ما درست برخلاف این حرف جا افتاده در روابط بین‌الملل، رابطه با بسیاری از کشورهای توسعه یافته را به قیمت فقر مردم و نابودی اقتصاد، به تابو تبدیل کرده‌ایم.

ب

ب. اقدام دیگر برای مهار تورم و رشد تولید، شفافیت است. شفافیت از طریق کاهش فساد و رانت‌خواری، به کاهش قیمت تمام شده کالاها و پروژه‌ها منجر شده و موجب سودآورتر شدن تولید و در نتیجه رشد آن می‌شود. شفافیت همچنین با تقویت دلبستگی ملی، عملاً در خدمت توسعه قرار می‌گیرد. اما در حال حاضر عمده سیاست‌های ضدفساد، نقض غرض هستند. شعار مبارزه با فساد داده می‌شود، ولی نتایج قابل لمسی از آنها به دست نمی‌آید.

ج

ج. گام دیگر، داشتن بانک مرکزی مستقل و برگماری رؤسای مجرب، تحصیل کرده و با عزت نفس در رأس آن است تا مانع چاپ پول بی‌پشتوانه از سوی حاکمیت و دست درازی دولت‌ها به خزانه مملکت و دامن زدن به تورم و بی‌ثباتی اقتصادی شود و بتواند از اهرم بهره بانکی به نفع رونق تولید و کاهش تورم استفاده کند.

د

د. اقدام دیگر، فراهم کردن بسترهای لازم برای جلوگیری از فرار مغزهاست. آمارها حاکی از مهاجرت سالانه حدود ۱۸۰ هزار نخبه از کشور است. کارشناسان، این حد از مهاجرت را معادل وارد آمدن سالانه ۵۰ میلیارد دلار زیان به کشور ارزیابی می‌کنند. گذشته از این زیان، مهار تورم و رشد تولید در خلأ انجام نمی‌شود. آدم‌های دلسوز، میهن‌پرست و متخصص باید آن را محقق کنند. اما وقتی اغلب تحصیل کردگان و نخبگان به فکر مهاجرت هستند، حتی به فرض عدم موفقیت در خروج از کشور، دلشان اینجا نیست و دستشان به کار جدی نمی‌رود و از این رهگذر چیزی که لطمه می‌بیند تولید و سازندگی است. هم اکنون داد همه کارآفرینان از نبود نیروهای لایق و کاربلد بلند شده است. در زمینه بهداشت و درمان نیز ناقوس‌های خطر کمبود پزشک متخصص در رشته‌های حساس به صدا در آمده است.

ه

ه. گام دیگر برای مهار تورم و رشد تولید، بسترسازی در وهله اول برای جلوگیری از خروج سرمایه از کشور و در وهله دوم جذب سرمایه ایرانیان مقیم خارج و نیز خود خارجیان است، اما در عمل چه اتفاق می‌افتد؟ آقای مسعود خوانساری رئیس اتاق بازرگانی تهران روز دوشنبه ۱۲ دی ۱۴۰۱ گفت «خروج سرمایه از ایران به ۱۰ میلیارد دلار در سال رسیده، اما به نظر می‌رسد که فرار سرمایه از این رقم نیز بیشتر باشد». روزنامه اطلاعات در شماره ۲۸ آذر ۱۴۰۱ خود نوشت «۷۰ میلیارد دلار سرمایه ایرانی در یک و نیم سال اخیر به کانادا رفته است» اگرچه بانک مرکزی خبر را تکذیب

کرد، ولی به هرحال مساله خروج سرمایه ناشی از مهاجرت هموطنانمان مطلقاً غیرقابل انکار است. نگاهی به آمار خانه‌هایی که توسط ایرانی‌ها سالیانه در ترکیه، قبرس، امارات، اسپانیا، و ... خریداری می‌شود، عمق فاجعه را نشان خواهد داد. طبیعی است در شرایط خروج سرمایه با این شدت، رغبتی برای ورود سرمایه هم وجود نخواهد داشت.

۹. اقدام دیگر در ارتباط با مهار تورم و رشد تولید، ایجاد فضای رقابت سالم و غیررانتی در داخل از یک سو و هموار شدن راه صادرات از سوی دیگر است. در فضای سالم برای رقابت، شرکت‌ها خواهند کوشید محصولات و خدمات خود را با قیمت کمتر و کیفیت بهتر و روی آوردن به ابتکار و نوآوری عرضه کنند. وقتی این اتفاق بیفتد، کالای «ساخت ایران» در مقابل کالاهای خارجی از اعتبار لازم برخوردار شده و مصرف‌کننده ایرانی با رغبت و اعتماد بیشتری آن را تهیه خواهد کرد. اما واقعیت امر چگونه است؟ انحصارات دولتی و خصوصی که مساله هزینه فایده محلی از اعراب برایشان ندارد، یکه‌تاز میدان شده و کمر بخش خصوصی را به ویژه در زمینه اجرا شکسته‌اند. پیمانکارانی که به ویژه با فعال شدن پروژه‌های پارس جنوبی در سال‌های ۷۶ تا ۸۴ رشد کردند و به لحاظ توان اجرایی قابل مقایسه با شرکت‌های مشابه بین‌المللی شدند، هم اکنون کاسه چه کنم بدست گرفته‌اند. این‌ها دست کمی از همگنان خود در ترکیه نداشتند، اما به دلیل تحریم‌ها و روابط بین‌المللی نامناسب، راه صادرات خدمات مهندسی نیز- البته با استثنائاتی- به رویشان بسته شده است. صادرات می‌توانست مفری برای تولید نیز تلقی شود، ولی در این شرایط با هر کسی در خارج مذاکره می‌کنیم به دیوار بلند تحریم‌ها و موانع بانکی اشاره می‌کنند و عملاً کوشش‌ها سترون می‌مانند.

۱۰. ز. موارد کلان دیگری مانند اصلاح سیستم حکمرانی، دگرگونی اساسی در سیستم آموزش و پرورش و آموزش عالی در جهت برانگیختن خلاقیت و کنجکاوی علمی دانش‌آموزان و دانشجویان و خلاق و تولید محور کردن آموزش دانشگاهی، دگرگونی در سیستم بهداشت عمومی به منظور دسترسی آسان و ارزان همگان به بهداشت و درمان، تعمیق رفاه اجتماعی، و ... همگی در خدمت توسعه کشور و رشد تولید خواهد بود. ولی برای اجتناب از اطاله کلام، وارد جزئیات آنها نمی‌شویم. در ادامه، اشاره‌ای گذرا به چند نکته دیگر کرده، مطلب را خاتمه می‌دهم.

تورم و رکود

۱. تورم و رکود: روزگاری رونالد ریگان چهلمین رئیس جمهور آمریکا تورم را این چنین توصیف کرده بود: «به خشنی یک کیف قاپ، به ترسناکی یک دزد مسلح و به کشندگی یک قاتل». این دزد مسلح، دستش در جیب همه اهالی است. تولیدکننده - حتی آن‌هایی که مشمول قیمت‌گذاری دولتی نیستند- قدرت خرید سرمایه‌اش روز به روز آب می‌رود و انبارش به تدریج خالی و خالی‌تر می‌شود. مشمولین قیمت‌گذاری که کلاهشان پس معرکه است. قیمت‌های دستوری، اغلب نفس‌زنان و هن هن کنان، به کندی تمام پشت سر تورم حرکت می‌کنند. پیمانکاران از زور تورم در به در به دنبال خلع ید با استناد به ماده ۴۸ هستند. تعدیل‌های نامتناسب و نابه‌هنگام هم کارساز نیست. کارکنان و کارگران دخل و خرجشان با هم هم‌خوانی ندارد و این موضوع خواه ناخواه آنان را بی‌انگیزه می‌کند و دود این بی‌انگیزگی دامنگیر تولید شده و موجب کاهش بهره‌وری، افزایش قیمت تمام شده، و رکود بیشتر می‌شود.

۲. ثبات اقتصادی: بهترین شرایط برای تولیدکننده ثبات است، نعمتی که در طول سالیان دراز اغلب از آن محروم بوده‌ایم. تغییرات ناگهانی نرخ ارز و ضوابط و مقررات قانونی صدمات جبران‌ناپذیری به بنگاه‌های اقتصادی وارد کرده و می‌کند. حتی در قراردادهای ارزی، به ظاهر بالا رفتن نرخ ارز به نفع تولیدکننده جلوه می‌کند ولی این چنین نیست. با بالا رفتن نرخ

ثبات اقتصادی

طرح‌های توسعه

ارز، در ظاهر ریال بیشتری نصیب تولیدکننده می‌شود، اما با همین ریال متورم، او قادر نیست به میزان قبل، مواد اولیه تهیه کند. حال، موارد نه چندان کمی هم داشته‌ایم که در اثنای اجرای قرارداد، نرخ ارز سقوط کرده و ریال کمتری دریافت کرده‌ایم. از آن طرف، تأمین‌کنندگان مواد اولیه ما، کالاهای خود را حتی با شایعه افزایش نرخ ارز گران می‌کنند، اما با کاهش واقعی نرخ ارز، نسبت به تعدیل قیمت اجناس‌شان مقاومت به خرج می‌دهند.

۳. طرح‌های توسعه: یکی از عوامل و علائم رشد تولید، پیاده‌سازی طرح‌های توسعه است. اما در چنین شرایطی کارآفرینان یا فاقد امکانات لازم برای این کار هستند و یا جرأتش را ندارند. اگر هم کسی به این کار مبادرت ورزد حتماً «عاشق» است و عاشقی بی ارتباط با دیوانگی نیست.

۴. سامانه مالیاتی: در سال‌های اخیر سامانه های متعددی از سوی دولت راه‌اندازی شده است. سامانه مالیاتی یکی از آنهاست. این سامانه‌ها کار ما تولیدکنندگان را چند برابر کرده‌اند. اغلب هم کند و فاقد کارایی هستند و از پشتیبانی درست و مؤثر برخوردار نیستند. به عنوان مثال، اخذ شناسه یکتا، مسیری ناهموار و پر از گیر و گور است. برای صدور فاکتور، باید یک بار در نرم افزار مالی شرکت فاکتور زده شود و بار دیگر در سامانه مودیان بارگذاری شود. در خرید و فروش فصلی نیز دوباره همین کارها تکرار می‌شود. پس از صدور فاکتور، یک هفته مهلت داده شده تا فاکتور در سامانه بارگذاری شود و در صورت عدم انجام این کار در مهلت مقرر، شرکت مشمول جریمه خواهد شد. این مهلت کم است و در مقطعی به دلیل مشکلات سامانه و یا مشغله شرکت، بارگذاری بموقع انجام نمی‌شود. قبل از اخذ شناسه یکتا امکان بارگذاری در سامانه وجود ندارد. این درحالی است که لازم است فاکتور کارهای قابل تحویل، به منظور تسویه حساب با خریدار یا کارفرما، بدون معطلی صادر شود. این هم دوباره کاری دیگری بر دوش تولیدکننده گذاشته است. پس از گرفتن شناسه تمام این کارها دوباره باید انجام و فاکتورهای قبلاً صادر شده ابطال شود. از طرف دیگر، دیوار ما تولیدکنندگان شرکتی کوتاه است. باید ببینیم در ارتباط با بازار چه خواهند کرد. آیا مانند مالیات بر ارزش افزوده سیاست یک بام و دو هوا اینجا هم اجرا خواهد شد؟ در آن صورت تکلیف ما که ناچاریم بخشی از نیازمندی‌های خود را از فروشندگان غیرشرکتی بخریم چه خواهد بود؟

سامانه جامع تجارت

۵. سامانه جامع تجارت: یکی دیگر از سامانه‌ها سامانه جامع تجارت است. برای ما تولیدکنندگان سفارش محور، که هیچ کدام از سفارش‌هایمان مانند سفارش قبلی نیست و در هر سفارش هزاران قطعه به کار می‌رود که امکان تفکیک آن به صورت واحد به واحد و حتی پروژه به پروژه وجود ندارد، کار با سامانه جامع تجارت در حد انتظارات طراحان آن، به هیچ وجه مقدور نیست. اقلام عمومی مورد مصرف در پروژه‌ها مانند انواع سیم و کابل، انواع لوازم عمومی تابلویی همچون کانال، نوار فرم، سرسیم، شماره سیم و صدها قطعه دیگر، و نیز سربارهای متنوع تولیدی، فقط در پایان سال و پس از بستن دفاتر و به طریقه تسهیم محاسبه می‌شود و اگر خواسته باشیم واحد به واحد و پروژه به پروژه این تفکیک‌ها را انجام دهیم، باید اداره‌ای راه‌اندازی کنیم که ممکن است تعداد پرسنل آن از کل کارکنان تولید بیشتر شود ■

پیام نگارنده: این مطلب ابتدا در قالب مصاحبه و پرسش و پاسخ تنظیم شده بود. اما بعد، نشریه تصمیم گرفت ضمن حذف مصلحت‌اندیشانه برخی موارد،

آن را به شکل مقاله عرضه کند. سکنه‌های احتمالی و عدم انسجام موجود ناشی از این موضوع است

گره کار تولیدکنندگان کجاست؟



مهار تورم و افزایش تولید، یک شعار متعالی برای همه اقتصادهای در حال توسعه است. بدون تردید عملیاتی شدن چنین شعاری تحت پوشش برنامه‌های راهبردی، استراتژیک، جامع و منسجم می‌تواند شاهراه رونق بخشی به تولید و توسعه اقتصادی هر کشوری باشد. اما به نظر می‌رسد تحقق این شعار در بطن اقتصاد پرنوسان و فضای بی‌ثبات کسب و کار ایران، بسیار دشوار و حتی گاهی دست نیافتنی است. «لاله زمانی»، رئیس هیات مدیره شرکت تابان نیرو شیراز هم معتقد است اگر چه ضربه‌نگ تولید می‌تواند تحت تاثیر برخی از عوامل مانند تورم کاهش یابد اما در نهایت آنچه بخش تولید را دچار صدمات جبران ناپذیر می‌کند، شوک‌ها و بی‌ثباتی اقتصادی است که در جهش‌های چندباره ارزی، افزایش نرخ بهره بانکی و گران شدن نرخ تامین سرمایه، افزایش عوارض گمرکی و تغییر قوانین و مقررات مرتبط با واردات مواد اولیه و یا تغییر خلق الساعه دستورالعمل‌های ارزی، نمود پیدا کرده است. حاصل این گفتگو را ذیلا می‌خوانید:



لاله زمانی؛ رئیس هیات مدیره شرکت تابان نیرو شیراز

به نظر می‌رسد موثرترین اقدام برای تحقق شعار سال این است که دولت اجازه دهد بخش خصوصی کار خودش را انجام دهد. تغییر قوانین و دستورالعمل‌ها در دوره‌های زمانی کوتاه مدت، یکی از عواملی است که به طور مستمر تولید را دچار شوک‌های منفی می‌کند. در واقع دولت علاوه بر مداخله در قیمت‌گذاری، در واردات مواد اولیه و صادرات محصولات نهایی صنعتگران هم دخالت می‌کند، به همین دلیل عدم مداخله مستقیم دولت در این حوزه، می‌تواند بهترین و موثرترین راهبرد در رشد تولید باشد.

آنچه که ماندگاری یک شرکت را در فضای اقتصادی کشور تضمین می‌کند، تولید و عرضه کالای باکیفیت و با قیمت رقابتی است. به بیان ساده وقتی چرخ درآمد و هزینه یک بنگاه اقتصادی به درستی بچرخد، نیروی انسانی خود را حفظ کند و سرمایه در گردش مجموعه تامین شود، امکان حفظ آن در فضای کسب و کار فراهم می‌شود و این امر در صورت عدم دخالت دولت و تنها با انکای بخش خصوصی به ظرفیت‌های خودش امکان پذیر است.

باور من این است که تولیدکنندگان بخش خصوصی می‌توانند خودشان را با شرایط وفق دهند و جریان تولید را در فضای پرنوسان کسب و کار حفظ کنند. البته در این میان استفاده از ابزارهای قانونی و قراردادی نظیر تعدیل، بخشنامه‌های ارزی و نیز فهارس بها هم می‌تواند تا حدی زبان ناشی از نوسانات قیمت نهاده‌های تولید را پوشش داده و به شرکت‌های سازنده و

با توجه به اینکه سال ۱۴۰۲ با عنوان مهار تورم و رشد تولید نامگذاری شده، از دیدگاه شما راهکارها و مصادیق تحقق این شعار چیست؟

تولیدکننده کمک کند. اما ضروری است که هر کدام از این ابزارهای قانونی هم به شکل منعطف و دقیق، پیاده‌سازی شده و از اجرای سلیقه‌ای آن‌ها جلوگیری شود. نکته بسیار مهم دیگر این است که در شرایطی که بخش خصوصی می‌کوشد بقای خود را در فضای کنونی اقتصاد کشور حفظ کند، تغییرات ناگهانی در سیاست‌های کلانی نظیر نرخ بهره‌های بانکی، قیمت انرژی، ثبت سفارش، عوارض گمرکی و حتی قوانین واردات و صادرات می‌تواند یک شوک مخرب و ویران‌کننده به بنگاه اقتصادی وارد کرده و تلاش‌هایش را بی‌ثمر کند. در چنین فضایی تمام تمرکز تولیدکننده بر فعالیت‌های روزمره‌ای مانند تامین مواد اولیه و یا تعامل با سازمان‌های دولتی مرتبط است و اساسا زمانی برای ارتقاء تولیداتش ندارد. بر این اساس باید گفت که تحقق شعار سال بدون تغییر رویکردهای دولت در اخذ تصمیمات خلق الساعه، ابلاغ قوانین و آیین‌نامه‌ها بدون بررسی ابعاد کلان و فرابخشی آن و همچنین فقدان رویکردهای کلان منطبق بر تولید امکان‌پذیر نیست. از این رو باز هم تاکید می‌کنم که مهمترین اقدامی که برای تحقق شعار رشد تولید می‌توان انجام داد، جلوگیری از سنگ‌اندازی‌های مداوم در مقابل تولیدکنندگان است. دولت باید بپذیرد که بخش خصوصی می‌داند که چگونه خود را با شرایط کلان اقتصاد کشور تطبیق داده و ظرفیت‌هایش را به هر نحوی حفظ کند، بنابراین فقط کافی است دولت با مداخلات متعدد در همه حوزه‌های مرتبط با تولید، برای صنعتگران محدودیت‌های جدید ایجاد نکند و اجازه دهد که آن‌ها کارشان را در چارچوب قوانین و بر اساس معادلات عقلایی و منطقی اقتصادی پیش ببرند.

تورم، مساله امروز و دیروز صنعتگران نیست و به نظر می‌رسد حتی افزایش نرخ ارز هم تا اندازه‌ای برای فعالان اقتصادی قابل‌پیش‌بینی بوده است. با این حال نوع قانونگذاری، سیاست‌های کلان ابلاغ شده از سوی دولت و همچنین فقدان مکانیزم‌های حمایت‌گرانه از تولیدکنندگان، عملا امکان مدیریت هزینه‌ها و پیامدهای ناشی از تورم و جهش‌های ارزی را از فعالان اقتصادی سلب می‌کند.

اگرچه به طور معمول تولیدکنندگان و سازندگان تلاش می‌کنند از طریق ایجاد حداکثر انعطاف‌پذیری در ساختارهای مالی، نیروی انسانی و مدیریت، به نحوی بنگاه‌های خود را با افزایش قیمت‌ها و یا جهش ارزی منطبق کنند، اما تحت فشار چنین شرایطی، قطعا فرصتی برای توسعه فعالیت‌هایشان نخواهند داشت. اینکه مدل سیاست‌گذاری کشور بیشتر از آنکه به نفع تولیدکنندگان باشد، منافع واردکنندگان را تامین می‌کند هم به این مساله دامن زده است. همه این عوامل در کنار هم، هر مسیری را برای توسعه بازار محصولاتمان به بن بست می‌رساند. در واقع مهمترین اقدام ما برای توسعه، ایجاد و خلق بازارهای جدید به ویژه بازارهای صادراتی است، اما به دلیل نوع سیاست‌گذاری‌های انجام شده، شرکت‌ها یا امکان ورود به بازارهای جدید را ندارند و یا برای این امر باید کاملا دست به عصا و محتاط عمل کنند.

ما هم مانند بسیاری از سازندگان صنعت برق در طول سال‌های اخیر تلاش کردیم علیرغم مشکلات متعدد فضای کسب و کار این صنعت، با طراحی و تولید یک محصول جدید متکی بر خلاقیت و ایده‌های نوین، زمینه را برای توسعه فعالیت‌های تابان نیرو فراهم کنیم. تولید بار اول این محصول دانش محور، بر اساس یک نقشه راه مشخص و با افزایش سطح انعطاف‌پذیری مجموعه در مقابل نوسانات اقتصادی صورت گرفت، با این حال هنوز هم برخی از سیاست‌های دولت به ویژه در حوزه واردات مواد اولیه، تامین ارز و تامین سرمایه، موانعی

جدی پیش روی شرکت قرار می‌دهد که گاهی رفع آن‌ها بسیار دشوار یا حتی ناممکن است. باور من این است که تورم به تنهایی نمی‌تواند مانع توسعه یک تولیدکننده باشد، چرا که افزایش هزینه‌های تولید به دلیل تورم، اگرچه مجموعه را محتاط‌تر کرده و ضربه‌نگ رشدش را کند می‌کند، اما در نهایت پیامدهای آن با انعطاف‌پذیری شرکت، قابل جبران خواهد بود. عاملی که به توقف تولید و یا ایجاد خسارات جبران‌ناپذیر برای بنگاه‌های اقتصادی منجر می‌شود، شوک‌های اقتصادی به ویژه در قیمت نهاده‌های تولید پس از این شوک‌هاست. جهش‌های چندباره ارزی، افزایش نرخ بهره بانکی و گران شدن نرخ تامین سرمایه، افزایش عوارض گمرکی و تغییر قوانین و مقررات مرتبط با واردات مواد اولیه و یا تغییر خلق الساعه دستورالعمل‌های ارزی است. دوام و توسعه تولید، زیر سایه سنگین این دست از تغییرات بسیار دشوار بوده و خسارات آن جبران‌ناپذیر است.

آیا راه اندازی سامانه جدید مالیاتی و سامانه جامع تجارت تاثیری بر رشد تولید خواهند داشت؟ آیا استفاده از این سامانه‌ها گرفتاری‌هایی برای کسب و کار شما ایجاد کرده است؟

ایجاد بسترهایی نظیر سامانه جامع تجارت و یا سامانه مالیاتی ما را به سمت قانونمند شدن سوق می‌دهد، بنابراین به نظر می‌رسد فعالان اقتصادی مشکلی با آن ندارند. مهم این است که ما از این قانونمند شدن چه بهره‌ای خواهیم برد. به بیان ساده‌تر این قانونمندی باید به ایجاد یک سیستم اقتصادی شفاف و پاسخگو منجر شده و زمینه را جهت ایجاد شرایط برابر برای همه تولیدکنندگان و همچنین شکل دهی به رقابت سالم در بازارها فراهم کند. اما در نهایت می‌بینیم که دولت تصور روشنی از نتایج و کارآمدی این سامانه‌ها ندارد و حتی گاهی کارشناسان دولتی به درستی نمی‌دانند که چطور با آن‌ها کار کنند.

به عنوان مثال وقتی محاسبه مالیات به شکل اصولی انجام نشود، ایجاد سامانه‌های جدید، دردی از تولیدکننده دوا نمی‌کند. سازمان امور مالیاتی، افزایش درآمد شرکت‌ها را بدون در نظر گرفتن رشد پرشتاب هزینه‌های تولید در نظر می‌گیرد و بر اساس آن مالیات تعیین می‌کند. با توجه به این موضوع، ایجاد سامانه مالیاتی، اگرچه به کارها نظم می‌دهد، اما بدون تغییر رویکرد دولت در سیاست‌های مالیاتی و محاسبه اصولی آن، کمکی به بهبود شرایط تولید نخواهد کرد.

آنچه که امروز مشهود است این است که دولت بدون در نظر گرفتن شرایط کلان اقتصادی کشور، فقط به دنبال اخذ مالیات بیشتر است، آن هم در شرایطی که تولیدکنندگان به شکل مستمر برای حفظ بقای خود مبارزه می‌کنند. ما در کنار این سامانه‌ها به یک ساختار هوشمند، منعطف و کارآمد برای محاسبه مالیات تولیدکنندگان کالا و خدمات هستیم، به نحوی که مالیات روند رشد تولید آن‌ها را کند نکند.

شاید در نگاهی کلی‌تر بتوان گفت که ما برای رشد تولید بیش از هر چیز باید رویکرد دولت را نسبت به تولید تغییر دهیم. در شرایط فعلی عمده دستگاه‌ها و سیستم‌های دولتی به دنبال نوعی مچ‌گیری از بخش خصوصی هستند و به جای هموار کردن راه، با آیین نامه‌ها و قوانین جدید، دست‌اندا‌زهای بیشتری در مسیرش ایجاد می‌کنند.

با وجود همه این مشکلات، فکر می‌کنم حرکت اقتصادی ایران به سمت مدرن شدن از راه اندازی همین سامانه‌ها آغاز می‌شود و در نهایت با تغییر سمت و سوی سیاست‌های دولت به نفع تولید و در راستای منافع ملی، شکلی اثربخش و کارآمد خواهد یافت. نکته مهم و کلیدی این است که هدف دولت از راه‌اندازی این سامانه‌ها روشن شده و مشخص شود که آیا این اقدام، منافع دولت و تولیدکننده را در کنار هم تامین می‌کند، یا صرفا برای افزایش مداخلات و سنگ‌اندازی‌ها ایجاد شده است؟

فراموش نکنید که یکی از مشکلات اصلی تولیدکنندگان تحریم‌ها و هزینه‌ها و محدودیت‌های ناشی از آن است. در واقع محدودیت‌های جدی در مبادلات مالی و بانکی، علاوه بر اینکه هزینه‌های بسیاری را به شرکت‌ها تحمیل کرده، عملا ریسک‌های تازه‌ای هم برایشان ایجاد کرده است. چرا که ما برای هر مبادله مالی، ناگزیریم به افراد یا موسسات واسطه‌ای اطمینان کنیم که اطلاعات چندانی درباره آن‌ها نداریم و به طور معمول هزینه‌های پروژه را افزایش می‌دهند. سوال این است که این سامانه‌ها تا چه حد به حل مشکلات متعدد ما در حوزه مختلف کمک کرده و روند کار ما را تسهیل می‌کنند؟

همه سازندگان تجهیزات بر اساس یک روتین مشخص کار می‌کنند که از ثبت سفارش مواد اولیه تا تولید و تحویل سفارش به مشتریان را شامل می‌شود. طی مدتی که ما به شکل مستمر با جهش‌های ارزی و دشواری در تامین ارز مواجه بودیم، نه تنها اعتماد تامین‌کنندگان خارجی مواد اولیه خود را از دست داده‌ایم، بلکه اعتبارمان نزد مشتریان در بازارهای داخلی و صادراتی خدشه‌دار شد. چرا که روند کار تولید از همان ابتدای تخصیص ارز و تامین مواد اولیه تا انجام تعهدات قراردادی و تحویل محصول به دلیل بی‌سامانی بازار ارز دچار مساله شده است.

دولت باید این مساله را ببپذیرد که بسیاری از مشکلاتی که امروز سازندگان با آن مواجه هستند، کاملاً خارج از کنترل آن‌هاست و آن‌ها بدون امکان مدیریت این مسائل، صرفاً پیامدها و زبان‌های ناشی از آن را متحمل می‌شوند. به عنوان مثال تا پیش از این صنایع مادر صادرکننده مانند فولاد، پتروشیمی و مس مکلف بودند ارز حاصل از صادرات خود را بر اساس نرخ دولتی مصوب به سیستم بانکی تزریق کنند، به این ترتیب سازندگان برای تامین ارز مورد نیاز جهت خرید مواد اولیه با چالش جدی مواجه نبودند. اما از سال گذشته این امکان برای صادرکنندگان بزرگ فراهم شد که ارز خود را در بازار ثانویه عرضه کنند، همین امر باعث شد که ارز صادراتی به چرخه تولید صنعتی برگردد. مشخص است که یک شرکت ترجیح می‌دهد ارز صادراتی‌اش را به بهای بالاتری و در بازار ثانویه بفروشد و همین مساله تامین ارز را برای ما به یک چالش جدید جدی مواجه کرده است.

در واقع اصرار دولت برای مداخله در همه حوزه‌های صنعتی و اقتصادی، به تدریج حجم اقتصاد کشور را کوچکتر کرده و سهم آن را در مبادلات جهانی کاهش داده و قطعاً ادامه این مسیر ما را به جایی می‌رساند که هیچ امکان توسعه‌ای نخواهیم داشت.

در نهایت باید بپذیریم که در اقتصاد بسته کنونی ایران که امکان ورود پول به آن وجود ندارد و دولت در همه مناسبات اقتصادی آن مداخله می‌کند، هر راه حلی، موثر واقع نمی‌شود. ما پیش از هر چیز باید به دنبال باز شدن فضای اقتصاد کشور از مسیر دیپلماسی سیاسی و اقتصادی باشیم. اصلی‌ترین راه حمایت از تولیدکنندگان، ایجاد و تسهیل زمینه مبادله و تجارت است. البته بخش خصوصی هم باید مهيای رقابت با شرکت‌های خارجی باشد، چون اقتصاد آزاد با ممنوعیت‌های متعدد وارداتی همخوانی ندارد، بنابراین دولت و بخش خصوصی و در راس آن تشکلهای اقتصادی باید در بستر تعامل و همفکری به دنبال راهکارهای اجرایی جهت توانمندسازی تولیدکنندگان و سازندگان داخلی بوده و قدرت رقابت آن‌ها را افزایش دهند. همچنین می‌توان راهبردهایی را برای صیانت از تولید داخلی پیاده‌سازی کرد که امتیاز تولید داخل به شرکت‌های ایرانی در مناقصات داخلی، واگذاری پروژه به شرکت‌های خارجی به شرط همکاری با سازندگان و تولیدکنندگان ایرانی و تسهیل تامین سرمایه برای شرکت‌ها تنها بخشی از آنهاست ■

آیا تغییرات نرخ ارز دولتی و افزایش آن به بیش از ۴۰ هزار تومان چالشی برای بنگاه اقتصادی و کسب و کار شما ایجاد کرده است؟ آیا این تغییرات را می‌توان مصداق مهار تورم نامید؟



در سی سال گذشته میانگین نرخ تورم بیش از ۲۶ درصد و میانگین رشد اقتصادی حدود ۶/۱ درصد بوده، در صورتی که میانگین رشد اقتصادی دنیا بیش از ۵/۳ درصد بوده است. ایران علیرغم دسترسی به ۷ درصد منابع طبیعی دنیا، داشتن یک درصد جمعیت و یک درصد سرزمین‌های دنیا، نتوانسته سهم قابل قبولی در اقتصاد جهان داشته باشد. در این مدت در بعضی سال‌ها رشد اقتصادی به دلیل گشایش‌های ایجاد شده با کشورهای دیگر، بهبود می‌یافت و وضعیت کشور مطلوب‌تر می‌شد، ولی هیچگاه این مطلوبیت به قدر کافی نبوده است.

عدم توفیق ما در دستیابی به یک شرایط مطلوب در اقتصاد بیش از هر چیز ناشی از چهار دلیل عمده است که به نظر می‌رسد اراده‌ای برای حل آن نیست، چرا که منافع عده‌ای در استمرار شرایط موجود و عدم حل این مسائل نهفته است.

مشکل اول این است که هر ساله دولت لایحه بودجه را به مجلس می‌دهد و مجلس آن را با تغییراتی تصویب می‌کند، جالب اینجاست که دولت هرساله کسری بودجه دارد و برای جبران آن پایه پولی را زیاد کرده یا به عبارتی پول بدون پشتوانه چاپ می‌کند که همین امر منجر به افزایش نرخ تورم می‌شود. از این رو به جرات می‌توان مساله افزایش تورم را کاملا درون‌زا دانست که ارتباط چندانی به سیاست دولت‌های مختلف ندارد و عمدتاً ناشی از رویکردهای حکمرانی کشور است.

مشکل دوم از عدم عرضه به موقع کالاهایی ناشی می‌شود که توسط تولیدکنندگان انحصارگر و در بازارهای انحصاری عرضه می‌شوند که از آن جمله می‌توان به بازار مسکن، خودرو و ... اشاره کرد. وجود چنین صنایعی، نظم عرضه و تقاضا را بهم می‌زند و باعث بالا رفتن تقاضا و افزایش قیمت می‌شود. قاعدتاً در بطن این روند قیمت سایر کالاها هم افزایش می‌یابد و عامل دیگری برای دامن زدن به تورم ایجاد می‌شود. از طرفی به این دلیل که دولت در بسیاری از صنایع زیرساختی خریدار کالا و خدمات صنایع پایین دستی است، گرانی این کالاها و خدمات، توازن بین منابع مالی و هزینه‌های پروژه‌ها را از بین می‌برد و این کسری بودجه نهادینه در نهایت دوباره دولت را ناگزیر به خلق پول می‌کند. علیرغم اینکه این مشکل، عاملی برون‌زا محسوب می‌شود، اما به این دلیل که دولت یا به بیان بهتر حاکمیت، از حیطه اصلی وظایف خود که سیاستگذاری است، خارج شده و با بخش خصوصی رقابت می‌کند، قاعدتاً قدرت کنترل این عامل را نیز ندارد.

سوم چهارم

مشکل سوم ناشی از نابسامانی‌های بازار ارز است. در شرایطی که به دلیل عدم اطمینان سرمایه‌گذاران به بازارهای داخلی، ارز بدون وارد کردن کالا از کشور خارج می‌شود باز هم زمینه‌ای برای افزایش تورم فراهم می‌شود که کنترل آن بسیار دشوار به نظر می‌رسد. نکته اینجاست که خروج سرمایه‌ها از کشور به دلیل فضای پرریسک کسب و کار هم یکی از پیامدهای جدی رویکردهای حاکمیت در حوزه اقتصاد است که در طول فعالیت عمده دولت‌ها به شکل مستمر دنبال شده است. این در حالیست که اگر اطمینان کافی در حوزه اقتصاد و کسب و کار کشور ایجاد می‌شد، این معادله معکوس شده و قطعاً می‌توانستیم شاهد ورود سرمایه‌های ایرانیان خارج از کشور و شرکت‌های خارجی هم باشیم.

چهارمین مشکل، افزایش هزینه و قیمت واردات کالاهاست که قاعدتاً به تورم دامن می‌زند. به دلیل افزایش نرخ ارز و همچنین شدت گرفتن سطح تحریم‌ها در طول سال‌های اخیر، به وفور شاهد بروز این مساله و چند برابر شدن قیمت کالاهای وارداتی بوده‌ایم که قطعاً تورم و به تبع آن هزینه‌های تولید را به شدت افزایش می‌دهد.

پیش از پرداختن به راهکارهای برون رفت از این شرایط باید به خاطر داشته باشیم که ایران هم مانند بسیاری از کشورهای دنیا با توقعات اقتصادی و اجتماعی مختلفی مواجه است، ضمن اینکه نیازهای ملت ایران هم با نیازهای تمام دنیا از جمله پوشاک، مسکن، بهداشت، آموزش، امنیت، سلامت، تفریح و هزاران نیاز انسانی دیگر، مشابه است؛ لذا نسخه‌ای که برای بهبود شرایط اقتصادی کشور پیچیده می‌شود، بایستی شبیه سایر ملل باشد و صرفاً تغییراتی متناسب با شرایط فرهنگی، جغرافیایی، مذهبی و ... را در خود جای دهد.

از این رو باید پذیرفت که حکمرانی اقتصادی در هیچ کشوری نمی‌تواند به دنبال یک راهکار منحصر به فرد، آن هم خلاف قواعد اقتصادی موجود، برای بهبود شرایط باشد. ما برای عبور از وضعیت کنونی و رونق بخشی به اقتصاد کشور، پیش از هر اقدامی باید قانون بودجه کشورهایی را که کارنامه موفقیت در تحقق بودجه‌های سالیانه خود داشته‌اند، بررسی کرده و از روش‌های آن‌ها الگوبرداری کنیم. پس از آن بر اساس این الگو می‌توانیم سطح بهره‌وری تمام ردیف‌های بودجه را به صورت کمی و کیفی افزایش دهیم. به علاوه باید آن بخش از ردیف‌ها که با معیارهای جهانی سازگار نیست، حذف شود.

در یک قانون بودجه توانمند، قطعاً سهم بودجه‌های عمرانی بیش از بخش‌های جاری است و تحقق این بودجه‌ها، به شکلی دومینووار به ایجاد شکوفایی در سایر بخش‌های اقتصاد منجر خواهد شد. رشد اقتصادی و کاهش تورم در بستر اجرایی شدن چنین قانون بودجه‌ای، تحقق‌پذیر خواهد بود. راهبرد بسیار مهم دیگری که برای دستیابی به رشد اقتصادی باید اجرایی شود، کنار رفتن حاکمیت از نقش تصدی‌گری اقتصاد و واگذاری این حوزه به بخش خصوصی است. اگر همه نهادهای حاکمیتی، وظیفه خود را به عنوان سیاست‌گذار به درستی ایفا کرده و بر اجرای قوانین، فعالیت بخش خصوصی و روند کار در حوزه‌های متعدد، نظارتی کارساز داشته باشند، قطعاً می‌توان به ایجاد یک فضای کم‌ریسک و مساعد در کسب و کار کشور امیدوار بود.

نرخ بهره و یا نرخ تورم از قواعد روشن اقتصاد کلان تبعیت می‌کنند و با اجبار نمی‌توان آن‌ها را کنترل یا مدیریت کرد. از این رو ضروری است که دولت طی یک فرآیند چند ساله، همه نهادهای اقتصادی دولتی، خصولتی را از تصدی‌گری اقتصاد حذف کرده و امور را بدون اعمال قیمت‌گذاری‌ها و سیاستگذاری‌های دستوری به بخش خصوصی بسپارد. در این صورت می‌توان رشد اقتصادی ۱۰ درصدی را هم برای کشور متصور بود. در چنین فضایی، بخش خصوصی هم می‌تواند به جای اتلاف انرژی برای چانه‌زنی جهت احقاق حقوقش در تمام سطوح و سازمان‌ها، بر تحقیق، توسعه، پیشرفت و صادرات متمرکز شود. ضمن اینکه در این صورت امنیت اقتصادی و اطمینان سرمایه‌گذاری هم در سطح فضای کسب و کار خلق شده و دولت و بخش خصوصی می‌توانند ماموریت‌ها و وظایف تخصصی خود را به بهترین نحو انجام دهند ■

با حضور رئیس‌جمهور و وزیر نیرو صورت گرفت؛

افتتاح خط انتقال برق ۲۲۰ کیلوولت ایران به گوادر پاکستان



📶 SUNIR 📶 SUNIR 📶 SUNIR 📶 SUNIR 📶 SUNIR 📶 SUNIR 📶 SUNIR 📶 SUNIR 📶 SUNIR

به گزارش روابط عمومی شرکت صنایع، همزمان با نخستین روز از سفر هیات دولت در مراسمی با حضور دکتر ابراهیم رئیسی، دکتر علی اکبر محرابیان و دکتر منصور سعیدی مدیرعامل شرکت صنایع و همچنین مقامات پاکستانی شهbaz شریف نخست‌وزیر، خرم دستگیر خان وزیر انرژی و مدیرعامل شرکت NTDC خط انتقال برق ۲۲۰ کیلوولت ایران به گوادر پاکستان ۲۸ اردیبهشت ماه افتتاح شد.

با توجه به نیاز مبرم کشور پاکستان جهت تامین برق مناطق مختلف از مرز ایران تا شهر گوادر، به این منظور الحاقیه بخش اول پروژه احداث خط انتقال ۲۲۰ کیلوولت به طول ۲۹ کیلومتر و پست گوادر در تاریخ ۳۱ خردادماه سال ۱۴۰۱ در شرکت صنایع با حضور نمایندگان وزارت انرژی پاکستان و شرکت NTDC و CPPA امضا شد. به دلیل اهمیت بسیار بالا و ملی بودن این پروژه، شرکت صنایع با جدیت تمام فعالیت‌های اجرایی را آغاز کرد و به‌رغم مشکلاتی از قبیل ناامنی در سایت و جاری شدن سیلاب‌های متعدد در منطقه، اجرای

کامل پروژه به طول ۳۰ کیلومتر خط انتقال دو مداره باندل و همچنین اتصال دکل موجود در ایران به دکل شماره یک خط انتقال گوادر پاکستان انجام پذیرفت. در نهایت با همت شرکت صنایع این خط انتقال پس از ۵ ماه فعالیت اجرایی شبانه‌روزی، در تاریخ دوم اسفندماه سال ۱۴۰۱ با سطح ولتاژ ۱۳۲ کیلوولت (با ظرفیت سطح ولتاژ ۲۲۰ کیلوولت) با حضور نمایندگان وزارت نیرو، شرکت توانیر و شرکت صنایع برق‌دار شد.

امید است با موافقت دو دولت جمهوری اسلامی ایران و پاکستان، فعالیت‌های اجرایی بخش دوم پروژه که شامل ۴۵ کیلومتر خط انتقال و پست GIS است به زودی آغاز شود تا صادرات برق از ایران به پاکستان از این خط از طریق دو مدار و با حداکثر ظرفیت به صورت کامل انجام شود. همچنین امید می‌رود با احداث خطوط انتقال جدید و توسعه شبکه برق داخلی پاکستان در آینده، برق تولیدی مازاد در پاکستان جهت ورود به شبکه ایران یا ترانزیت به کشورهای همسایه از مسیر خطوط انتقال صادر شود ■

تربیت آزاد بیون



ترب

۱. با توجه به اینکه سال ۱۴۰۲ با عنوان مهار تورم و رشد تولید نامگذاری شده، از دیدگاه جنابعالی راهکارها و مصادیق تحقق این شعار چیست؟

۲. آثار ناشی از تورم در کسب و کار شرکت شما چه بوده است؟ آیا با تداوم شرایط فعلی برنامه‌ای برای توسعه دارید یا خیر؟ چرا؟



قراردادهای مدت‌دار در دام عدم پرداخت مطالبات

■ اصلی‌ترین عامل ایجاد تورم در اقتصاد کمبود کالا نسبت به نقدینگی و درخواست بازار است که بخشی از آن به علت تحریم‌های ظالمانه علیه ایران و بخشی به علت مشکلات واردات و انتقال ارز است که امیدواریم تیم اقتصادی دولت سیزدهم در راستای حل مشکل واردات و تأمین و انتقال ارز، مساعی لازم را انجام دهد و همچنین با تخصیص وام با نرخ بهره پایین به تولیدکنندگان برای تأمین سرمایه در گردش و پرداخت به موقع مطالبات سازندگان بخشی از هزینه‌های فوق جبران شده و سبب کاهش قیمت کالا شود.

■ افزایش تورم موجب افزایش قیمت مواد اولیه و سایر هزینه‌های تولید و در نهایت منجر به افزایش قیمت تمام شده محصولات خواهد شد. همچنین با توجه به طولانی بودن پروسه مناقصه خرید، تولید و تحویل افزایش تورم سبب می‌شود در زمان تحویل کالا و دریافت وجه، پول دریافت شده حتی کفاف خرید مواد اولیه کالای تحویل شده را نداده و سبب خسارت و از بین رفتن توان مالی شرکت شود. عدم پرداخت مطالبات سازندگان، این مشکل را تشدید می‌کند. در صورت ماندگار شدن تورم‌های بالا و عدم پرداخت مطالبات تولیدکنندگان اکثر شرکت‌ها با مشکلات کمبود نقدینگی و زیان در قراردادهای مدت‌دار خواهند شد و امکان عقد قرارداد بلند مدت از آن‌ها سلب شده و توان تولیدی خود را از دست خواهند داد.

■ به نظر می‌رسد تاکنون راه اندازی سامانه جدید مالیاتی و جامع تجارت آن چنان تأثیر بسزایی در رشد تولید نداشته علیرغم اینکه بستر انتقال اطلاعات (کدینگ کالاها) فراهم شده، ولی دارای مشکلات بسیاری است که حل آن دشوار بوده و سبب تحمیل کار و هزینه اضافی بر شرکت‌ها می‌شود.

■ افزایش نرخ ارز دولتی موجب افزایش قیمت مواد اولیه و تورم زا بوده و قیمت تمام شده محصول را افزایش می‌دهد. تجربه افزایش قیمت ارز در چند دهه گذشته، ناموفق بودن این سیاست را ثابت کرده است. همچنین تاخیر در تأمین ارز دولتی چالش مهم دیگری است که از انجام به موقع تعهدات تولیدکنندگان جلوگیری می‌کند.



کنترل ناپذیری قیمت مواد اولیه در سایه افزایش نرخ ارز

۳. آیا راه‌اندازی سامانه جدید مالیاتی و سامانه جامع تجارت تأثیری بر رشد تولید خواهند داشت؟ آیا استفاده از این سامانه‌ها گرفتاری‌هایی برای کسب و کار شما ایجاد کرده است؟

محمدحسین جنتی مدیرعامل شرکت پارس تابلو صنعت

■ به نظر می‌رسد پیش از ارائه راهکار در مورد تحقق شعار مهار تورم و رشد تولید، می‌بایست علل ایجاد تورم و موانع تولید را بیابیم تا با رفع آن‌ها شعار سال ۱۴۰۲ تحقق یابد.

در کشور ما دو نوع تورم وجود دارد؛ یکی تورم مداوم و مستمر و دیگری تورم مقطعی؛ منشأ اصلی تورم مداوم، رشد نقدینگی است که در اثر کسری بودجه دولت و الزام سیستم بانکی به پرداخت معادل ریالی درآمدهای ارزی حاصل از صادرات به حساب دولت ایجاد شده است. کسری بودجه به استقراض دولت از بانک مرکزی منجر می‌شود و پرداخت ریالی نیز افزایش پایه پولی و نهایتاً هر دو رشد نقدینگی و متعاقب آن تورم را در پی خواهند داشت. البته در کنار این دو عامل راه‌اندازی بانک‌های متعدد خصوصی نیز قطعا بر رشد نقدینگی تأثیر داشته است. تورم مقطعی نیز حاصل افزایش نرخ ارز و همچنین عدم امکان تأمین ارز به دلیل تحریم‌های بین‌المللی است؛ لذا راهکار اصلی در قضیه مهار تورم اتخاذ سیاست‌های جدید و نظم بخشیدن به سیستم مالی در دولت است. البته اقداماتی مانند ادغام برخی بانک‌ها در یکدیگر و جایگزینی برخی ارزها به جای دلار در معاملات منطقه‌ای نیز صورت گرفته که می‌تواند در مهار تورم موثر باشد.

موانع زیادی از قبیل قانون مالیات‌های مستقیم، سخت‌گیری در صدور مجوز راه‌اندازی کسب و کار و گرایش مردم به واسطه‌گری به جای فعالیت مولد اقتصادی و تولید، سر راه تولید وجود دارد که با رفع آن‌ها می‌توان به رشد تولید امید داشت لذا شتابدهی و تسهیل در صدور مجوزهای لازم جهت راه‌اندازی کسب و کار، بهبود فضای کسب و کار و جذابیت بخشیدن به کارآفرینی، ترویج فرهنگ تولید به جای دلالی و همچنین استفاده از ظرفیت مجموعه‌های دانش بنیان به عنوان شتابدهنده تولید منجر به رشد تولید ملی خواهد شد.

■ بدیهی است که هیچ کسب و کاری از آثار تورم مصون نمی‌ماند و در تابلوسازی برق نیز بدین گونه است. به‌طوری‌که مواد اولیه ساخت تابلو شامل ورق آهن، مس، سیم و تجهیزات الکتریکی با افزایش نرخ ارز، افزایش قیمت داشته‌اند و طبیعی است در چنین شرایطی اگر قراردادها ریالی باشند،

تریبون آزاد	
۳. آیا راه‌اندازی سامانه جدید مالیاتی و سامانه جامع تجارت تأثیری بر رشد تولید خواهند داشت؟ آیا استفاده از این سامانه‌ها گرفتاری‌هایی برای کسب و کار شما ایجاد کرده است؟	۴. آیا تغییرات نرخ ارز دولتی و افزایش آن به بیش از ۴۰ هزار تومان چالشی برای بنگاه اقتصادی و کسب و کار جنابعالی ایجاد کرده است؟ آیا این تغییرات را می‌توان مصداق مهار تورم نامید؟

تریبون آزاد	
۱. با توجه به اینکه سال ۱۴۰۲ با عنوان مهار تورم و رشد تولید نامگذاری شده، از دیدگاه جنابعالی راهکارها و مصادیق تحقق این شعار چیست؟	۲. آثار ناشی از تورم در کسب و کار شرکت شما چه بوده است؟ آیا با تداوم شرایط فعلی برنامه‌ای برای توسعه دارید یا خیر؟ چرا؟

زبان هنگفتی تحمیل خواهد شد. البته با توجه به اینکه قیمت فروش همه تامین‌کنندگان تجهیزات الکتریکی در داخل به عنوان مثال تامین‌کنندگان رله‌های حفاظتی بصورت ارزی و با نرخ تسعیر ارز آزاد انجام می‌گیرد، حتی اگر قراردادهای فروش تابلو نیز به‌صورت ارزی و به نرخ ارز دولتی باشند، باز هم متضرر خواهیم شد. لازم به‌ذکر است تعدیل‌های پیش‌بینی شده توسط سازمان برنامه و بودجه نیز به گونه‌ای است که کفاف جبران ضرر و زیان ناشی از تورم را نمی‌کند. در مجموعه ما برنامه سال ۱۴۰۲ با محوریت توسعه در ابعاد مختلف تدوین و مصوب شده و در صورت تداوم شرایط فعلی، سعی خواهد شد با توجه به اقتضای شرایط و به منظور جلوگیری از هدررفت سرمایه برخی مولفه‌ها در اولویت اجرا قرار گیرند.

■ قطعا هدف از راه‌اندازی این سامانه‌ها علاوه بر شفافیت مالی و تجاری، تسریع و تسهیل فرایندهای آن نیز بوده است، ولی در حال حاضر به دلیل کامل نبودن زیرساخت و بستر لازم این دو سامانه، عملیات کاری شرکت‌ها با کندی مواجه شده است بعنوان مثال بسیاری از تامین‌کنندگان آگاهی دقیقی از سامانه جدید مالیاتی و درج اطلاعات در آن ندارند.

در سامانه جامع تجارت نیز مواردی همچون طولانی بودن ثبت سفارش، (یک مورد ثبت سفارش ۴۵ روز طول کشید) خطاهای متعدد در سامانه و طولانی بودن پروسه تمدید کارت بازرگانی عملا منجر به کند شدن فرآیندهای داخلی شرکت‌ها شده است.

■ همانگونه که قبلا نیز عرض کردم برخی از قراردادهای ما ارزی و با نرخ تسعیر دولتی منعقد شده‌اند و به‌دلیل فاصله زیاد این نرخ با ارز آزاد متاسفانه ضررو زیان زیادی به ما تحمیل شده است. با افزایش قیمت ارز دولتی و کاهش فاصله آن با ارز آزاد، از بخشی از ضرر و زیان قراردادهایی که با این ارز منعقد شده‌اند، کاسته می‌شود. این اقدام، اقدامی مثبت است، هر چند به نظر می رسد هنوز هم برای حمایت دولت از تولیدکنندگان کافی نیست و نمی‌توان آن را مصداق مهار تورم دانست.

حامد گرشاسبی

مدیرعامل شرکت رهشاد الکتریک

پارادوکس نرخ ارز دولتی و مهار تورم

■ مهار تورم و رشد تولید نیازمند اقدام عملی و نتیجه‌گراست. امروز در کشور شاهد تصمیماتی هستیم که نه تنها اقدامی عملی در این راستا محسوب نمی‌شود، بلکه می‌تواند عامل کاهش تولید و افزایش تورم هم باشد. رخدادهایی همچون افزایش نرخ ارز دولتی، رکود اقتصادی، کاهش روابط دیپلماتیک، کاهش قدرت ریال، کاهش عرضه مواد اولیه پایه در بورس و بازارهای تامین مواد اولیه، افزایش تنش با کشورهای منطقه و دنیا، کاهش حجم پروژه‌های عمرانی در کشور، کاهش حجم مناقصات و استعلام‌های زنجیره تامین صنعت برق و اقدامات بسیار دیگری که همگی مصادیق معکوس در تحقق شعار سال هستند.

به نظر می‌رسد راهکارهایی همچون موارد زیر بتوانند به تحقق این شعار کمک کند:

- تخصیص ارز فوری به تولید (چهل و هشت ساعت زمان کافی برای احراز شرایط متقاضی کافی است)
- حذف سپرده ربالی برای واردات مواد اولیه
- تامین مواد اولیه اساسی مانند فلزات رنگین، کالاهای پتروشیمی‌ها و حامل‌های انرژی به کفایت لازم
- تعامل و دوستی با کشورهای دنیا و ممکن‌سازی ترانکش‌های بانکی همانند دولت‌های گذشته
- تخصیص منابع مالی از طریق بانک‌های دولتی به زنجیره تامین صنعت برق جهت ایجاد رونق در این صنعت پیشران
- تسهیل صادرات خدمات و کالاهای صنعت برق ایران به کشورهای منطقه در قدم اول و صادرات جها نی

■ افزایش لجام گسیخته تورم باعث رکود در بازار شده است. رشد بی‌سابقه نقدینگی و چاپ پول نیز موجب گرانی و کاهش قدرت خرید مردم شده است اما طرح‌های توسعه‌ای، جزیی لاینفک از برنامه‌های شرکت است. ما همواره به دنبال توسعه سبد محصولات رهشاد هستیم و در این سال‌ها هیچ گاه تورم را عامل توقف توسعه ندانسته‌ایم.

■ شفافیت همواره قابل ستایش است. به اعتقاد صاحب‌نظران حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات اگر سامانه درست طراحی و بسترسازی شده باشد، می‌تواند گرفتاری‌های مالیاتی شرکت‌ها را سامان دهد. اما اگر در بستر اجرا مانند بسیاری دیگر از سامانه‌های کشور، دچار اختلال، عدم معماری اطلاعات درست و در نهایت زیرساخت نامتناسب با حجم داده باشد، قطعا علاوه بر این که کمکی نخواهد کرد، باری به دوش ما خواهد شد.

■ نرخ ارز دولتی که حاصل عملکرد اقتصادی نباشد و به شکل دستوری بخواهد عمل کند، هیچ‌گاه نمی‌تواند مصداق مهار تورم باشد. چشمه‌ای را که داخل آن آب بریزیم، چشمه نیست. یک مدت می‌جوشد و دوباره خشک می‌شود و شما می‌بایست داخل آن را پر کنید. چشمه خودش می‌جوشد. نرخ ارز حاصل محاسبات اقتصادی است. از ناترازی واردات و صادرات کشور محاسبه می‌شود و پارامترهای ملی و بین‌المللی در آن اثرگذار خواهند بود. مگر می‌شود نرخ ارز دولتی را چهل و دو هزار ریال، دویست و هشتاد هزار ریال و یا چهارصد هزارریال تعیین کرد. اگر مسیر درست بود، همان نرخ ارز جهانگیری کار می‌کرد.

برای اینکه موضوع شفاف‌تر شود، یک مثال آشنا از عملکرد مدیریت اقتصادی دنیا در خصوص نرخ نفت می‌آورم. نرخ نفت و به تبع آن نرخ بنزین در کشورهای اقتصاد محور به صورت شناور است و حاصل پارامترهای متعدد سیاسی، اقتصادی و علمی است. فرض کنید نرخ نفت را برای مدت ثابتی بشکه‌ای هفتاد دلار دستوری در دنیا ثابت کنند! ظرف بیست و چهار ساعت بعد از این اتفاق چنان رانت، فساد، روابط بی ضابطه و هرج و مرج در دنیای اقتصاد جهانی پیش می‌آید که جبران آن مدت‌ها طول می‌کشد. این درحالیست که در کشور ما مدت‌هاست یکی از پارامترهای اساسی اقتصاد نفتی کشور، یعنی نرخ ارز دولتی دستوری است. می‌دوایم روزی خرد، آگاهی، دانش و حکمت در اندیشه تصمیم‌گیران ما جاری شود...

۱. با توجه به اینکه سال ۱۴۰۲ با عنوان مهار تورم و رشد تولید نامگذاری شده، از دیدگاه جنابعالی راهکارها و مصادیق تحقق این شعار چیست؟

۲. آثار ناشی از تورم در کسب و کار شرکت شما چه بوده است؟ آیا با تداوم شرایط فعلی برنامه‌ای برای توسعه دارید یا خیر؟ چرا؟



بهنام دهیان ضرورت سخت‌گیری در اجرای سیاست‌های حمایت از ساخت داخل

معاون سیستم‌ها و منابع انسانی شرکت مکو

■ از جمله مصادیق و راهکارها در راستای تحقق این شعار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- هدایت سرمایه‌ها به مسیر تولید که تحقق این مهم به خودی خود منجر به مهار تورم، رفع مشکل بیکاری، افزایش صادرات و بهبود سایر شاخص‌های اقتصادی می‌شود.
- ایجاد قوانین و الزامات سخت‌گیرانه در راستای عینیت بخشیدن به سیاست‌های حمایت از ساخت داخل به طوری که از واردات محصولات خارجی که دارای مشابه ساخت داخل هستند، جلوگیری شود.
- طراحی سیاست‌ها و ابزارهایی که دو بخش صنعت و دانشگاه را به یکدیگر نزدیک کند. تحقق این امر از یک طرف قابلیت تحقیق و توسعه و کسب فناوری در شرکت‌ها را بالا می‌برد و از طرف دیگر دانشگاه‌ها را تشویق به برطرف کردن نیاز صنعت می‌کند.
- سیاست‌گذاری و اجرای قوانین در راستای حمایت از شرکت‌ها و موسسات دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها در راستای ترویج و توسعه اکوسیستم نوآوری
- کاهش حداکثری کسری بودجه دولت
- از بین بردن عوامل روانی تورم‌زا و انتظارات تورمی در بازار

■ تورم منجر به افزایش قیمت اقلام و مواد اولیه و به تبع افزایش هزینه‌های تولید شده است. افزایش هزینه‌های تولید نیز منجر به افزایش قیمت کالا و خدمات و بهای تمام شده گردیده است که هم نارضایتی مشتری و هم کاهش سودآوری سازمان را در پی داشته است.

از جمله برنامه‌هایی که شرکت مکو در راستای تاب‌آوری در شرایط فعلی برنامه‌ریزی کرده است می‌توان به یکپارچه‌سازی و ساخت داخل بسیاری از زیرسیستم‌های استراتژیک و حیاتی کشور در حوزه سیستم‌های برق و کنترل نیروگاهی، توسعه کسب و کارهای نوین و ورود به حوزه‌های جدید که منطبق بر تکنولوژی روز دنیا و نیازهای تمامی ذی‌نفعان است از جمله برق‌سازی وسائط نقلیه سواری و سنگین) و زیرساخت شبکه شارژ، هوشمندسازی و دیجیتال‌سازی جامعه و زیرساخت‌های صنعتی با ارائه محصولات IOT&IIOT اشاره کرد.

■ سامانه جامع تجارت که در واقع یک مکانیزم تسهیل‌کننده برای انجام امور بازرگانی است، باعث کاهش هزینه‌ها و زمان صرف شده برای تمامی مراحل صادرات و واردات شده است. به علاوه باعث بهبود

۳. آیا راه‌اندازی سامانه جدید مالیاتی و سامانه جامع تجارت تأثیری بر رشد تولید خواهند داشت؟ آیا استفاده از این سامانه‌ها گرفتاری‌هایی برای کسب و کار شما ایجاد کرده است؟

۴. آیا تغییرات نرخ ارز دولتی و افزایش آن به بیش از ۴۰ هزار تومان چالشی برای بنگاه اقتصادی و کسب و کار جنابعالی ایجاد کرده است؟ آیا این تغییرات را می‌توان مصداق مهار تورم نامید؟

فرآیند تصویب و صدور مجوزها، کاهش تعداد مدارک کاغذی، افزایش شفافیت و کاهش فساد در خدمات دولتی مرتبط با صادرات و واردات شده است. استفاده از این سامانه نه تنها برای کسب و کارهای مکو گرفتاری ایجاد نکرده، بلکه فواید و مزیت‌های زیادی داشته است که به نمونه‌هایی از آن اشاره شد.

تسهیل در ثبت سفارشات، کاهش مراجعات حضوری به گمرک و سایر سازمان‌های مرتبط، حذف فرآیندهای بیهوده و غیرکاربردی به همراه اسناد بیهوده از فرآیند انجام امور، ایجاد دسترسی به سامانه‌های بین‌المللی و توسعه بازاریابی بین‌المللی، تخصیص کارآمد منابع، رونق و شفافیت اقتصادی برای کشور، جلوگیری از احتکار کالا و نظارت بر زنجیره صادرات و واردات کشور از جمله سایز مزایای راه‌اندازی سامانه جدید مالیاتی و سامانه جامع تجارت است.

وقتی در یک نظام معیوب مالیاتی افراد بتوانند از پرداخت مالیات طفره ببروند، صاحبان سرمایه تشویق به سرمایه‌گذاری در کارهای واسطه‌ای، سودآور و مخرب می‌شوند؛ اما وقتی با جهت‌گیری‌های درست مالیاتی به سمت دریافت مالیات از سرمایه‌های راکد گام برداریم و از بخش‌های تولیدی مالیات کمتری دریافت کنیم، افزایش تولید و اشتغال را در کشور شاهد خواهیم بود.

یک گام موثر که در این خصوص توسط دولت برداشته شده است، ایجاد سامانه مالیاتی است. اما با توجه به نو و جدید بودن این سامانه و اینکه شرکت مکو به تازگی اقدام به استفاده از این سامانه کرده است به صورت شفاف و روشن مزایا یا معایب آن برای سازمان مشخص نیست و لازم است نظرات قطعی پس از حداقل یک دوره استفاده بیان شود.

■ بله، نرخ ارز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصاد کلان و اصلی‌ترین مفصل ارتباطی اقتصادی بین دولت‌ها، ضمن تبیین ظرفیت‌های اقتصادی جوامع، بیانگر میزان رقابت‌پذیری هر کشور در عرصه بین‌المللی و تجارت خارجی است. نوسانات نرخ ارز تأثیرات گسترده‌ای را بر بخش داخلی و خارجی اقتصادها اعمال می‌کند، چون از یکسو بر تراز تجاری به‌واسطه تأثیر بر صادرات و واردات و از سوی دیگر بر تولید و اشتغال به سبب اثرگذاری وسیع بر قدرت رقابت‌پذیری داخلی و همچنین تورم داخلی نقش‌آفرین است. از این‌رو مدیریت بازار ارز یکی از الزامات کلیدی هر اقتصادی به‌شمار می‌رود.

با افزایش نرخ ارز، قیمت مواد اولیه و تجهیزات وارداتی افزایش یافته است، در نتیجه هزینه‌ها برای شرکت مکو و کسب‌وکارهای مربوطه افزایش یافته است. این تغییرات نمی‌تواند به تنهایی مصداق مهار تورم باشد، زیرا عوامل دیگری نیز در ایجاد تورم نقش مهمی دارند، مانند افزایش نرخ سود بانکی، افزایش هزینه‌های تولید، افزایش نقدینگی و چاپ پول، افزایش انتظارات تورمی و ... که ضروری است برای رفع آنها چاره اندیشی شود.

۱. با توجه به اینکه سال ۱۴۰۲ با عنوان مهار تورم و رشد تولید نامگذاری شده، از دیدگاه جنابعالی راهکارها و مصادیق تحقق این شعار چیست؟

۲. آثار ناشی از تورم در کسب و کار شرکت شما چه بوده است؟ آیا با تداوم شرایط فعلی برنامه‌ای برای توسعه دارید یا خیر؟ چرا؟



فقدان تعدیل و پروژه‌های زیان‌ده!

■ تورم در ایران نتیجه دو عامل کسری بودجه و ناترازی در بانک‌هاست. کسری بودجه که ناشی از به روز نشدن قیمت حامل‌های انرژی و کاهش درآمدهای نفتی در اثر تحریم است، وجود ناترازی در بانک‌ها نیز باعث شده تامین مالی با قیمت بالا انجام شود در نتیجه در یک بازه زمانی حجم پول و نقدینگی افزایش پیدا کرده و باعث تورم می‌شود. از این رو مهار تورم از دو مسیر قابل اجراست، اول اینکه با توافقات سیاسی فروش نفت به حالت عادی برگردد که حداقل در کوتاه مدت درآمدهای نفتی را به دو برابر میزان فعلی افزایش خواهد داد، دوم اینکه بانک‌های ناتراز از جذب سپرده با قیمت بالا منع شوند و یا مجوز آن‌ها باطل شود. صورت مساله شاید ساده به نظر برسد، اما تورم در ایران به این صورت کنترل خواهد شد.

■ طبیعتاً تورم در صنعت باعث افزایش قیمت نهاده‌های تولید و هزینه انجام کارهای تولیدی و پیمانکاری می‌شود. این مساله زمانی برای صنعت بحرانی می‌شود که قیمت‌ها به صورت دستوری توسط دولت کنترل شود. این مساله کسب و کار صنایع از جمله صنعت برق را از صرفه اقتصادی خارج می‌کند. قیمت‌گذاری دستوری برق در سطح کلان مانع از توسعه زیرساخت‌های صنعت برق و به تبع آن سایر صنایع خواهد شد و این مساله رشد اقتصادی را کند می‌کند و در سیکل کلان ارزش پول ملی را بیش‌تر تضعیف می‌کند. لذا سیاست کنترل درآمد بنگاه‌ها به منظور حمایت از مصرف‌کننده به جای کنترل هزینه، زیان بار خواهد بود. همچنین تحریم که از عوامل اصلی تورم در ایران است باعث افزایش هزینه تامین مالی شرکت‌ها شده و این امر کاهش سرعت انتقال تکنولوژی به کشور و توسعه صنعت را به دنبال داشته است.

نوسانات نرخ ارز، تورم شدید و عدم تعدیل قراردادهای پیمانکاری، پروژه‌های صنعت برق و انرژی را به پروژه‌های زیان‌ده تبدیل کرده است. یکی از راهکارهای پیمانکاران برای گرفتار نشدن در دام تورم، انجام خریدهای لازم در ابتدای پروژه است اما زمانی که پیش پرداخت پروژه فقط ۱۰ درصد و خرید پروژه ۶۰ درصد است، این راهکار، قابلیت اجرایی ندارد. به علاوه این موضوع زمانی زیانبارتر است که در بسیاری از قراردادها اصلا تعدیل وجود ندارد.

در شرکت پارس تابلو که هم در تولید و هم در پیمانکاری پروژه‌های زیرساختی فعال است، در هر شرایطی به دنبال توسعه و اشتغالزایی هستیم و سعی در حل مساله در تمامی مشکلات داریم. با این حال توسعه ما در اثر تورم کند می‌شود، هر چند نمی‌تواند و نباید متوقف شود.

■ با راه‌اندازی سامانه جدید مالیاتی در بخش فروش مشکلی نداریم، اما در

۳. آیا راه‌اندازی سامانه جدید مالیاتی و سامانه جامع تجارت تاثیری بر رشد تولید خواهند داشت؟ آیا استفاده از این سامانه‌ها گرفتاری‌هایی برای کسب و کار شما ایجاد کرده است؟ آیا این تغییرات را می‌توان مصداق مهار تورم نامید؟

برای کسب و کار شما ایجاد کرده است؟

بخش خرید مشکل پیدا کرده‌ایم به این دلیل که بعضی از فروشندگان خرد کد مالیاتی ندارند و فاکتورها را ثبت نمی‌کنند لذا ثبت فاکتور به ما منتقل می‌شود که مستلزم صرف زمان برای پیدا کردن کدها و ثبت خریدهاست. لذا پیشنهاد می‌شود به منظور سرعت عمل بیشتر، خریدهای جزئی از ثبت در سامانه معاف شوند. منظور اینجانب خریدهای بسیار جزئی هستند وگرنه با کلیت موضوع موافق هستیم.

■ نرخ ارز دولتی که به آن اشاره کردید برای ثبت سفارش تامین از خارج از کشور است. نرخ خرید تمامی مواد اولیه و تجهیزات ما به نرخ بازار آزاد است، اما فروش تولیدات ما از جمله انواع تابلوهای فشار متوسط و فشار ضعیف، پست‌های کامپکت، کلیدهای فشار متوسط و فشار ضعیف و سازه‌های فلزی به سازمان‌های دولتی، پروژه‌های نفت و گاز و پتروشیمی به نرخ سامانه سنا است. در مورد نرخ ارز، تجربیاتی که حداقل در سال‌های گذشته داشتیم که بخشی از آن مربوط به اوایل دهه ۷۰ بود و بخش متاخر آن مربوطه به دهه ۹۰ است، هر گونه نرخ گذاری برای ارز در میان مدت و بلند مدت پایدار نخواهد بود و خود را با قیمت بازار تطبیق خواهد داد. همین امروز نرخ ۴۰ هزار تومان، ۳۰ درصد با نرخ بازار آزاد اختلاف دارد. چه توجیهی دارد که شرکت‌ها محصول خود را ۳۰ درصد ارزان‌تر به فروش برسانند وقتی تمام هزینه‌ها با دلار آزاد افزایش پیدا می‌کند. نتیجه این سیاست ایجاد فساد است، ضمن اینکه در این شرایط شرکت‌ها نمی‌توانند هزینه‌های خود را پوشش دهند و طی یک مدت سودسازی از بین می‌رود و زیان‌ده می‌شوند. از این رو بازی با نرخ ارز راهکار تورم نخواهد بود و لازم است عوامل افزایش آن کنترل شوند. به عقیده اینجانب نرخ‌گذاری دولتی کمکی به تولیدکنندگان و پیمانکاران و در سطح کلان به صنعت و اقتصاد نمی‌کند لذا بهتر است برای حل این مشکل کلان بدنبال پاسخ به سوال اول و دوم باشیم.

مدیرعامل شرکت صنعت رایان پارس

مهدی موحّد جگرکندي

**ضرورت
مشارکت
بخش
خصوصی
در تدوین
نقشه‌های
راهبردی
اقتصاد**

■ با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری و تعیین نام سال و هدایت‌های همواره داهیبانه و حمایت مستمر از تولید ملی، به طور خلاصه می‌توان این شعار را در سه بخش بررسی کرد. بخش اول مهار تورم است، در این بخش باید تلاش‌های شبانه‌روزی در جهت توسعه زیرساخت‌های تولید داخل انجام گیرد تا ما تولیدکنندگان بتوانیم محصولات خود را با بالاترین کیفیت و کمترین قیمت در اختیار مصرف کننده قرار دهیم. در حال حاضر شاهد هستیم که تولیدکنندگان در مقدماتی‌ترین خواسته‌های خود از چرخه‌های دولتی دچار مشکلات فراوانی هستند که در نهایت با افزایش هزینه تولید تولیدکنندگان اثر تورمی را در سایر بخش‌ها به‌دنبال خواهد داشت.

از طرفی دیگر سیاست‌های کلان اقتصادی بدون نظرات کارشناسان بخش خصوصی اتخاذ می‌شود که این خود باعث به‌وجود آمدن مشکلات اساسی برای بازار عرضه و تقاضا می‌شود که اثری عمیق بر تشدید تورم و کاهش تولید خواهد داشت، از این منظر به دولت پیشنهاد می‌شود تا از بخش خصوصی در تعیین نقشه‌های راهبردی اقتصادی کشور استفاده شود، زیرا بازار عرضه و تقاضا دست‌وپذیر نیست.

بخش دوم به رشد تولید اختصاص دارد که عوامل زیادی از جمله عدم

تریبون آزاد	
۳. آیا راه‌اندازی سامانه جدید مالیاتی و سامانه جامع تجارت تاثیری بر رشد تولید خواهند داشت؟ آیا استفاده از این سامانه‌ها گرفتاری‌هایی برای کسب و کار شما ایجاد کرده است؟ آیا این تغییرات را می‌توان مصداق مهار تورم نامید؟	

ضرورت مشارکت بخش خصوصی

در تدوین نقشه‌های راهبردی اقتصاد

نمایشگاه اکسپو؛ اردیبهشت ۱۴۰۲



رعایت قانون توسط دستگاه‌های اجرایی باعث به‌وجود آمدن مشکلات اساسی برای تولیدکنندگان شده است، از جمله این مشکلات می‌توان عدم تخصیص ارز بدون در نظر گرفتن قیمت آن جهت واردات مواد اولیه و همچنین عدم همکاری بانک‌ها با تولیدکنندگان در دریافت اعتبارات بانکی و همچنین قوانین بازبینی نشده اکوسیستم کسب و کار را مثال زد و از طرفی بدهی‌های طولانی مدت سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی و تولیدکنندگان آن‌ها را با مشکلات جدی در زمینه تامین نقدینگی مواجه کرده است. بخش سوم تأثیرپذیری تولید و توسعه تولید از تورم است که با توجه به شرایط بوجود آمده در عدم کنترل صحیح تورم و همچنین عدم نظارت صحیح بر مکانیزم‌های دستگاه‌های اجرایی کشور بیشتر شرکت‌های تولیدی را با مشکلات عدیده‌ای همراه کرده است. امروز بیشتر تولیدکنندگان برای حفظ شرایط موجود مجبور به تعدیل نیروهای متخصص خود شده‌اند که این موضوع بحران بیکاری و کاهش رونق اشتغال‌زایی به همراه دارد و خسارات هنگفتی را به مجموعه‌ها و صنعت کشور وارد می‌کند، از طرفی هم حفظ و نگهداشت نیروی انسانی به دلیل بالا رفتن انتظارات مالی بسیار سخت و پر مشقت شده است و نیروهای متخصص به دلیل برآورده نشدن خواسته‌ها به مهاجرت متمایل شده و نیروی کار ساده نیز به دلایل تورمی، صرفه‌ی لازم از پرداخت دستمزد را نمی‌برد.

یکی از تأثیرات مخرب تورم ایجاد اختلال در برنامه‌ها و چشم انداز بلندمدت شرکت‌هاست، به طوری که با افزایش هزینه‌های تولید، بودجه تحقیق و توسعه شرکت‌ها صرف جبران خسارات ناشی از تورم می‌شود. قطعاً مجموعه ما هم از این امر مستثنی نیست و برنامه‌های توسعه خود را برای مقابله با تورم متوقف یا به زمانی دیگر موکول کرده است که می‌تواند مجموعه ما و صنایع کشور را با دور ماندن از تکنولوژی‌های روز دنیا مواجه کند.

از اصلی‌ترین سیاست‌های مجموعه ما، همواره شفافیت و تلاش برای شفاف کردن گردش‌هاست از این رو تلاش در جهت شفافیت مالی و گردش بازرگانی باعث رغبت بیشتر تولیدکنندگان به تولید خواهد بود و باعث کاهش قاچاق و فرارهای مالیاتی می‌شود؛ لذا از راه اندازی این سامانه‌ها استقبال می‌کنیم و تلاش خود را در جهت بهبود پلتفرم موجود خواهیم کرد.

اما با توجه به مطالب ذکر شده در گذشته، چون نظارت صحیحی بر روش اجرایی آن نبود، تمامی شرکت‌ها را دچار چالش‌های فراوانی کرد. معمولاً در راه اندازی و رونمایی از این طرح‌ها ابتدا یک مدت زمانی را بصورت آزمایشی صرف آزمون خطا، آموزش و همچنین آشنایی فعالان اقتصادی با آن می‌کنند، سپس نسبت به ارائه آن در سطح ملی اقدام می‌شود که متأسفانه در اجرای این طرح به آن توجه چندانی نشد و مشکلات فراوانی را برای سازمان‌ها ایجاد کرد.

قطعاً مشکلات فراوانی ایجاد کرده است، افزایش نرخ ارز باعث بالا رفتن قیمت تمامی مواد اولیه در کشور می‌شود، تقریباً شما هیچ ماده اولیه‌ای را نمی‌توانید مثال بزنید که مستقل از نرخ ارز باشد. این امر به وضوح باعث بالا رفتن هزینه‌های تولید و در نتیجه افزایش قیمت‌ها می‌شود، لذا با توجه به اینکه قدرت خرید مصرف‌کنندگان بسیار پایین است اثرات تورمی شدیدی را خواهد داشت و هیچ کمکی به مهار تورم نمی‌کند.

اما اگر آزاد سازی نرخ ارز به درستی انجام شود و عده قلیلی از نرخ دولتی جهت دریافت ارز ارزان‌تر بهره نبرند، می‌توان امید داشت که کسب و کارها در راستای مهار تورم و رشد تولید قدم بردارند و فرمایشات مقام معظم رهبری و دغدغه‌های به حق ایشان در این راستا برطرف و محقق شود ■



فرم عضویت

نام شرکت:		رشته فعالیت:		سال تأسیس:	
Company Name :			Field of Activity :		
Managing Director :		☐ تولیدی ☐ پیمانکاری ☐ مشاور ☐ بازرگانی ☐ خدماتی			
نوع مالکیت:		نوع شرکت:		تاریخ ثبت:	
نام و نام خانوادگی مدیر عامل :		Email :		تلفن همراه مدیر عامل :	
نام و نام خانوادگی ریاست :		Email :		تلفن همراه ریاست :	
تلفن :		فکس :		آدرس دفتر مرکزی :	
آدرس کارخانه یا کارگاه :		تلفن کارخانه یا کارگاه :			
WebSite :		Email :			
شماره شناسنامه صنعتی :		موضوع صدور شناسنامه صنعتی :		تاریخ و محل صدور شناسنامه صنعتی :	
شماره عضویت در اتاق بازرگانی :		شماره کارت بازرگانی :		حجم صادرات سالانه :	
سرمایه اولیه :		سرمایه فعلی :		گردش مالی سالانه :	
تعداد سهام :		ارزش ریالی هر سهام :		تعداد سهامداران :	
حجم مالی پروژه های انجام شده :		حجم سرمایه گذاری تحقیقاتی ارائه شده به R&D :			
تربوی اساتید (نفر)					
دکتر :	فوق تخصصی :	اسکنس :	فوق دیپلم :	دیپلم :	زیر دیپلم :
مدیر عامل :		رئیس هیأت مدیره :		اعضای هیأت مدیره :	
نام و نام خانوادگی :					
رشته تحصیلی :					
دانشگاه :					
محل تحصیل :					
آدرس Email :					
عضویت در تشکلی های حرفه ای صنعتی :		محصولات / خدمات :		گواهی نامه های کیفی :	
مستندات و مدارک پیوست :					
☐ در خواست گسی برای عضویت ☐ گسی گواهی ثبت شرکت ☐ گسی روزنامه رسمی آخرین تغییرات ☐ گسی اساسنامه (اصطلاح شامل موضوع فعالیت شرکت)					
☐ گسی اجازه رسمی فعالیت از مراجع ذیصلاح کشور (پروانه بهره برداری برای تولید کنندگان و تشخیص صلاحیت و رتبه بندی معاونت راهبردی ریاست جمهوری برای شرکت های پیمانکاری)					
☐ گسی کارت بازرگانی و یا کارت عضویت در اتاق بازرگانی و صنایع و معادن		☐ رزومه شرکت		☐ تعهد نامه عضویت	
صحت مدارجات تکمیل شده فور فوق مورد تأیید شرکت		مهر و امضاء شرکت:			
تاریخ تکمیل فرم :					
این لیست توسط سندیکای صنعت برق ایران تکمیل می گردد					
اطلاعات فوق و مدارک منطبق در تاریخ توسط کمیته عضویت سندیکا بررسی و مورد تأیید ☐ می باشد ☐ نمی باشد.					
دبیر کمیته عضویت		امضاء دبیر سندیکا			
تاریخ		تاریخ			

لطفا فرم تکمیل شده را به همراه مستندات مرتبط به آدرس ایمیل info@iei.ir و یا شماره فکس ۶۶۹۴۴۹۶۷ ارسال فرمایید.

نمایشگاه نفت؛ اردیبهشت ۱۴۰۲



خیر مقدم به اعضای جدید

به گزارش واحد عضویت
سندیکای صنعت برق ایران
با پیوستن

۱۸

شرکت جدید در نیمه اول
سال ۱۴۰۲ به خانواده
سندیکا، تعداد اعضای
این تشکل به

۶۵۳

عضو رسید.

- فنی و مهندسی پیشرو تامین صنعت ایده آل
- خدمات رایانه‌ای پردازشگران عصر اطلاعات
- نوران ارتباطات نوین
- مهندسی و خدمات ایفا صنعت تابا
- آداک بهین نیرو
- جهان توان رسام
- پارس نیروی ساینا
- صنایع کوپله رعد
- موج گستران بسیط
- صنایع باتری سازی ساینا
- گروه صنعتی آریا ترانسفو
- پترو گرایش کوشاورزان
- الکترونیک سازان فن آریا
- خدمات مهندسی و تامین تجهیزات رایا فرهور آنوش
- یراق گستر سپاهان آراد
- نیرو مولد یکتا
- آتیه سازان تولید و رونق
- ارکان طرح برسام

نقش آفرین
در حوزه نیرو

PeymaBargh Co.

EPC contractor in power section



شرکت پیمابرق
(تاسیس ۱۳۷۰)
طراحی، مهندسی، تأمین کالا و احداث نیروگاه
خطوط انتقال، پست، شبکه های مبرن و تقویت و توزیع نیرو

